

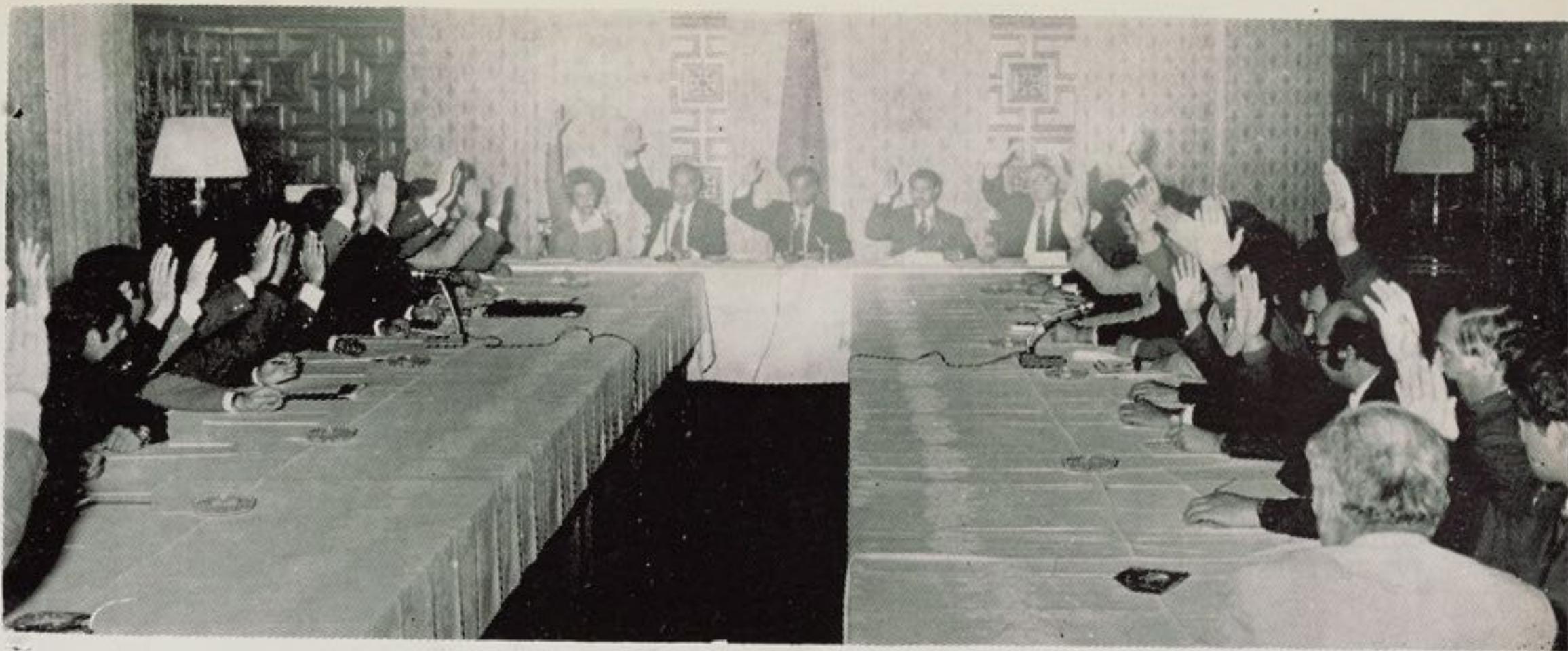
كتاب

الطبعة الخامسة

LIBRARY OF CONGRESS  
6  
DEC 3 0 1980  
COPY  
ORDER PUBLICATION

Ketabton.com

كتاب



د افغانستان دخلک دموکراتیک گونددمر کزی کمیتی دعمومی منشی دافغانستان ددهوکرا تیک جمهوریت دانقلابی شورا درائیس او صدراعظم بیرک کارمل تر هشتری لاندی دانقلابی شورا په ماهی کن دافغانستان دخلک دموکراتیک گوند مرکزی کمیتی خلورم پلینوم جویشو.

## الْعَدْلُ وَقَاتِلُ الْمُنْكَرِ

د افغانستان دخلک دیموکراتیک گونددمر کزی خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم یانو ددعا کسلو په غوغوندوکی سرخه ۷۰۰ توکه بیلایل کتابونه دکابل پوهنتون د کمیتی ددارالانشاء دخیر سره سم لکه چی گرانو جمهوری دموکراتیک افغانستان بروز پنجشنبه واخیسته جی په تکه خانواو مقدسو خایونوکی محصلانو داستفاده پاره دافغانستان ددهوکرا تیک عیادوالو ته خبر و دکې شوی ۱۳۵۹ د بیست ونه غرب ۱۳۵۹ ساعت چار بعدازغیر وشوی .

غرب په شلمه نیته له غرمی نه مغکی په نبو درهقر شورای انقلابی تشکیل جلسه داد .

بعو، دافغانستان دخلک دموکراتیک گونددمر کزی دبیستو ملي ستر هشتر خان عبدالغفار خان به کابل کی دشوروی اتحاد لوی سفير دعفر بیه ۲۵ نیته تر غرمی نه مغکی دننگر هار داعفغانستان دخلک ددهوکرا تیک گوند مرکزی تابیف کرت احمدجانو پیج دعازب یه ۲۸ نیته له دخلک دموکراتیک گونددمر کزی کمیتی دعمومی کمیتی دعمومی منشی دافغانستان ددهوکرا تیک ولايت مرکز جلال آبادته ورسید . غرمی مغکی به لسو بوجوده کتابونه دلودواوسلکن منشی ، دافغانستان دیموکراتیک جمهوریت جمهوریت د انقلابی شورا درئیس او صدراعظم بیرک کارمل په هشتر دوزیرانو دشورا غونبه شاه محمد دوست وزیر امور خارجه ورئیس داعفرت یه ۲۵ نیته دانقلابی شورا په مقرر ده دکار تھصیلاتو وزیر پوهنل ګلداد ته دده دکار ده دفتر کی ورکړی چی دکور ودانی پهولو ده دستانه سفر دنیجو دخیر لوپه غرض (ارګ) کی وشوه .

چی دشوروی اتحاد دکونیست گوند مرکزی کمیتی، دشوروی سوسیالیستی جمهور یترنو دانجاد دعالی شورا درئیسه هیات او دشوروی حکومت په بلنه وشو، دانقلابی شورا پسے مفرکی جوی شو .

حسین (رض) او دکر بلای معلی دیپیښی دنورو مبارزینو دشپادت خاطره ونمانځله او دکر بلا دشپیدانو یاک روح تهی دعا وکړه .

هیات رئیسه شورای انقلابی جمهوری دمو- کراییک افغانستان تحت ریاست بیرک کارمل دشپیدانو یاک روح تهی دعا وکړه .

منشی عمومی کمیتی مرکزی حزب دموکراتیک دعیواد مرکز اولویاتو په زد گونو توبشار دمسلکن لوپواو منځیو تعلیمانو وزارت دلوست وکړه .

رو  
رویده  
کمیته  
بودیم  
در  
و دو  
هر کزی  
شورا  
افغان  
تھام  
فرار  
در غر  
اعم ا  
صورت  
گرفته  
نتیجه  
در کا  
حزب  
انقلاب  
اجتماع  
در آینه  
درو  
نتایج  
دموکر  
بیرک  
از زیباد  
دسانیه  
تصویر  
کمیته  
شوره  
بیشتر  
احزاب  
خاطر  
بین ده  
نور ده  
تکاملی  
انقلابی

## دربن متنمایه

میز کرد زوندون پیرامون قانون جزای جرایم  
علیه احصارات معاشریو .

\*\*\*

اظهار نظر های عده بی از زور نالستان  
نو یستند کان و هنر مندان ما پیرامون تابع  
دیدار شان از جمهوریت های آسای میانه  
اتحاد شوروی .

\*\*\*

داستان کوتاه بنام (بکبسته بول در کنار  
جاده)

\*\*\*

کوتایملا او سی، ای، ای

\*\*\*

زنان در اتحاد شوروی

\*\*\*

تقد و بر رسم فلم «جناپتکاران»

\*\*\*

و فیکه چشم ها حرف می زند

\*\*\*

هنر او هنری انگور

\*\*\*

بیزاد مشعل درخشنان هنر مینازور

\*\*\*

شرح روی جلد :

ستاره کان فلم جناپتکاران

\*\*\*

شرح صفحه (۵): صفحه بی از زندگی مردم  
ها

\*\*\*

شرح پشتی چهارم : باز هم زندگی مردم  
ها  
(تابلوی نقاشی شده)

مبارزه بغاذه عادی شدن اوضاع در منطقه ما جزء لاینک مبارزه بغاذه دیانت و مسلح  
در سراسر جهان است واهیت بین المللی بازدید ها از اتحاد جواهیر سوسایلیستی  
شوری هم درین تکه میم تجلی مینماید .

از بیانیه بیرون کارمل در پلیتوم به پارام کمیته مرکزی ح.د.خ افغانستان

شنبه اول قوس ۱۳۵۹-۲۲ نوا مبر ۱۹۸۰

# چهار هیل پلینوم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا

و خارجی وغیره تدبیرکافی و فناعت بخش انجاز  
نگردیده و از امکانات دست داشته خود کمتر  
استفاده مینمایند .

بنابران به منظور رفع همه ناسامانی ها-  
بپیووضع اقتصاد کشور واستقرار نظام انقلابی  
ورفاه همگانی مردم، پلیتوم چهارم کمیته مرکزی  
حزب دموکراتیک خلق افغانستان مصوبه بی رابه  
تصویب رسانید که در آن خط السیر دعالیت  
و وظایف حزب و دولت رادر مرحله کنونی انقلاب  
درجت نیل بهوحدت واقعی وارگانیک حزب  
در جهت نسل انقلاب و تجاوزات خارجی  
دموکراتیک خلق افغانستان یکپارچگی و تحکیم  
صفوف آن هیارزه بی امان علیه دشمنان انقلاب  
نور معو کامل ضدانقلاب و گروه های باندیت  
ها و تصفیه تمام ساحات جمهوری دموکراتیک  
افغانستان در ماهیات نزدیک ، ستین و بی  
مسوولیت است .

در پلیتوم چهارم کمیته مرکزی ح.د.خ.  
در مورد وحدت ارگانیک حزب که شامن عده  
کشور شوروی و شخصا به رفیق لیونیدا بیلیچ  
اهداف والای انقلاب نور است بشدت تاکید  
در پلیتوم چهارم کمیته مرکزی ح.د.خ.  
در کشور ما انجام داده و خواهد داد  
و عمجان بغاذه درک عمیق برایلم های تکامل  
انقلاب تود و کمال های بی شایبه و همایع  
های کشور شورا هادرجهت ارتقای سطح ناد  
مادی و همکاری و سهمگیری آنکشور در  
ساختمان جامعه نوین افغانی، سیاسی عالیم خود

را به کمیته مرکزی حزب کمونست اتحاد شوروی

کشور شوروی و شخصا به رفیق لیونیدا بیلیچ

برزنت ابراز میدارد .

صورت گرفته است چنانکه بیرون کارمل

در آخر گزارش خود در پلیتوم هذکور چنین

اظهارداشت: «ما وحدت حزب رادر تمام عرصه ها

اعم از رهبری ایدیالوژیک، سیاسی و سازمانی

برهبانی کارو بیکار واحد شرده و دست به

دست هم در راه امعای کامل دشمنان و نسد

انقلاب در راه حل تمام مسائل مربوط به حزب

و دولت، انقلاب وجامعه در راه ساختمان اقتصادی

اجتماعی افغانستان نوین و در راه ارتقای سطح

زندگی هادی و معنوی توده های وسیع مردم قبرهان

افغانستان انقلابی تلین نموده و باز هم بیشتر و

بیشتر تامین مینمایم و وحدت ارگانیک و اصولی

بین دوکشور افغان و شوروی با بیروزی انقلاب

سوء استفاده از موقع ها و مقام ها صورت

گرفته است بلکه ارگانیک دولتی و ادارات در جهت

حرب خود را واقعا بمعتابه شرف و وجودان، عقل

وقلب خود، جسم و روان خود در عرصه ملکی

استقرار و اعتلای اقتصاد افغانستان اتکشاف

صنعت و محصولات زراعی، تجارت داخلی و تفاهم بسط و توسعه واستحکام می بخشیم»

روز ۲۰ عقرب شاهد برگزاری میمترین  
رویداد تاریخی یعنی دایرشن پلینوم چهارم  
کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان  
بودیم .

درین پلینوم که راجع به نتایج سفر رسمی  
و دوستیه بیرون کارمل منشی عمومی کمیته

مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان دنیس  
سورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک

افغانستان از اتحاد شوروی دایر گردیده بود،  
 تمام مسائل حزبی و دولتی مورد غود و بردی

فرار گرفته و نتایج کارو اجرات حزب و دولت  
در عرصه های مختلف حیات و زندگی مردم

اعم از اقتصادی - اجتماعی، سیاسی وغیره به  
صورت همه جانبه وعلمی مورد ارزیابی قرار

گرفته و مصوبه بی درزمه به تصویب رسیده کمیته  
نتیجه گیری از اجرات و فعالیت حزب و دولت

در گذشته بوده خط السیر اهداف و وظایف  
حزب و دولت رادر قبال تحقق آرمانهای والا

انقلاب نور و اعماد جامعه نوین مینمی بر عدالت  
اجتماعی و فارغ از هر گونه ستم و استیمار

در آینده، مشخص و روشن نشان میدهد .

در پلینوم چهارم کمیته مرکزی ح.د.خ.

نتایج سفر هیات عالی حزبی و دولتی جمهوری  
دموکراتیک افغانستان به اتحاد شوروی که توسط

بیرون کارمل مفصل اگزارش یافت عالی از بیروزی انقلاب نور بخصوص مرحله دوم

ارزیابی گردیده و نظریات، نتیجه گیری هاو  
دستیار هنرمند در بیانیه بیرون کارمل

تصویر عام و تام تایید گردید .

کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. اهمیت این سفر را به اتحاد

شوری مرحله تاریخی در تکامل و تعمیق هرچه

بیشتر دوستی برادرانه و خل نا پذیر میان  
اجتماعی جمهوری دموکراتیک افغانستان نه تنها

در حل مسائل میرم حیاتی از خود بعاثت نشان  
خاطر نشان می سازد که مناسبات عنعنی دوستی

بین دوکشور افغان و شوروی با بیروزی انقلاب

نور در افغانستان بخصوص پس از مرحله نوین  
تکاملی آن به مناسبات برادری، همیستگی

# جمهور

## اصول رهبری علمی حزب و دولت

اعمار اقتصادی نداریم و تعداد در مقیاس وسیع جامعه اجرا کردد. با تأسف باید بگوییم که اعمال اعضاًی حزبی مطمئن و آزموده و لو نتاریستی و انتکا به اراده شخصی در زمان تسلط امین خاين و مختلف کار دولتی و تولیدی مهارت منحرف در حزب، دولت و کشور، ما بیشتر بسیار روشی به متشاهد و می‌رسید و البته هموطنان ما و جهانیان اسرار و عوایق آنرا بخوبی مشاهده کردند که نه تنها عده‌ای شماری از طندازان قهرمان ما بعده بدمست عمال و کماشتنگان امین

جاسو س و ولو نثار یست تلف و توقیف شدن بدله حزب، دولت و انقلاب به بیرا ه کشانیده شد. ولی با پیروزی مرحله نوین انقلاب اور همه آن اعمال و انحرافات یکسره به دور اندخته شدند و حزب و دولت و جنبش به صراط المستقیم رهنما بی شدند اینک با تذکر بخش دیگری از گزارش ببر ک کار مل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم کلام خود را موجه ترمی سازیم. ایشان در مورد وحدت کامل حزب ب چنین می‌فرمایند: «می‌خواهم بطور خاص خاطر نشان سازم که مسئله بر سر قبول وحدت در حرف نیست، بلکه هدف ما وحدتی است که در عمل و درجهت تحقق اهداف انقلاب ما و احتمالی تصادیم حزب ضروری می‌باشد بنابرین با قاطعیت اعلام می‌گردد که دیگر معیار عمده حزب بیت و ارز یا می‌باشد، بلکه دروضع کنونی می‌باشد، فعال شان بخاطر تحقق آزمای های انقلاب ثور و مبارزه علیه ضد انقلاب از یکطرف و از جانب دیگر اجرای موافقه وظایفی که حزب در عرصه های اقتصادی و اجتماعی بیش می‌کشد تحکیم دوستی همیشگی با حزب لینینی کمونیست اتحاد شوروی دوستی بین کشورها و خلق های مامعيار های اساسی ارزیابی کار هر عضو حزب و هر کار مند حزبی و دولتی به حساب می‌روند...»

باقیه در صفحه ۵۷

اعمار اقتصادی نداریم و تعداد اعضاًی حزبی مطمئن و آزموده و لو نتاریستی و انتکا به اراده مختلف کار دولتی و تولیدی مهارت و قابلیت لازم داشته باشند. کافی نیست اما باید با واقعیت ها روپرورد و صریح و روشی حرف بزنیم، آیا همیشه از امکاناتی که در دست داریم بعد کافی استفاده می‌نماییم...»

اشارة به موضوع فوق علاوه از آنکه مراجعات دقیق اصل دو م تحلیل علمی فاکت های گردآمده رهبری علمی جنبش و جامعه بر اساس اسلوب علمی و جامعه است یک اصل زرین و سازنده دیگر انقلابی یعنی اصل انتقاد و انتقاد از خود را نیز بو صوح گواهی می دهد حال بپردازیم به تشریح اصل سوم رهبری علمی جنبش حزب و جامعه: این مرحله مرحله استخراج شعارها و رهنمودهای عمل نیست. اکنون فرض کنیم که از وضع بدروستی مطلع شدیم وضع را پدرستی تحلیل گردیم و به نتیجه گیری ایشان اگر کسی نخواهد اطلاعات را در قالب های فکری و قالب های اصولی معینی بسوز و بگنجاند، در نتیجه آنرا مسخ کرده است. همچنان اگر کسی نخواهد از احکام رهنما برای سمت یابی در اینبوه فاکتها استفاده کند، نخواهد توانست از فاکت های گردآمده استفاده ای اعظمی بکند. برای آنکه درین مرحله حساس از فاکتها اطلاعات و تجارت و مشاهده از خود آمد و پدرستی استفاده شود بیشتر است اظهار نظر خلاق و عاری از ترسی و ملاحظه و غرض بعمل آید تاکنه و قایع و زیشه حوادث و جهات مختلف آن و سمت حرکت بپدید فی که در برای خود نهاده است. در مقطع معین زمانی و مکانی از آن روشی می‌گردد. درین جایای متذکر شده که بسیار سود مند خواهد بود اگر ما شعارها و رهنمودها برا که از تحلیل خود استخراج کردیم رسانیم: ایشان در بخشی از گزارش دریک محیط محدود تر بکار بین یم تا به صحت و اثر بخشی و کارایی باید گفت که بسیاری از رفقای آن در عمل معتقد شویم باید همه رهنمودها را باستجششها لازم نشود. زیرا واقعیت ها، آنطور یکه باید و شاید و انتظار یکه او ضایع و احوال می اخذ نماییم ماجرا جو بی جز این طلب موثر و مشمر کار نمی‌کنند. نیست که رهنمودها ذهنی و ولونتای ریستی باشد و باحرارت و شتاب

لذا جمع آوری فاکت ها و جمع آوری اطلاع نباید سرسری انجام گیرد.

شرط دو م عبارت است از تحلیل علمی فاکت های گردآمده بر اساس اسلوب علمی و جامعه است یک اصل زرین و سازنده دیگر انقلابی یعنی اصل انتقاد و انتقاد از خود را نیز سیر نهایی واقعی روا بط درونی، سیر نهایی واقعی و سمت تاریخی باشد در هنگام تحلیل نیز بسیار دقیق بود زیرا اگر کسی بخواهد که فاکتها و اطلاعات را در قالب های فکری و قالب های اصولی معینی بسوز و بگنجاند، در نتیجه آنرا مسخ کرده است. همچنان اگر کسی نخواهد از احکام رهنما برای سمت یابی در اینبوه فاکتها استفاده کند، نخواهد توانست از فاکت های گردآمده استفاده ای اعظمی بکند. برای آنکه درین مرحله حساس از فاکتها اطلاعات و تجارت و مشاهده از خود آمد و پدرستی استفاده شود بیشتر است اظهار نظر خلاق و عاری از ترسی و ملاحظه و غرض بعمل آید تاکنه و قایع و زیشه حوادث و جهات مختلف آن و سمت حرکت بپدید فی که در برای خود نهاده است. در مقطع معین زمانی و مکانی از آن روشی می‌گردد. درین جایای متذکر شده که بسیار سود مند خواهد بود اگر ما شعارها و رهنمودها برا که از تحلیل خود استخراج کردیم رسانیم: ایشان در بخشی از گزارش دریک محیط محدود تر بکار بین یم تا به صحت و اثر بخشی و کارایی باید گفت که بسیاری از رفقای آن در عمل معتقد شویم باید همه رهنمودها را باستجششها لازم نشود. زیرا واقعیت ها، آنطور یکه باید و شاید و انتظار یکه او ضایع و احوال می اخذ نماییم ماجرا جو بی جز این طلب موثر و مشمر کار نمی‌کنند. نیست که رهنمودها ذهنی و ولونتای ریستی باشد و باحرارت و شتاب

اوین شرط رهبری صحیح و علمی جنبش اجتماعی و جامعه عبارت است از تأیین و بذلت آوردن اطلاع جامع و موقن در باره وضعی که مورد بررسی ماست و باید مادر آن تأثیر بخشیم (جامعه، نهضت، حزب وغیره) این اطلاع باید مبتنی بر حقایق دقیق باشد و به خواسته ها و گرایش های ذهنی در جمع آوری فاکتها و کسب اطلاعات راه داده نشود. زیرا واقعیت ها، حقایق و فاکتها متنوع بسیار است و اگر کسی معرض باشد می تواند آن فاکتها بی را بر گیرد و بر گزیند که بسود اوست و آنها بی را که بینیان اوست بگذارد.



# سلسله هفت و شنبه ها و نشسته های اقتصادی دو دو نهاد

در زیر ذرہ بین نقد و اذن کاد

زیر نظر گروه مشورتی زوندو

## قانون جزای جرایم علیه احصارات محاربی

برای شان مطریح میگردد در تماس زو ندو ن نیز آن را به تایید گرفت  
های خود با ارگان های مسوول که بعد از اتفاق این قانون و نشر آن  
و با صلاحت پاسخ های درست در مطبوعات کشور عدد بی از  
تبیه دارد و به نشر سپاراد که در مخربان و عمال فروخته شده  
همین سلسله در جریان سال روان مسایل و دشمن به وجہ و مردم سلسله  
کو نه گو نی مانند کمبود مسکن، شایعات و افواهاتی را پخش  
کمبود بسی های شهری، نابسامانی کردند که انگیزه بی شد برای ایجاد  
های موجود در کارتو لید و تورید ترس و واعده در میان خانواده  
ادویه و مطالبات خاص خانوار دگی ها.

در این نشست ها با شرکت آگاهان  
ها برای اینکه درست بود ن و یا  
نشست آغاز گر جدل است و در  
نشست آغاز گر جدل است و در  
رسانید این شایعات را با مسوولان  
و مسوولان امور و نماینده های  
خانواده های شهر کابل به جمله  
امور وزارت دفاع ملی در میان  
آورده شده و از آن نتایج سود مند  
گذاشته و خانواده های کشور را  
در جریان آن قرار دهیم یک تعداد  
بدست آمد است،

مطابق با موضع طرح قانون  
ما بحث پیرا مون طرح قانون  
که خود خانواده ها در  
تعاسی های خود با زو ندو ن به میان  
جزای جرایم علیه احصارات محاربی  
آورده اند در این نشست به طرح  
قوای مسلح چمپوری دمو کراتیک  
افغانستان را از آن جهت دربرناه  
کار خود قرار دادیم و گروه مشورتی  
که روش ما در این جمله ها است

در این جمله :

- ڈگروال محمد آصف الیم رئیس محکمه عالی قوای مسلح
- جگرن محمد صدیق رئیس حزبی تشکیلات وزارت دفاع ملی
- دیپلوم انجینیر محمد نادر دهقان رئیس تشکیلات وزارت دفاع ملی.
- جگرن عبدالجید ابوی هرستیال خارنوالی قوای مسلح  
شرکت دارند.

را حل راسخ خر می در این پدران و فرزندان و جوانان عهده  
نشست آغاز گر جدل است و در  
آن دار است بلکه در بی آن است که  
آغاز سخن خود داشاره بی میکند به هدف  
بتواند از یکسو مشکلات و پرابلم  
از راه اندازی این جمله در همین  
هزاره انداده ای این جمله در همین  
زمینه میگوید، که:

برای رفع نابسامانی ها و دشوا ری  
کشور نشر یه بی است خانوادگی  
هاراه های حل منطقی و تطبیقی را  
که نه تنها رسالت تویر، آگاهی  
به کاوش گیرد و از سوی دیگر به  
دهی و فرامه آوری مطالب آموزنده  
پرسشی ها و سوالاتی که در زمینه  
وسر گرم کشند را برای مادران و  
ها و شنون مختلف زندگی اجتماعی

ستایل

مکالمه ادبی و ادبیاتی و فرهنگی

بشهر دوستی قانون است. همچنان

این قانون شرعاً طبق را فراهم آورده است که آن عده سربازانی که به منظور تحکیم قانونیت انتقال بی شکل غیر قانونی از قطعات خود بسط انصباً ط و دسپلین و به مقصد تشریک مبارزه علیه خرا بکاران گذاره گرفته بودند در مدت دو ماه در صورتی که و اپس به قطعات و متجاوزان به امنیت و دشمنان خود حاضر شده باشند از مجازات معاً ف میباشند و این یکی دیگر از مفاهیم عمیق بشر دوستی در آن میباشد که در قوانین قبلی چنین کند.

در ساده عمل قانون جدیددارای مواد جدیدی است و قانون قبلی در تمام موارد جزء ای در قوای مسلح تحقیق ابتدا بی به وسیله ارگان های خارج از این صورت میگیرد و مسائل مرتبه اتها م

رئیس محکمه عالی قوای مسلح:

در نظام های استبدادی ایدیا- لوزی حقوقی مجتمع عه نظراتی است که قوانین و مقررات منافع طبقات مسلط را به بهترین شکل ممکن حفظ گند، در جوا معنی که استثمار فرد ازفرد در آن حاکمیت دارد طبقات

ستمکشن نظارات خود را انکاس

داده نمیتوانند و قوانین در مجموع

حافظه منافع طبقات ستمگر میباشند.

در کشور ما بعد از پیروزی

انقلاب ثور و حاکمیت سیاسی

حزب دموکراطی افغانستان

قواینی به گونه بی وضع میگردد که

مساله را از پهلوی های مختلف آن به بررسی گیریم و در هر مورد روشنی کافی به موضوع اندازیم اینک سخن را به رووف را صنع می سپارم که مسوول میز های گرد ژوندون است تا پرسش ها را به طرح آورد.

**رووف دا صنع :**

هیات رئیسه شورای انتقالی

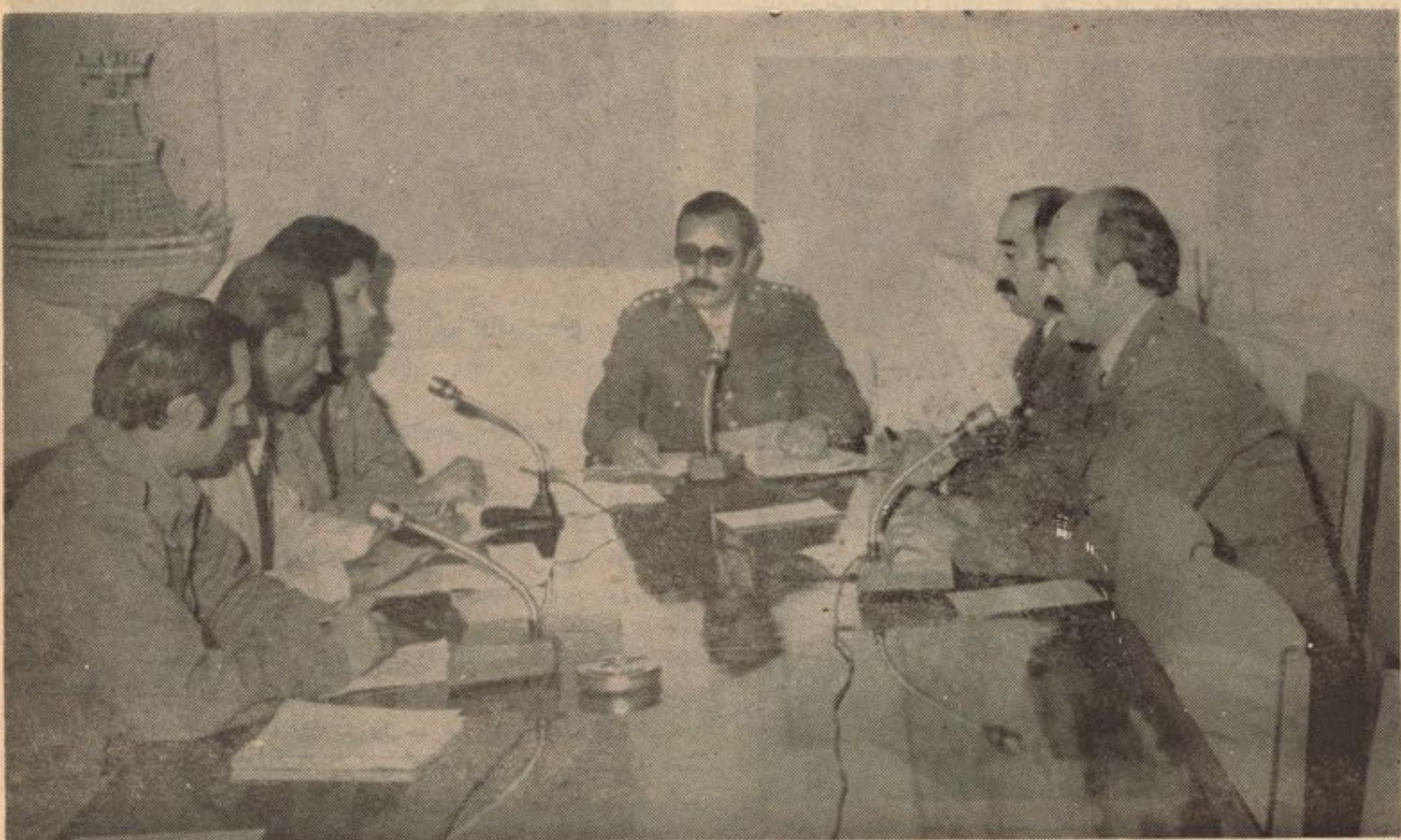
جمهوری دموکراطی افغانستان

دو جلسه مورخ سی و یک سر طان

سال روان طرح قانون جزای جرائم

علیه احصار اتحاد محاربوی قوای مسلح

جمهوری دموکراطی افغانستان



گوشی از میز گرد ژوندون پیرامون قانون جزای جرایم علیه احصار اتحاد محاربوی

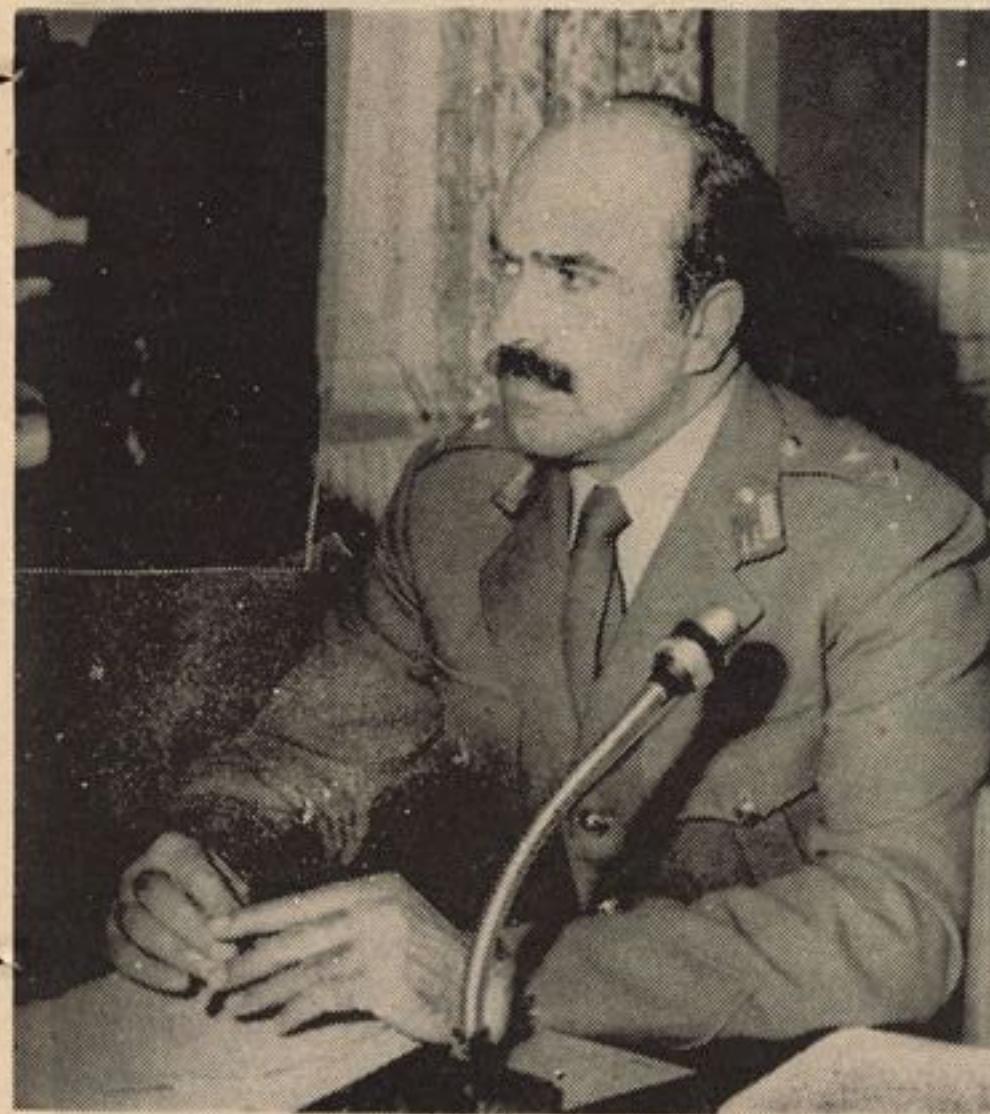
محتوای آن منافع طبقات ستم کش در جمهوری داده در قوای وارد و بار عایت تمام حقوق قانونی مسلح افغانستان. که در اصول اساسی جمهوری این قانون در پهلوی اینکه دموکراطی افغانستان ذکر شده است در معاكم عملی میگردد. مفهوم تر بیوی قانون این است که نه تنها مجازات مجرمین باشد هاو را هدف خود قرار داده بلکه آنها را مجدداً تر بیت هم میگردد. یکی از مواد قانون این طور حکم می کند که: محکمه میتواند با درنظر داشت اهلیت شخصی مجرم و

را در نوزده ماده مورد تایید و تصویب قرار داد که از طرف رئیس شورای انتقالی جمهوری دموکراتیک افغانستان منظور و در پانزده متنبه بانشر در جریده رسمی نافذ گردید، شما لطفاً در این زمینه توضیح دهید که مفیدیت این قانون در حالات محاربوی شامل چه مواردی میگردد و این قانون در مجموع چه تسهیلاتی را در امور نظامی به وجود می آورد؟

مفهوم سیاسی، اجتماعی و گردند و این به خاطر تامین جنبه

**ابوی مرستیال خارنوالی قوای اضافه رخصتی و اضافه هر یوضی و مانند آن که به اساس آن اقدامات بعدی صورت می‌گیرد.**

**رووف راصع :**  
قاعد تا دریک محاکمه که روحیه مدنی داشته باشد، خواه نظایر باشد و یا ملکی به این دلیل که در مقابل شخص متهم خارنوال از حقوق دولت دفاع میکند که به تمام موارد حقوقی و مدنی و در صورتی که محاکمه نظایر باشد خصوصیات نظایری آشنا بی کاملاً دارد و می‌تواند از کوچکترین برگه و سند نیز علیه متهم و به منظور شدت بخشیدن، مجازات وی استفاده کند یا بد و کمیل مدافعانه متهم نیز اولاً در صورت امکان موقف حکومتی نداشته و دوماً



جگرن محمد صدیق رئیس امور حزبی و سازماندهی ریاست‌جمهوری امور سیاسی.

از نظر سطح آگاهی و آشنا بی با موارد حقوقی و نظامی هم ردیف خارنوال باشد تا بتواند به استناد موارد مختلف از متهم دفاع کند و با استفاده از تمام مورد های تخفیف مجازات در مورد جرم وی آن را به حداقل کا هش دهد در حالیکه که در گذشته در اغلب محاکمات یا متهم و کمیل مدافعت نداشت و ناگزیر خودش که کاملاً اتفاق میافتد کمترین اطلاعی نیز از بقیه در صفحه ۵۸



دگر وال محمد آصف الام رئیس محکمه عالی قوای مسلح

**دئیس محکمه عالی قوای شدت جرمی که این آدم مر تکب شده و سایر حالات تنقیذ و تطبیق مسلح :**  
تمام هموطنان ما به یکی از واحد حکم، جبس مجرم را الى ختم های اداری مانند و لسوالی ها، مجرم عسکری را در یکی از قطعاتی که در حال محاربه است اعزام گردید، مثلاً متهم ادعای مر پس بودن را میکند، خارنوال و مستنبط اسناد مربوطی او را مورد باز دید

ما های اداری مربوط تصدیق

می‌گردد در صورتیکه عذر

در پیشنهاد محکمه مر بوط و

منظوری هیات رئیسه شورای انقلابی

از اکمال میعاد جبس معینه معاون

شده میتواند.

یعنی اگر وقت شود در واقع

هم وطنان ما تشوه یق به شجاعت

و مبارزه علیه ستمکران میگرددند.

**رووف راصع :**

در صورتیکه شخصی مجلوب

عذر موجه گردد و تصادیق مر بوط

را نیز از همین مراجع به دست آورد

اما حالات ناشی از حوادث طبیعی

را اگر واحد های اداری مر بوط

تصدیق کنند نظر آنها در محکم

نظایر مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

برساند. مناطق پاتیر شمالی و جنوبی به اکتشاف آب های زیر زمینی احتیاج دارد. دولت به پیمانه و سیمعی بلان های بیبود تهیه آب را به وسیله دستگاه شبکه آبرسانی یمپ های دستی روسایی روی دست دارد این بلان هانه تها بخانواده های دهانی بلکه همچنان به مرکز صحری بیهارستان ها، مکاتب و مرکز آموختش نیز خدمات میکند و وقتی این بلان ها پیشرفت کند اطفال کشور از خطر انعدام صحی مصون خواهند شد.

افغانستان حفظ الصحة محيطی رایه برنامه  
آب آشامیدنی خودمنوطی سازدازی نیرو برای مردم  
این کشوراين موضوع در حکم امر حیاتی  
است تا خطراتی راکه عادات غیر صحی و ماحول  
ناپاک او آنان تحمیل می کند بشناسند در  
هر جایی که آب کم باشد خواهی نخواهی  
حفظ الصحة نیز ناقص است ولی تنها آب  
نمی تواند این مشکل را حل کند بلکه مساعی  
آموزشی باید مانع نا فهمی رایر طرف سازد  
ظریفه های بیتر دور ریختن کثافت به شمول  
استفاده صحی از قسله انسانی (بجیٹ کو دز راعتن)  
درجمله الوبت های تعلیمات صحی تشخیص  
شده در افغانستان است یوتیسیف به همکاری  
های خود در اکتشاف و اجرای اینچنین برنامه  
های آب و حفظ الصحة ادامه خواهد داد  
ده سال وقت زیادی نیست تاهمه این فعالیت  
های مورد نیاز انجام باید ولی اگر کشور ها  
اهداف این دعه را بازدارد و عزم متین آغاز  
کنند خود را به ادامه این مساعی منعه گردانند  
اینده برای شان و اطفال و خانواده های همچه در  
افغانستان و چه درسایر کشورهای جهان تابه اند  
خواهد بود \*

از آنجانیکه کم از کم تیمی از تلفات انسانی  
که از آب ناپایل و اقدامات بهداشتی ناشی نمیشود  
به کودکان در بیو ط میگردد از آنروی برای یونیسیف  
لازم است به دهه آب و حلقه الصحه توجه چری  
مبلول دارد یونیسیف در راه همکاری با حکومت  
هزار سال ۱۹۵۳ به اینطرف در بیرون خدمت  
آبرسانی و حلقه الصحه و معیار های آن در حدود  
بنجاه و سه درصد مساعدت های خود را به  
افغانستان و یکصد و نه کشور دیگر در ساحة  
صحت طفل تهییه آب و برنامه های حلقه الصحه  
به کار آزادخانه است .

امنیت دہنے آپ آشامیدنی

# دھن آب مشر و ب صحی

آب سه ربیع زمین را فرا گرفته است. این مردم بول گزافی برای آن می بردازند دریک ولی سه در صد این هفدها ب تازه ایست که بستر از هر چهار بستر بیمارستان های دنیا برای نوشیدن و آبیاری مناسب تشخیص داده شده است و مقدار بیشتر این سه در صد نیز در ذیر زمین گیرهانده است. برای ملیونها انسان کشور های رویه اکتشاف آب تازه برای نوشیدن و آبیاری به متزله خواب و خیال است. آنان به آب باران اتکا دارند ولی باران نیز همواره در موقع نیاز هندي شان فرونی ریزد ازینرو این مردم به فراوانی به موقع آب موسمی در جویبارها یانه هاییکه از برف ذوب شده مملو بیکردد چشم میدوزند ولی دربیسی از سال ها خشک سالی هاودر برخی دیگر سیلاپ ها حادث میشود. بدینگونه کیفیت زندگی که به این بیهانه به آب بستگی دارد، غایی باز رهگذر عدم اطمینان به وجود آب بینوا هی گردد.

دوی همین علت ملل متعدد دو سال آینده را لادهه تبه آب مشروب صحی و حفظ الصحة بین المللی (نام گذاشته است. اگر قرار باشد از زندگی هیلیون ها جوان حمایت بعمل آید. باید در قسمت آب مشروب صحی توجه مزید بعمل آید زیرا بدون تبه آب مشروب صحی و بر طرف گردن هانع آگاهی خانواده حفظ الصحة اهمیت خود را از دست خواهد داد. واقعیات بپداشتی اسباب و انتانات معدی تیجه مثبت نخواهد داد.

قلت آب مفهوم آلو دگی و بیماری و هرگز برخی انسان هارانیز در برداشت دو مناطق خشک گیشی قلت آب موجب خرابی حفظ الصحة بیکردد، زیرا در محلات هر طوب، آلو دگی، خانه ذیر حقوقها و چاه های کم آب را به منابع غلوت مبدل می گرداند. در روستاهای کشور عالی رویه اکتشاف هشتاد در صد مردم با خطر آب نایاک مواجه می باشند، و در اغلب آنها چاره دیگری جز استفاده از آبی که برای سان میسر می گردد ندارند.

میرهن نجیبی لیکنہ

د ټولنی په هر اړ خیز پو هختګ کې  
د بسکھو فعال نقش

مگر کله چهد تود پر تمین انقلاب په تیر دیما  
زده فه نوی بشیری تیا بی پیر او خلاندہ پلو سی  
رهیواد په گوت گوت کې خپری شوی له نارینه  
ووسره دېشکو حقوق برابر اعلام شول او د  
زوند په تولو ساحو کې د دغه لطیف موجودداو  
نارینه وو ترمنځ مطلق مساوات او برابری  
نقمهمن شوه \*

مونین گورو چی او مس بخش او نارینه یه  
فرهنگی او روشنیا یه موسسو ، فابریکو او  
اقتصادی تولیدی کار خایونو کن شنگ پهخنگ  
دهیواد دسمسور تیاو آبادی یه لاره کی نه  
ستیری کیدو نکی هلن خلی کوی - بخشی  
او س هنله عاطل او یاطل هم وجود نه دی چس  
یه تیرو فاسدو ، فیودالی او مطباقاتی رزیمونو

کی پادشاه طبیعہ یواری دبور پاچنور وریدی، امروز  
کی ایشانه دا اوکری ورخ یه بین اکور یه چارو  
گئی تیروله خونز ورخ دالخانستان دموگراتیک  
جمهوری دولت یه انقلابی توجہ سره نه  
یوازی یه کورنیو چارو بوختی دی بلکن یه  
قولنیزو، سیاسی، فرهنگی او روشنیایی چارو  
کی فعال نقش او موگر رول لو بوی \*

خواخودو غریبو یه ستر گو و کتل شی ولی چند  
پوھو، بادردو او خواخورو پشخودپس او مثبتی  
روزنی او بشونی له کبله رانلونکی او غری نسل  
دبی او مثبتتو اعمالو او کنورو کارو پو خاوند  
کیدای شی \*

زیستگی و درستگی اول استانی ضد رژیم. نو  
کی دیگر لئن دله ستر جزوی نک عنصر ته یه  
تولیتیزد ، سیاسی ، اقتصادی فرهنگی او  
کلتوری برخو کی هیچ رازاهیت او ارزشیت  
ناورکول کیده ، ددوی قول حقه حقوق بهتر  
پیشوایانندی کیدل ، اوچا به ور تهیه دروند نظر  
نه کتل .

د خرگشنه خبره ده چی یه یوه ټولنه کي د  
بنخو ارزښت ډيرڙييات دی خکه پېغى ده فی  
ټولنس او لادونه روزی د ټپولنس او  
خلکود خدمت دیاره یې و پاندی کوي .  
که چېري یوه پېغه د خپل او لادو په روزنه  
او تربیه کي لېن و کړي او سمه لازهور په ګوته  
نه کړي نو په دې کې هیڅ شک نشته چې او لادیں  
ډاولني دفعالو غړو په حیث کار نشي کولسي  
دا خکه هرء یوه پېغه د خپل او لادیه په روزنه  
او تربیه کي پوره نقش لو بولای شی او ګولای  
شی چې خپل او لاداو زامن صالح او د ټولنې قعال  
غږي تربیه کاندی هر کله چې دیوی پېغه په  
ډدېږ او صحیح لارښودنه یوه او سالم زامن  
ټولنس که و پاندی شی نو ګهدای شی چې د ټولنې  
د ډې پختک او پرمختک! یه لاره کې المیز من او  
ګټور کامونه او چېت کړي شی .

هر یو صالح او یو ه شوان چس دیوی بادردی  
او خوا خوبی پیشی یه واسطه تولنی تا وی اندی  
کیزی د هنی تولنی دودی او پیاوی تیا یه برسنه  
کن یه زیمپوری چاری ترسنره کیزی  
بسنه نیواشن دکور او کهول کارونه تر  
سره کوی او تولنیه ورخ دکور دکارو تو په سعبنت  
پدر پستیا بچی په تولنه کی دېشخو او زبست دیر  
او سعبنا لبنت کی لکیا او بونخه وی بلکی د زیات دی او باید چی پیشخو تاد تولنی د فعال او



### بزم سخن

# دروی جوی مولیان

تفصیلی بیشتر اراده نمی شد را فر صت این کار نبود و این و هم با تنظیم هنری و شبیوه مهیم به عهده نگارند و گذاشتند تکارش مطلوب خود، خوا نشده شد که نشری نایخته و نا موزون آگاه را راضی تر میداشت. دارد و اطلاعی کم از اصول نیشت. اما چه توان کرد که این عزیزان با آن هم گرفتار شما را با محظوظی

در خبر خوا ند یم که هیا ترو - در خود تو جه و اهمیت است. شنکران مبتکر افغا نستان از سفر خواستیم در نشستی بی پیرا یه و چند روزه دو سたانه خود به کشور دور از تشریفات معمول گفت و شوراها، به وطن باز گشتند. شنودها بی با برخی از اعضای این با تو جه به اینکه تعداد از سر- هیات داشته با شیم و خاطره شناس ترین زور نا لیستا نشا - عران، نویسنده گان و هنرمندان کشور ما شامل این هیات بودند و بدون شک نظرات این عده و چشم دیدشان از مسایل ادبی، هنری، فرهنگی و اجتماعی کشور شو روی و موقف کنو نی آن به مقایسه وسیله خود داشمندان از سفری باز دیگر کشورها متر قی جهان گشته به نبشت میامد تا هم با





گروه میهانان مجله ژوند و ن در زم سعنه این مجله ایرانی دیدنی  
های خود از کشور شوراها صحبت می گند

## آیده‌های...

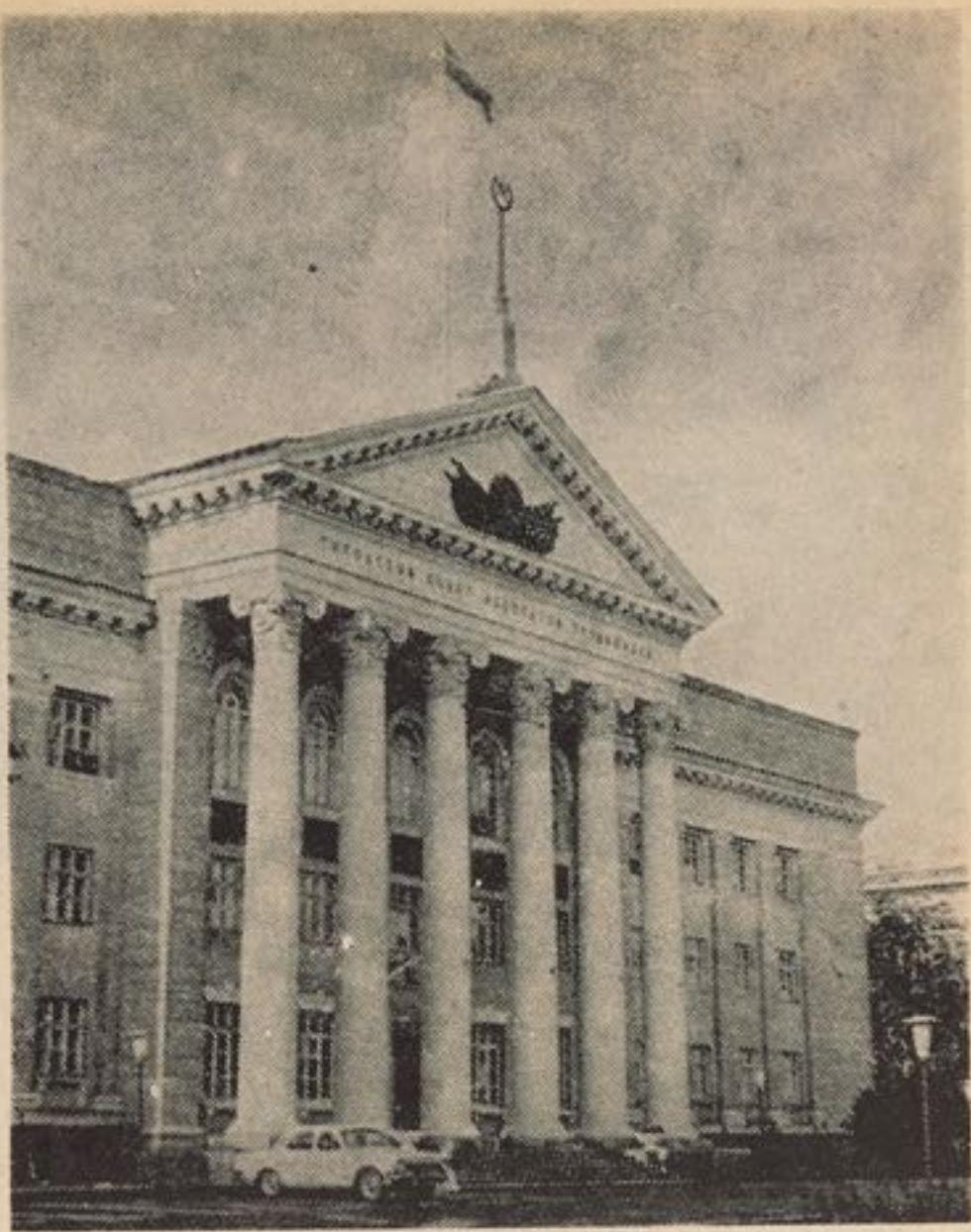
از دکتور روان فرهادی نویسنده ارزیابی بی ویزیوی می کند؟  
میگوید:  
باسابقه کشور که درز مینه های زبان و تاریخ، کارهای تحقیقی نداشته  
اید، بر سرمه داشت و کار آکادمی علی و م-بیانی کار آکادمی علی و م-بیانی  
قر غز سنا ن شوروی در جریان بازدید اکبر ۱۹۸۰ در فروزن سبب شداده ای مانی ها گردید، در سرزمینی که تاثیثت سال پیش به جزویان قر هنگ چو یانی داشتند و در واقع برداخت بهامور فرعونی و علمی داده این جمهوری تازگی دارد، وضع کنو تو مسایل اکادمیک آنها را چگونه مراجعته حلقة های علمی همه جمهوری لطفاً اوراق بزند

یقین دارم نکاتی در آن خواهد  
یافت که شما را از خواندن  
دبایل کنید و به فرجا مرسانید  
پسیمان نخواهد ساخت.



### در این دور سخن از :

- ۱- دوکتور روان فر ها دی مشاور وزارت امور خارجه
- ۲- استاد رضا مایل عضو دیپارتمان تاریخ انسنتیتوت علوم اجتماعی اکادمی علوم افغانستان
- ۳- واصف فکرت عضو دیپارتمان دری انسنتیتوت زبان و ادبیات افغانستان
- ۴- آصف پا ختری عضو ریاست تالیف و ترجمه وزارت تعلیم و تربیه
- ۵- رفعت حسینی عضو پو هنخی علوم اجتماعی پو هنخون کابل
- ۶- روسنا با ختری عضو هیأت تحریر روزنامه ۱ نیس
- ۷- ناصر طبوری مدیر مستوفی مجله آواز
- ۸- نصرالله حافظ مدیر هنر و ادبیات رادیو افغانستان.



های اتحاد شوروی و کشورهای به تحقیق تائیرات این تحول در زندگی روزمره و در زمینه فرهنگ مردم لازم گردیده است.

آنچه قابل تمجید است علاقه جدی مردم قرغيز به پاسداری مشخصات فرهنگ ایشان به حیث یک مليت آسیای میانه میباشد که در همین زمینه اشعار حمامی، حکایات، مقوله ها و اشعار بامو فقیت گردآوری شده و دریش سفیدان و سالمندان به منابع منبع پاسدار این ارزششان را در مورد احترام فراوان قرار دارند.

از دکتور روان پرسش گردید که وی نظر و علاقمندی داشمندان قرغيز را در مورد کشور ما چگونه یافته است؟

پاسخ چنین است:

دانشمندان قرغيزستان شوروی نگاه وسیعی به سوی همه مليت های اتحاد شوروی و جهان دارند و ارتباط برادری خود را با مردم افغانستان بسیار ارجمند نهند. به اساس همین علاقمندی در جریان اقامه هیات افغانستان در فروزن از من دعوت گردید تا صحبت های جدا کانه بی در اکادمی علوم با دانشمندان آنجا داشته باشم. من تصویر میکرم این ملاقات علمی با یک گروه سه چهار نفری صورت خواهد گرفت اما وقتی وارد تالار شدم آنجا را پر از دانشمندان قرغيز یافتم که برای شنیدن صحبت من گرد آمدند. بيانیه ام را من در این جلسه پیرامون زبان هاو مردم افغانستان ایجاد کرم که مورد توجه فراوان قرار گرفت و تمامی آن برای مطالعه پیشتر در مراجعت تحقیقاتی و علمی ثبت شد.

موضوع حل معضله مليت هادر اتحاد شوروی و اینکه بیشتر از یکصد و بیست هزار چون پیکری وحدت نو سازی جا معه خود بهم هم گیرند برای ماجالب ترین بخشیدنی لذ کشور شوراها بود.



دیکی از کلخوزها

بدستور سن ما قرار میدهد که هر گز نمیتوان بیون استفاده از آن کارهای علمی خود را کاملاً بشماریم.

مقامات شوروی و دانشمندان موظف با کمال علاقمندی حاضرند

نقلهای فوتوگرافیک و میکروفلم های این اسناد عمده ادبسی و تاریخی را به اساس مذاکرات جدآگانه مقامات هر دو کشور بدستور سن مقامات علمی کشورها بگذارند و اینک وقت آغاز این مذاکرات بهوسیله وزارت اطلاعات و کلتور و آکادمی علوم افغانستان با مقامات علمی اتحاد شورای فرار رسیده است.

دکتور روان فر هادی در اخیر سخن میافزاید که آرزو مندی ام این است که برای علاقمندان ادب و تاریخ و آثار باستانشنا سی و زبان شناسی، سفرهای جدآگانه تنظیم گردد، تا این‌گونه تعاس های ایشان بهجای آنکه ضمیم و حاشیه-

وی باشد، شکل تخصصی را به خود گیرد و تایپ وسیعتری بار آرد. پذیرایی با حرارت و برادرانه ادبی و دانشمندان آسیای مرکزی شورودی از ادبی و دانشمندان افغانی نوید این موقوفیت را می‌حدد.

ادبی سابقتر کی و دری که اکنون استاد رضا مایل نویسنده و محقق تاشکند یک مرکز عمده جمع آوری شناخته شده کشور در پا سخن آن شده است سریع به چشم می‌بیند و یک پرسش در این زمینه که دیدار از جمهوریت های کشور خورد.

دیوانهای ادبی به شمول دیوان شوروداها در آسیای میانه در وی های ادب‌زبان پشتون اندیش مجموعه چه اثری از خود به جای گذاشته ها، رسالهای واقعه نگاری و تاریخ و او چه خاطره های بی از این سفر با خود به همراه آورده است

میکوید:

— میتوانم ادعای کنم هر لحظه ناچیه آسیا به شمول افغانستان

لطفاً ورق بولید

ادب و تاریخ از جمله هیات ما مجلس جدآگانه با بعضی اعضای انتیوت شرق شناسی تاشکند صورت پذیر شد.

این مورد موجب مسرت است که پیشترفت روز افزون مطالعات نسخه های خطی، کتب علمی، تاریخی و

ادبی سابقتر کی و دری که اکنون استاد رضا مایل نویسنده و محقق تاشکند یک مرکز عمده جمع آوری شناخته شده کشور در پا سخن آن شده است سریع به چشم می‌بیند و یک پرسش در این زمینه که دیدار از جمهوریت های کشور خورد.

دیوانهای ادبی به شمول دیوان شوروداها در آسیای میانه در وی های ادب‌زبان پشتون اندیش مجموعه چه اثری از خود به جای گذاشته ها، رسالهای واقعه نگاری و تاریخ و او چه خاطره های بی از این سفر با خود به همراه آورده است

میکوید:

— میتوانم ادعای کنم هر لحظه ناچیه آسیا به شمول افغانستان

لطفاً ورق بولید

داشته است، میکوید: — گروهی که من شامل آن بودم فقط از قرغيزستان باز دید داشت اما گروهی دیگر از رفقای همسفر موفق شدند از بقایای مروقدیم و زیارت مرقد سلطان سنجار دیدار کنند.

همسفران زور نالست ما به جنبه های دیگر ترقیات مردم علاقمند بودند و بر نامه سفر نیز بیشتر به اساس علاقمندی آنان تنظیم گردید

و به همین اساس دیدار از بخارا،

سمراقند و خیوا متاسفانه شامل بر نامه بازدید ما قرار نگرفت.

پرسیده شد: در تاشکند با توجه به اینکه عبور شما شکل ترا نزیت داشته است آیا مجال تماس های علمی فراهم آمد، یا خیر؟ در پاسخ میکوید:

— تاشکند در پیست سال اخیر و خاصتاً بعد از توسعه شکفت انگیز آن در بی‌ویرانی های زلزله دارای چند موژیم عمده شده است که در

متعدد این شهر تاجیک و اوزبک نشین در یجه های نوین تحقیق را

می‌گشاید، این کوشش های دارای این انتظار میرود تا چند

سال آینده مطالب دلچسب به جهان

دانش ارائه گردد.

دکتور روان در این مورد که

سوای قرغيزستان از کدام یک

جمهوریت های آسیای میانه دیدار

سوالاتی که دانشمندان در زمینه های زبان شناسی و بشر شناسی به عمل میاورند بسیار جدی و عمیق بود و وسعت آگاهی و دانش شان را در این موارد مؤید میکردند. آن ها پیرامون رسم و رواجها و کلتور بومی ملیت های هم‌جوار بازرسی‌بینی و عمق نظر جدل میکردند و برای فراهم آوری دانستن علمی بیشتر در این موارد شور و شوق و افراد خود نشان میدادند.

دکتور فرهادی در جای دیگر از سخن خود اشاره بی به دیدار خود از شهر اوش میکند و توضیح میدهد، که این شهر مانند بیشتر بخش جنوی قرغيزستان ساخته تاریخی طولاً نی دارد.

او ش در کتب عمده تاریخی به حساب مضافات فرغانه و اندیجان ذکر گردیده و کاوش های باستان شناختی که از چند سال به این

سو به وسیله دانشمندان در این محل صورت گرفته بر صفحات قرون

متعدد این شهر تاجیک و او زبک نشین در یجه های نوین تحقیق را

می‌گشاید، این کوشش های دارای این انتظار میرود تا چند

سال آینده مطالب دلچسب به جهان

دانش ارائه گردد.

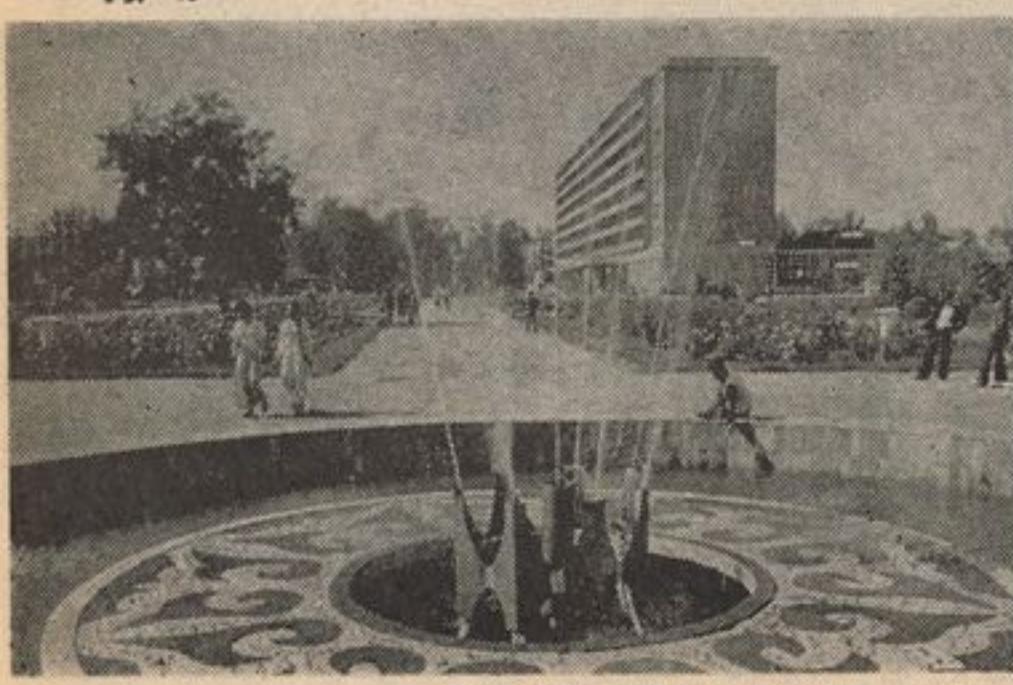
دکتور روان در این مورد که

سوای قرغيزستان از کدام یک

جمهوریت های آسیای میانه دیدار



در هوزه لنین



مقابل مهمانخانه قرغيزستان در فروزنده

بغا یا نوشتهای کوئی تا  
هنوز هم در جدار دیوارها دیده  
میشود در مورد بنای مقبره سلطان  
سنجر در مرو افسانه‌های روایتی  
تیز فراوان است، ما نند این روایت  
روایت که:

«سلطان سنجر مقداری جوا -  
هرات پر بیها و با ارزش را در  
چهار گوش به باع بزرگی که بعداً  
مقبره او در وسط آن اعمار گردیده  
مخفی داشته بوده است تا بعد  
از مرگش او لا دوی از آن استفاده  
کنند، اما این خبر به وسیله یکی  
از کنیز این در اختیار دشمنان  
سلطان قرا ر داده میشود و آنها  
نیز جوا هرات دفن شده در زیر  
خاک را بپرون کشیده و باسته  
گان سلطان سنجر را از این  
گنج محروم میسازند.»

فعلاً مقبره سلطان سنجر زیر  
تر میم اسما سی قرار دارد و گویا  
در نظر است که با استفاده از متن  
های قدیم، این عمارت با حفظ تمام  
خصوصیات او لی به ترمیم  
آید.

شهر مرو دارای خصوصیات  
فروان تاریخی و فرهنگی است  
در سلسله مرو زیها مسعودی در  
همین شهر رشد یافته است ساحه  
مرو مشاهده های فراوانی با دو  
خواسان ما یعنی هرات و بلخ دارد.  
رضامایل در بخشی دیگر از  
سخن خود اشاره بیشتر -  
فنهای صنعتی مرو میکند و یاد  
آور میگردد که این شهر را شما  
پخته نیز میگویند و هم در همین  
جا است که از پخته ابریشم  
تصنویع ساخته میشود.

او در مورد پیش آمد میزبانان  
ونحوه پذیرایی از هیأت افغانی  
و وضع مردم در برابر آن میگوید  
که ازما بسیار صمیمانه و دوست  
ستانه پذیرایی شد و تمام  
تسهیلات لازم در همه بروگران  
اقامت در جمهوری های مختلف  
در نظر گرفته شده بود و جای  
کمترین نا را حتی باقی نبود.

استاد ما میل از کار و پیکار  
سازند و اتحاد و هم بستگی  
ملیت های مختلف شوروی که  
تعداد شان به بیش از یکصد و  
بیست میلیون نفر بود به نیکویی یاد  
گردیده و اضافه میگند که من رمز  
پیروزی های در خشان مردم  
شوری را بعد از انقلاب اکتوبر در  
همین خصوصیات میدانم که آنها



دروزیم هنرهای فروزنده

هاتاکنون در این گمان بود یم که سقف های سه منزله از قرن هشتم شهر یکی از نمونه های با ارزش هجری معمول شده است در حالیکه دیدار از آبده سلطان سنجر در مر و

تابت ساخته این شیوه ساخته اند از قرن پنجم روایج داشته  
است.

بو شش این مقبره از سه طبقه  
اعمار گردیده و به گونه یکی  
است که پوشش و یاسقف های  
بیرونی و درونی آن تزئینی  
بوده و سقف دوم از نظر فنی  
نگهدارند و دو بو شش دیگر به  
شمار می‌اید و شاید برای شما  
جا لب باشد بگویم که ما وقتی  
تعمیرات دوره تیموری یان را با  
این خصوصیات های میدیدیم در  
این گمان بودیم که این طرز سا -  
ختمان از قرن هشتم شمسی متده  
اول شده در حالیکه مقبره سلطان -  
سنجر در مر و به ما تا بت ساخت  
که در گمان خود دچار اشتباہ  
بودیم و از قرن پنجم چنین شیوه  
های تعمیراتی معمول بوده است.

این مقبره سی و شش هتل  
از تقاضا دارد و در نوع خود بزرگترین آبده در دوره بیش از شمار می‌اید که به ساخته اند گرفته شده است برخی خصوصیات های  
مشابه با هنر معماری هرات قدیم  
نیز در این بنا دیده میشود مانند  
کار مو را نیک که برای نصب آن  
از نوعی ساروچ کارگر فته شده که در معما ری هرات نیز در گذشته متده اول بوده است.

این سفر برای هر یک از اعضا می‌دانم که هر یکی از چهار خرا -  
هیات را شنیده اند مبتکر کشوار سان قدیم است و نامش در گنار  
ما خاطره اندکیز و جالب بود و هر این هایی به همراه داشت که  
دیدنی هایی به همراه داشت که همه ما که با متن های قدیم  
بر شعری همه آنها را در فرست  
بیکار نیستیم.

این شهر که شکفتی های هنری  
نمی‌داند اما از شنیده اند گاه فر هنگی  
فراآن و یاد بود های غرفانی  
دیده اند از شیوه زیبایی مرو و  
مشاهده برخی از آثار فر هنگی  
سده های درسینه خود نگهداشته  
و معما ری آن برای من بیشتر جالب  
است، برو رشکاه قبادیا نیز  
تو جه بود.



مرکز ورزشی شهر فروزنده

تا سیاست یک شهر مد نه در  
نظر گرفته شده است.

در این سفر ما با مردمی  
روبرو شدیم که پدران شان تا  
یکی دو نسل پیش بیشه چو یانی  
و بیان با نگر دی داشتند، اما  
اکنون در شرایط تازه، در سطح  
فرهنگی چشمگیر و قابل توجه  
قرار گرفته بودند.

در قریب با ملیت‌ها اروپایی  
و حتی آلمان‌ها زیاد رو برخواهد  
شده بود که برای ما جالب توجه  
بود.

موسیات، ساختها -  
بندهای برق و جاهای دیگری  
را مشاهده کردیم که ((تو ختو-  
قل)) نامگذاری شده بود که یکی  
از نام‌های قدیمی است.  
تو ختو قل او لین شاعر و مو-  
سیقی دان زن درشوری بود که  
از افکار و اندیشه‌های لینین دفاع  
میکرد و به همین‌مبنای سبیل هرا کز  
عمد بی در قریب سیستان به نام  
او نامگذاری شده است.

و این موید احترام عمیق دولت  
و ملت شوروی به شخصیت‌های  
مهم این کشور میباشد.  
دیدار از کوه تخت سلیمان و  
صعود به بلند ترین قله آن یکی  
دیگر از خاطره‌های جالب من  
در این سفر است - در همین‌جا  
بود که سنگ نبشته میر ارسیف  
الملت والدین محمد بن حافظ  
الدین طاهری خالدی او شی را  
دیدم که دانشمندی است بزرگ و  
تاریخ ۷۴۱ ه در سنگ مزار او  
خوانا است.

در شهر ((نوکت)) مردم از  
ما میپرسیدند چرا مهمنان خارجی  
به شهر شان می‌یند و بعد تر  
معلوم شد ما نخستین هیات‌مهمنان  
نان خارجی استیم که دیدار  
این شهر در پروگرام ما گنجانیده  
شد بود.

فکرت اضافه میکند که لحظات  
و دقایق این سفر پر است از  
خاطره‌ها و یاد بودهای جالب  
که اگر قرار باشد همه را بر-  
دارم به شما پیشکش میکنم.  
هر باد که از سوی بخارابمن آید  
یکی از شهرهایی که دیدار از  
شمرده‌شدنی هفتاد من کا غذمیگردد  
آن در پروگرام گرویی که من  
و به همین دلیل سخن را پسند  
میکند تا دیگران را نیز مجاہی  
برای گفتن باشد.

ناصر طهوری  
شاعر معاصر کشور که با بد-  
روdkی تا هنوز هم احساس مارامی  
عمر آن نمی‌گذرد اما زیبایی  
یه سرایی‌های خود در جریان  
شو را ند به صورت منظور این  
چشمگیری دارد و در آن تمام سفر اعضای هیات را شور و  
بقیه در صفحه ۴۶



در گلخوارها طبق عنعته دیرین بانان و نمک از مهمان پذیرایی میکنند



تیاتر لینین در فرونزه

هر باد که از سوی بخارابمن آید  
زو بی گل و یاسمن و نسترن آید  
آن در پروگرام گرویی که من  
عضو آن بودم، جای داده شده  
میکند تا دیگران را نیز مجاہی  
برای گفتن باشد.  
((بوی جوی مولیان آید  
بود شهر ((فرونزه)) بود فرو نز  
درواقع شهری که تازه ساز است  
که بیش از پنجاه - شصت سال از  
روودکی تا هنوز هم احساس مارامی  
عمر آن نمی‌گذرد اما زیبایی  
یه سرایی‌های خود در جریان  
شو را ند به صورت منظور این  
چشمگیری دارد و در آن تمام سفر اعضای هیات را شور و  
باقیه در صفحه ۴۶

### آصف فکر

سومین گوینده در این گفت و  
شنود جمعی است و او وقتی در  
برا پر سش پر سشکر زوندون  
در زمینه یادها و خاطره‌ها یش  
از سفر اخیر به کشور دوست  
شوری قرار می‌گیرد، میگوید:  
- ما از وقتی چشم به کتاب‌ادبی  
باز کردیم با نام شهرهای بزرگ  
جمهوریت‌ها کتو نی شوروی

# بر تولت بو شست

در طول تاریخ جوامع بشری، در نبرد حق و باطل وبالآخره در پیروزی مبارزات طبقاً تی قلم نویسندهان همیشه نقش هو نری داشته است. هنرمند و نویسنده‌معهد، به‌حاطر دفاع از منافع توده‌ها و پسیج ساختن اذ هان جوا مع‌بسری، نظر به وظیفه و در کمسوولیت خویش، همیشه درین راه کار ویکار نموده است. به اساس همین در نسیا سی‌وادبی بودکه بر تولت بر ضد فاشیزم جهان سوز، مبارزه‌خود را آغاز نموده و در رهایی جهان آزاد، به‌سروردن اشعار پر از شاعر ایجاد و نمایش نامه‌های موثر پرداخت. نامش ایون بر تولت‌فرید رش برگشت بود و به تاریخ دهم فبروری سال ۱۸۹۸ چشم به جهان گشود. در طول دوره تحصیلاً تنس در رشته‌های فلسفه و طب یو هنرمند (۱۹۱۷)، به‌حاطر خدمت‌ش باختنگ، به مبارزه اساسی دست یازید. اولین نما یشناه اش در سال ۱۹۲۲ تحت عنوان (دهل در شب) مورد نمایش قرار گرفت. بعداً منحیت دراما تورگ ورزی‌سوار به کار تیاتر پرداخت. در سال‌های قبل از جنگ جهانی دوم، هنگامیکه هیتلر برای نابودی بشریت، توطئه‌ی چید وی بعنوان مخالفتش با این شرایط، المان را ترک گفت و روانه سویس، دنمارک، سویدن (۱۹۳۳-۳۹) فینلاند، اتحاد اجماهی‌شوروی و بالا خره رهسپار کالیفورنیا ایالات متحده گردید. در سال‌ها (۱۹۴۸-۴۹) وی دوباره راه جمهوری دیموکراطی تیک المان را در پیش گرفت و به کمال خانمیش تیاتر را دوباره در آنکشور ای افکند. وی در طول دوره زندگی اش (۱۸۹۸-۱۹۵۶) اضافه تر از سی نمایشناه، یکهزار و سه صدیارچه شعر ویک سلسه کتابهای در پیش گرفت و به کمال خانمیش تیاتر را دوباره در آنکشور مورد موضوعات روز نوشت.

نمایشناه‌زیر که تحت عنوان (مادر) درینجا یشکش خوانند گان گرامی میگردد، یکی از عمدۀ ترین اثراین نویسنده بزرگ میباشد.

## نوشته بر تولت برگشت

ترجمه: دکتور نجیب الله یوسفی

و بحساب درآمد خود بپردازد. سملکین بطریف هی گفتین؟ دهدست تو چیس؟  
هادر رفته و در حالیکه شبنامه را که بدهست سملکین هی خواهد شبنامه را پنهان کند.  
دارد برای ما در نشان میدهد و هی گوید: پولیس فابریکه: چی ره ده چیست کدی؟  
شما اینها را بخش کدین؟ درستس؟ هی فهمین پولیس شبنامه ره از جیب سملکین بیرون  
که نتیجه این کار ها چه بود؟ اعتصاب؟! همی آورده هی گوید؟ آها، شبنامه.  
دروازه بان خطاب به سملکین: شما همای مقصد شما بود.  
مادر: اعتصاب؟ چرا؟  
شبنامه هاره هی خوانین؟  
سملکین: درین شبنامه از همه کارگران سملکین: برادر، برای ما اجازه داده شده  
تفاوت شده بود که به اعتصاب دست بزنن. که هرچه راکه هی خواهیم بخوانیم.  
مادر: هه ای موضوع هاره نمی فهمم. پولیس: خو؟ از بخشش گرفته اورا بطرف  
سملکین: یس چرا ای چیز هاره بخشی خود هی کشاند) حالی هه برت نشان هیتم که  
عاقبت خواندن اینطور شبنامه هاکه دعوت به کنین؟  
مادر: برای اینکار دلایل زیادی موجود است اعتصاب هی گند چیس؟  
متلا چرا بعضی هاره بی گناه زندانی می‌سی سملکین: مه‌طری‌دار اعتصاب نیستم، کاریوف  
کنند؟ شاهد هه س.  
سملکین: آیا هی فهمی که دری شبنامه چه پولیس: پس بکو که ای شبنامه هاره از  
نوشته شده؟  
مادر: نخیر، هه خواننده نیستم. سملکین (بعداز ینکه نفس عمیق می‌کند)  
سملکین: خواننده نیستم هه خواننده نیستم هی گوید: ده روی زین اندخته بودند.  
کارگر هاره به اعتصاب تحریک میکنی و هیگی پولیس سیلی محکمی برویش میزند و هی گوید:  
مه خواننده نیستم. آیا هی فهمی که معنی هحالی بری تو دروغ گفتنده نشان هیتم  
اورا کشان کشان هیبرند.  
اعتصاب چیست؟  
مادر: او فقط یکدانه بادرنگ از هه خرد.  
مادر: پاول، هه امروز به‌حاطری شبنامه  
سر از صبح کارگران دیگر به کار نمی‌آیند  
هاره بخش کنم که اولاً رفیق جوان شما از  
فردا شب راکه اصلاً کس نمی‌شود، هفته‌اینده  
می‌فهمی که هلتله آینده چه خواهد شد؟ برای زندان خلاص شوه و دوم شمازیر استیاه نیاین  
فاریکه دار که معلوم نمی‌شده، اما نان و لباس  
هاره گی می‌می‌شند.  
دیگر که یک انسان بی گناه که فقط آنهاش باشند  
وی در طول دوره زندگی اش (۱۸۹۸-۱۹۵۶) اضافه تر از سی نمایشناه، یکهزار و سه صدیارچه شعر ویک سلسه کتابهای در پیش گرفت و به کمال خانمیش تیاتر را دوباره در آنکشور ای افکند.  
وی در طول دوره زندگی اش (۱۸۹۸-۱۹۵۶) اضافه تر از سی نمایشناه، یکهزار و سه صدیارچه شعر ویک سلسه کتابهای در پیش گرفت و به کمال خانمیش تیاتر را دوباره در آنکشور ای افکند.  
در سال‌های قبل از جنگ جهانی دوم، هنگامیکه هیتلر برای نابودی بشریت، توطئه‌ی چید وی بعنوان مخالفتش با این شرایط، المان را ترک گفت و روانه سویس، دنمارک، سویدن (۱۹۳۳-۳۹) فینلاند، اتحاد اجماهی‌شوروی و بالا خره رهسپار کالیفورنیا ایالات متحده گردید.  
در سال‌ها (۱۹۴۸-۴۹) وی دوباره راه جمهوری دیموکراطی تیک المان را در پیش گرفت و به کمال خانمیش تیاتر را دوباره در آنکشور ای افکند.  
مادر: نه تنها بیان شکن هی کنم.  
درروزه بان: بیلی، باز هم شبنامه بخش هادر: به نظر شما ای ابتکار بود آسر-  
کدن و از کارگران خواسته اند که سراز فردا نوشت سملکین چه خواهد شدکه به‌التر ابتکار  
به اعتصاب دست بزنن. هه اصلاً نمی‌فهمم هه به زندان افتاد؟  
که‌ای شبنامه هاره چطور تیر گندن؟ شماچی آندری: شما اوره به زندان نیانداختین  
بلکه پولیس ها اوره به زندان انداختن.  
ایوان: تا چایکه هه خبردارم، همینکه پولیس ها فرمیدند که او یکانه کسی بودکه  
عیاله انتصاب رای داده بود، اوره دوباره  
آزاد ساختند. اما جالب اینجاست که او هم  
بعد ازین حاده از اعتصاب طرفداری هی گند  
خانم والسو شما وظیفه بزرگی دارد راه‌آزاد  
کارگران فابریکه سولیتوی انجام دادن شاید  
شما خود تان مطلع شده باشین که اعتصاب  
با اکثریت مطلق قبول گردید.

## اشخاص نمایشناه

مانا: (خواهر سیسیور کارگر)	هادر: مادر
خانم کورسونوا: (فروشنده در صحن فابریکه)	پاول: (کارگر فرزند خانم والسو)
کاریوف: نماینده کارگران	کاریوف: نماینده کارگران
اندريچ ناخودکا: کارگر	ایوان: کارگر
شالینوف: صاحب ورنس فابریکه	اندري: کارگر
نیکولای ایوانوویچ: معلم	انتون: کارگر
زیکور شکی: کارگر	سیسیور: کارگر



مادر : و شما ای چیز ره در شبناهه نوشته  
کده بودین ؟

باول : بله ، همه این چیز ها ده شبناهه  
نوشته شده بود :

مادر : اما آیا شما عاقبت کارنامه سنجیدین  
یا نی ، اگه شما اعتصاب کنین ما چه خواهیم  
خورد ؟ کرانیه خانه ره از کدام بول و پیشه  
باز خواهیم داد ؟ فردا صبح ، اگه شما فردا  
صبح سرکار نرین چه خواهد شد ؟ هفته دیگه  
چه گیم ها بوقوع خواهد بیوست ؟ ...

خوب شاید ازی مشکلات هم بدر شویم ...  
لارن اگه شما راست می گین کده شبناهه تنهای  
موضوع اعتصاب نوشته شده بود «یس چرا  
بولیس هردم ره زندانی می کنه ؟ ای موضوع  
رهاصلا به بولیس چی ؟

باول : مادر ، همه ای موضوع رهان تو هیبرسم  
توبیکو که بولیس ره به موضوع اعتصاب ها  
چی ؟

مادر : به نظر می اینجه سوء تفاهم و اع  
شده اگر راست شما نهایه موضوع اعتصابه نوشته  
کده باشین ، خواهی بیک موضع بین شما و  
شالیتوف و به بولیس ارتباط نداره ... (کمن  
به فکر فرمود) ... شاید او نافکر کده  
باشن که شما مردمه به عکس العمل های قهرآمیز  
تحريك میکنین ، چطور ؟ شما باید گوشش  
کنین وای موضع خاره به تمام مردم بفهمانی  
برین به مردم بگوئن که شما عاقبت تقلیل  
معاش تان هستین و چون آقای شالیتوف معاش  
شماره کم گرده شما هم سرگزار نمیرین و  
اعتصاب میکنین ، اگه شما می موضع ره  
بردم بگوین . عهمه از شما طرفداری خاد کده  
ایوان : نظرشما کاملا درستس . ماهیمین  
کاررا خواهیم کده . در روز اول ماهیم که روز  
بین المللی اتحاد با طبقه کارگر س ، دوزیکه  
کارگران فابریکه بخاری حق رعایی کارگران  
از چنگال استثمار واستثمار مقابله خواهند  
کد ، ما شعار های ره نوشته خواهیم کدو دراو  
از دیگه کارگران هم تقاضا خواهیم نمود که از  
اعتصاب ها پشتیبانی کنن .

مادر : اگه شما عاقب بصورت آرام باشمارها -

یتان بروی چاده ها بروین هیچکس به ای کارنام

مخالفت نخاد کد .

آندری : به فکر میکنم که ای موضوع خوش  
آقای شالیتوف نخواهد امد .

لطفاً ورق بزنید

باشین بکذارین وای یک فابریکه خویستانه به  
نقض هزاران نفر تمام شوه .

ایوان : بری اینکه او تو سه ای فابریکه  
خود میانه هزاران نفره استثمار کنه .

مادر : واضح س که او میانه هزاران نفره  
استثمار کنه ، ذکر میکنین که مه ای رهن زندگی  
ره در جیل سال عمر خود درک نکدیم ، « ای  
موضوع ره خوب می شیم ولی نمی فرمیم که  
آدم در برابر اینها کدام کاری کده میانه .

انتون : خوب خانم والسو ، هاو شما به ای  
نتیجه رسیدیم که ملکیت خصوص نمی تانه همه  
یک چیز باشه ، شما می شیم که میز شما ،  
ماره استثمار کده میانه ولی فابریکه شاغلی  
شالیتوف میانه هاره استثمار کنه .

ایوان : یک موضوع دیگه هم است واو  
اینکه فابریکه شاغلی شالیتوف بدنون کارما

اصلا ارزشی ندارد و او وقتی میانه که از  
فابریکه خود استفاده کنه که ماره استخدام  
کنه . اگر ما کار نکنیم فابریکه او یک چند توتنه  
آهنه که به مرور زمان کهنه خواهد شد چیز  
دیگری نخواهد بود منظور می ایست که او هم  
سخت به ما احتیاج دارد نه اینکه ماتنها محتاج  
او بشیم .

مادر : خوب ، مه فرمیم ، اما شما چطور  
میانه بیا و بفهمانی که او به شما احتیاج  
داره ؟

اندری : خانم والسو ، لطفاً خوب گوش گنین  
اگه امروز باول به نزد آقای شالیتوف بروم  
بگوید که معاش هر کم نکنین والی مه از فابریکه  
شما خواهیم رفت ، و براش کوشش کنه که  
بفهمانه که بدنون کار باول فابریکه اویک توته

آهن س که بدرد هیچکس نمی خوره شما می  
شیم که هزار کار کنیم . درست س که فابریکه  
از اوس ولی اگه او فابریکه ره بسته میکنه  
سایل کار هاره از ما می گیره .

مادر : چونکه سایل کار شما از اوس مثل  
که او نجه کار کنیم .

انتون : خوب ، آیا به نظر شما خوب است

که سایل کارها از ما باشی ؟

مادر : چند ای میز از هه س .

باول : درست است که فابریکه از اوس ...

مادر حرف اورا قطع می کند و ادامه می

دهد : خوب ، هنلا ای میز از هه س .

مادر : خوب ، آیا مه میانه ای میزه تکه تکه

یک فابریکه بسیار زیاد س .

ماشا : داشتن یک میز و یا یک چوکی خوبه

نقض کس تمام نمیشه .

باول : بله به همین خاطر ...

فابریکیش عرجه که دلش بخواهیه ، بکنه .  
همیغلوور که مه در حصه ای میز حق دارم او

هم در حصه فابریکیش حق داره . درست س  
یانی ؟

باول : نی

مادر : چرا درست نیس ؟

باول : برای اینکه او بروی فابریکیش به  
یک کام بزرگی در راه مبارزه گذاشتین .

مادر : در شبناهه ها چه نوشته شده بود ؟

باول : هادر ، منظور چیس ؟ در شبناههها  
بسهایش شده بود .

ایوان : خوب خانم والسو ، حالا شما

تصور کنید . او میانه بکروز بگویی مه شما

کار دارم و دیگر روز بگویی که شما همه اخراج  
انتون : هادر شما حق دارین و ما باید  
برای شما شریع کنیم که در شبناهه هاچه  
نوشته شده بود .

باول : خوب مادر ، بشن اینجه بشین ، ما

حالی بربت همه موضوع ره می گم ...

آنها روی کوچ را بانکه که با خود آورده اند

می بیوشانند ، ایوان آنیه را بدیوار نصب می

کند و ماشا کاسه چینی داری خواهد کشید ؟ اوازی

همه در اطراف هادر می شیشن ... ایوان آغاز

نوشته شده بود .

ایوان : اگه به ما فرورت داشت باید

خدمنش باشیم و اگه اویه ما فرورت نداشت

باز هم چون کار زیاد نیس ، مجبور هستیم در

خدمتش باشیم تاکه به ما کار از ایشان گردانی کند . خوب

آهنه که به مرور زمان کهنه خواهد شد چیز

دیگری نخواهد بود منظور می ایست که او هم

ندازه و ایزه هم می شیم که همه اینچه احتیاج

او هستیم ، آقای شالیتوف می شده بود که

ما کارگر عاتباید به آقای سولیتوف اجازه بتیم

مادر : شما چیز های ناحقی ره نوشته کده  
از خود هیبرسم که جراحت نداشتین می گردند ؟ خطاب

به دیگران : در شبناهه چه نوشته شده بود ؟

ماشا : همینکه شبناهه ها ره پخش کدین

یک کام بزرگی در راه مبارزه گذاشتین .

مادر : در شبناهه ها چه نوشته شده بود ؟

باول : هادر ، منظور چیس ؟ در شبناههها  
بسهایش شده بود .

ایوان : شما چیز های ناحقی ره نوشته کده

مادر : شما چیز های ناحقی ره نوشته کده

بودین .

انتون : هادر شما حق دارین و ما باید  
برای شما شریع کنیم که در شبناهه هاچه  
نوشته شده بود .

باول : خوب مادر ، بشن اینجه بشین ، ما

حالی بربت همه موضوع ره می گم ...

آنها روی کوچ را بانکه که با خود آورده اند

خدمتش باشیم تاکه به ما کار از ایشان گردانی

کند . همین آنیه را بدیوار نصب می

ماس ها غیر ازین کدام وسیله کار دیگر نداشیم

نه ماشین بالندگی و نه کوره اهنجاری ...

مادر : این یک کار بن معنی اس ، شما در

همین ماشین های شالیتوف می شده بود که

برای او چه میانه میانین ؟

از طرف دیگه ای فابریکه از سولیتوف است

نهازمه او میانه و باید هم او در مردمهاش

شما تصمیم بگیره .

باول : درست است که فابریکه از اوس ...

مادر حرف اورا قطع می کند و ادامه می

دهد : خوب ، هنلا ای میز از هه س .

مادر : خوب ، آیا مه میانه ای میزه تکه تکه

کنم ؟ یا هایشه قطع کنم یا نی ؟

انتون : بله شما میانه ای میزه تکه تکه

کنم ، یا هایشه قطع کنم .

مادر : آقا آغا پس شالیتوف هم میانه عذرای

شما میانه ای اوره در هر جای که خواسته

بالای بیرق حمله کنن . بیرق در گنار سملکین  
ولی هنوز در دست سملکین بود ولی قبل از نکندست  
سملکین از بیرق دور شوهد ، خانم والسوای  
زن هم سترگاه خوده به بیرق رساند و گفت:  
سملکین بیرقه به مهنه بته . . . .

مادر : راست هیگه ، هه گفتم بیرقه به مهنه بته ،  
اوره به مهنه بته ، هه اوره به آخون میکشم . . . .  
بعد از عمه چیز شکل دیگری را بخود خاد  
گرفت .

چندروز بعد از حادثه اول هامه  
در منزل معلم نیکولای ایوانوویچ در  
رسوتک :

ایوان : نیکولای ، همانروز مادر یاول ، یکی  
از رفاقتی مه که ، در حادثه  
ظنا هشت اول ماه من زندانی شده  
اینجه آوردیم . . . (معرفی میکند) . . . خانم والسوای  
(بعد ادامه میدهد) . . . مصاحب خانه هم اوره  
بعد ازین حادثه از خانه کنید . . . همانند  
داریم در برابر رفیق خود یاول از مادرش خوب  
مواظبت کنیم خانه توصیون است و به نظر ما هیچ  
کس شواهدی در دست ندارد که توانقلابیون  
در ارتباط باشی .

معلم : توانست هیگه ، معلم هست و هرگاه  
مثل توبه فریاد و غالماً عالی های بی جای  
بپردازم ، هر از مکتب اخراج میکند .

ایوان : امامه اینوار عست بخاطره که برادرت  
هست ، خانم والسواره که واقعاً دیگه هیچ جای  
نداش ، چند روز اینجه تکبداری و از او هر رفاقت  
کنی .

معلم : برادر ای دلیل شده نمی تانه ، هه  
اصلاً مخالف همه چیزی هست که تو از او  
طرقداری میکنی . همه کارهای تویی نتیجه  
خاد ماند ، های موضوع ره چند بار بست  
گفتیم . . . .

بعد روی خود راه طرف خانم والسوای نموده  
میگوید : اما باز هم از شما هر اتفاق خواهم کرد .  
شما می بینید که ای خانه به یك زن فسرورت داره  
همه چاهمه چیز نامرتب اند . . . .

ایوان : تشکر برادر ، لطفاً هواقب او باش  
برش بست ، ذیرا که او بعضی وقت برای یاول  
نان یادیگه چیزها باید روانه کنی .

معلم : در بدله کارش البته که معان  
بسیار کم خواهم داد .

ایوان خطاب به خانم والسوای در حالیکه  
با نگشت بطرف برادرش اشاره میکند میگوید :

او گرچه که از سیاست بوی نهیبره اما باز هم  
انسانیت خوده کاملاً از دست نداده .

ناتمام

وقتیکه به جاده نودس کایار سیدیم . دیدیم که او  
قطار از عساکر اونجه ایستاده بودند و راه  
ره بند ساخته بودند . یکی از صاحبمنصبان  
وقتیکه سعادتگاه بیرق هاره دید صدایکد : در بیرق !  
وازماخواست که از هم متفرق شویم والی بیرق  
خواهند کرد . . . شده ما بمجرد شنیدن صدای  
او وارخطا شدیم .

مادر : اما چون همیشه از عقب به پیش رانده  
میشدیم ، نمیشده که ایستاد شویم و یابه عقب  
بر گردیم ، مجبور بودیم که به پیش برمیم .

ضمانته اولین نفری بود که نامه های سیاسی  
در همین انا انا ناهم فیر کدن چند نفر که در قطار اول  
ره در رفایر یکه بخش کنم هابخاطر از دیباره عطای  
بود زخمی و با کشته شدند . هیچ کس باور

نمیکند که واقعاً همچوچیزی اتفاق افتاده باشد . . .  
بار نهایندگی رفایر کارگر خوده در فایر یکه به  
بعد عساکر بطرف ما حمله آوردند .

مادر : هه اصل بخاطر حقایقی موضوع شما  
عده داشتم . در اول هه در مبارزه خیلی مصمم  
بایول : مادر ، تو فکر میکنی که پولیس هایا .

عمرای شمارکه بودم ولی دیدم که در اونجه  
آدمهای آمده بودند که به نظر هه مردمان شریفی  
مقاهره مسالمت آمیز ما مخالفت نخواهند کرد؟

مادر : بلی ، هه ایطور فکر میکنم که ای کدام  
عمل قیرآمیز نیس . اگه شما خواسته باشین  
بکدام عملی قیرآمیز دست بزنیم ، هه اصلاً

موافقت نخواهیم کرد . تو من فهمی که به بخدا ایمان  
واعتقاد دارم . ازی خاطر هه همیشه مخالف

خون ریزی و فهر هستم . . . چهل سال اس  
که همزور قبر را استبداده میشناسم ولی یکروز  
هم قادر نبودم که بر ضد اولادم بکنم و لو

که ای افاده کو چکترین افاده بوده باشه . . .  
مه می خوایم که پیش خدای شرمنده نباشم  
که مرد بگویه که بالای ای یا و غلام و جبر کندی .

شام اول ماه می ۱۹۰۵ :

در گردهم آیین که صورت گرفته هر کس میخواهد  
مشاغل خود را برای دیگران گزارش دهد .

بایول : وقتیکه فیل شد ، ها تغیریارد صاف  
چهارم یا پنجم بودیم . اما مخالفت نشیدیم  
و دست های یکدیگر خود را محکم گرفته ایستاده  
بودیم .

بایول : ماهیم از هم متفرق نشیدیم ، مخصوصاً  
سملکین که بیرق بد ستش بودا ز خود بسیار  
انتون : خوب شد که بیرقه نمادی . راه های  
سبامت نشان داد . هدف های بود که بدیگر  
کارگران بقیه اینیم که مابه انتساب دست زده  
داد .

ایم و تا آخرین لحظه هم بر ضد تقلیل معانی  
نحوی خوب کنی بیرقه نمادی . آنها در برا بر میز  
آندری : دشمنان ما امروز نابت کنند که  
چاگران سالینوف ها هستند و در برابر میز  
ناجیز بر ضد جنبش های متفرق ، هر کاری  
که از دست شان بوره باشد کورکرانه و وحشیانه  
انجام خواهند داد .

ماشا : بالاخره امروز معلوم شد که حق چیست  
در عقب ما هزار نفر دیگه با صفوی گشته اند  
مخصوصاً خوب س که بعضی از عساکر هم  
ای هم موضوع ره فرمیدند .

ایوان : آنها نیکه امروز شاهد این واقعه  
با خواسته های بر حق شان در مورد تقلیل  
معانی . . . مایه های همیگر نگاه کدیم ، در تکاه  
نیوتن ، حتی خواهند شنید فردا یا پس فردا  
تاریخ ای مساله را تبت خواهد کرد . و بارها  
شاهد چنین حادثی خواهد بود . حادثه امروز

نشان داد که چنین بر خوردها میتواند همیشه  
وقوع ببیوند .

آندری : و برای ها مشعل راه آزادی ،  
دوگرانی و استقلال واقعی . . .

مادر : امروز بیرقه سملکین بدنوش داشت .  
سملکین که در گوشه از جمیعت نشسته  
است جواب میدهد : نام هه سملکین س . هه از

آشیز خانه بر آمد . نیاس های خوده وقت  
پرسیدم که خانم والسوای با پایاول

در حرکت بود . درست شانه به شانه امروز  
صیح وقتیکه هه پشت پیاول رفت که اوره  
با خود بگیرم دیدم که خانم والسوای از

آندری : بصورت عموم مردان و زنان هم  
سن و سال افزاید بودند . معلوم بیشه که سردی

زمستان ، بلند و قفقن نرخ ها ، تقلیل معانی  
و تبلیغات ها و شما اترات خود را داشته است

در اول تبا پولیس ها دیده میشدند ، ولی

ایوان : او گفت بلی ، هه بیرقه به شما نهیم  
درای لحظه او به جلو خشم شد و او حمبه اکلوه  
باوانش کنن .

آندری : باز چهار ناینچه نفر از عساکر

سینمای فرانسه را بنا م (فلمها ی پر حیله) و آثاری را که بین سالهای ۱۹۰۷ و ۱۹۱۲ تهیه شده (هنری) می نامند .

بادرگیری جنگ جهانی اول سینمای بسیاری از کشورهای در گیر جنگ به انحطاط گرفتند ، بعد از جنگ تلاشی های تازه بی در زمینه رو نو سینما از سر گرفته شد . سینمای فرانسه تقریباً پیش قدم بود سینمای فرانسه . با استقبال گرم روشن فکران و چیز فیجان جامعه مواجه گردید . همان بود که لوبی دلوک باکوششها و آفرینشها باعظمت هنری خود (باعت و بانی رستاخیز سینمای فرانسه بعد از جنگ) نامیده شد .

کارهای دلوک از حیث ظرافت بیان و باز نمودن عواطفی که در کلام نمی گنجد ، کم تغیر است . بعد از او سینما گران بزرگ دیگری چون لوبیه ، ابل گانس و ژرمن دو لاک ظهور نمودند . ابل گانس برای نخستین بار پره عظیم سه تکه ، یعنی طلیعه ، سینما سکو پ امروز را به کار برد .

بعد ها زان انوار ، آلبر تو کا - والکانتی و بالاخره رنه کلر رو صخنه آمدند . در میان گروه اخیر مستعد تر و خلاقی تر از همه رنه کلر می باشد .

فلم خیالی وطن آمیزاو بنام (باریس در خواب) که در سال ۱۹۲۳ تهیه شده هنوز هم تازه و جالب است .

فلمها ی مذکور پهلوهای ابلهانه زندگی غرب رایه خوبی و باطنی نیشدار بر ملا نموده ، مورد انتقاد و استهزأ قرار میدهد .

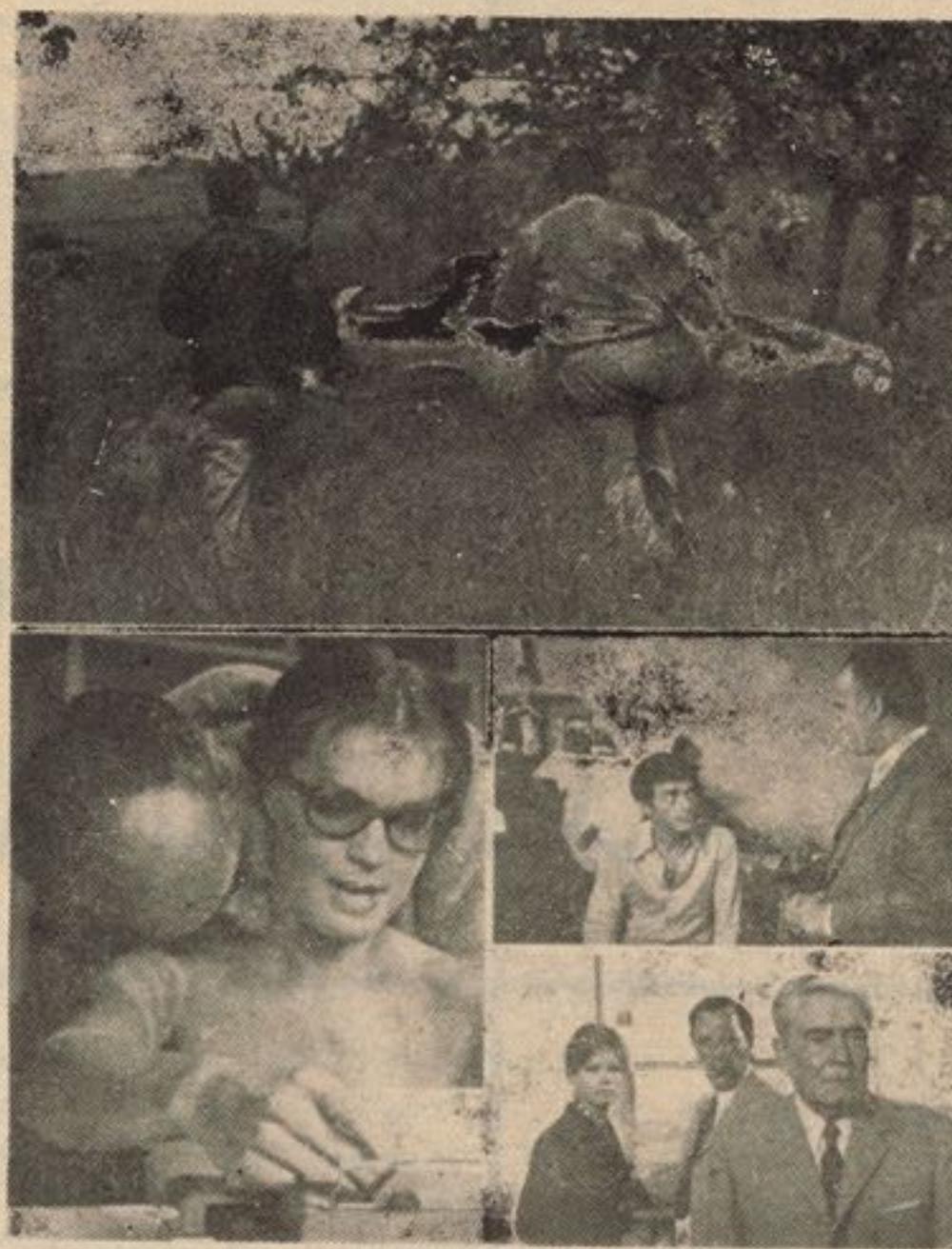
فلمهای او به مثابه (شوخیها ی هنری) جالب و خاص خودش برای همیشه اهمیت و ارزش خودرا حفظ خواهند نمود .

بعد از کمدی یهای کلر تو بت به شوخیهای بشر دوستانه ژاک فرا رسید .

سینمای فرانسه آثار بزرگ چون (بینوایان) (مردی که میخندد) (قصیبت زان دارک) (قصیبت مضحک قاعده بازی ، راحق پیش بین سالهای ۱۹۰۰ و ۱۹۰۷ آثار کرده و دین خودش را نسبت به هنر سینما ادانموده است .

## منیر هویدا

# سینمای فرانسه



سینمای فرانسه تاریخ درخشانی را پشت سر گذاشته است . سینمای از نخستین کشورهای بود که سینما چرآنجا تولد یافت این حقیقت سالمندی سینمای آنجا را نشان میدهد . از

طرف دیگر سینمای فرانسه در سالهای اخیر آثار هنری ارزشمند و قابل تأملی به جهان سینما عرضه داشته است .

در سال ۱۹۰۰ عیسوی ژرژ ملیس نخستین فلمها ی داستانی و هنری فرانسوی را تهیه نمود . ملیس که بازیگر و شعبدی باز ورزیده بی بود .

هرراه با پرداخت سینمایی بر اساس داستان ، از حیله های جالب و تعجب آور دور بین سینما نیز بهره میگرفت ملیس برای اولین بار تکنیک

آمیزش یادیزا لو را به کار برد که تا امروز به حیث یک اصل یا تکنیک قابل توجه مورد استفاده قرارداده . در کنار ملیس سینما گران

دیگری چون پاته و کو مون ، آتا ری خلق نمودند . آنان بیشتر از همه به موضوعات شاد و داستانهای خیالی علاقه داشتند . داستان فلم

آغاز ساده و عادی داشت بعد مشکل یا گری خلق میشد ، در نهایت مشکل حل شده و یا گره باز میشد و فلم با پایان خوشی انجام می یافت . آرتو رنایت در کتاب تاریخ سینما می نویسد : (همیشه اشخاصی وجود داشته اند که خواسته اند به

درست یابه غلط تفريح را با اعتراض نفس بیا میزنند . در سال ۱۹۰۷ فرانسه گروهی به نام (فلم هنری) به این منظور خاص تشکیل شد که بزرگترین هنر پیشگان ملی رادر نمایشنامه های بزرگ به تماشاگران عامی و آنکه مایه سینما بشناساند

این گروه بی گمان حسن نیت داشتند از هیچ کوشش برای کسب بهترین نتیجه مضایقه نمی کردند . از سارا بر نار ، مادام ژران ، ما کس در لی و در واقع همه بازیگران (کمدی) فرانسه فلمبرداری کردند .

فعالیت گروه (فلم هنری) بیشتر از همه شکل تیاتری داشت . در حالیکه فلم فاقد صدای بود ، بازیگران ضمن حرکات ، گفتار خود را نیز ادامه میکردند .

فلمهای مذکور هر چند به شکل تیاتری تهیه میشد با آنهم تأثیرهای عمیقی در جریان تکامل و رونق سینما توگرافی ، بجای گذاشت . قبل

از همان لحظاتی که پدران با استعمار و امپریا لیسم و به خاطر بر دیو خشمگین و حشتمزای (۱۹۱۸) ضمن اقتضای توطنه های شهامت و بر غرور ما، به متابه نخستین طبقاتی و ملی رنجبران کشور، به استقلال سیاسی کشور تا ادامه ((دسايس استعمار گران انگلیسی ملتی در قلب آسیا به خاطر بیروزی نبرد آزادبخش ملی و حصول استقلال زندگی بشریت به خط جلی ثبت در افغانستان هم برای تو سعادتمند نبرد آغاز بر قراری مناسبات صفحات درخشان تاریخ مبارزات مستعمرات است وهم برای خفه پیکار شجاعانه را دلیرانه و ظفر - واساس روابط دوستی وسیا سی، برحق عادلانه نیرو های پیشرو - ساختن ملت ها و هم برای حمله به هنداه علیه نیرو هند ترین و وحشی ترین قدر استیلاگر امپریا لیستی زمان بر افراشت و یکی از حلقه های زنجیر امپریالیسم از هم گسته شد پایه های مستحکم دوستی و همکاری مقابله میان ملت قبرمان افغانستان و خلقهای زحمتکش شوروی، صمیما - در قطار سایر ملل زحمتکش جهان مردم غرور آفرین کشور باستانتی ساخت و سرحدات شما لی کشور ((از آنجا که شما، حضرت نه بنیان گذاشته شد و این دوستی درهمان و هله نخست نقش پر - مادر صفت مقدم تامین روابط برادرانه را از خطر نفوذ استیلا گران متباجم دوست محظوظ و بزرگ من، رئیس وهمکاری نمربخشی با نخستین کشور مصثوون نگهداشت و بدین شیوه جمهور کشور معظم روسيه به اتفاق انتخاری در مبارزه عادلانه هر دو ما عليه ستم استعماری ایفاء نمود . مردم افغانستان بادر هم شکستن دیگر رفاقت خود، دوستان بشریت مقاومت استعمار گران بریتا نیا و وظیفه پراختخار و شرافتمندانه مرا - بیروزی جنبش، استقلال طلبی اتحاد شوروی بزرگ قرار گرفت . مردم شر افتد و استعما د دولت نوبنیاد کار گردید و دهقانی شکن افغانستان بر علیه اتحاد شوروی بر هبتری مرد خردمند کشور شوراهها مساعدت ویاری و عهده گرفته اید ، من خوشو قدم از

غفار ((عریف))

# دوستی ایکه از بوته آزمون زمان سرفرازانه و پیروزمند بدر آمد است

وناجی پرنبو غ زحمتکشان جهان، رساندند . اینکه برای اولین بار از جانب ملت دوست صدیق مدل مشرق زمین و، هم زمان با قیام ملی مردم زحمت ترقیخواه افغانستان بیان دوستانه ای، لین، نخستین کشوری بود کش افغانستان به خاطر آزادی و واقعی کشور مستقل و آزاد افغانستان که با حقانیت و صداقت آتشین استقلال کشور، چهارده دو لست را ارسال میدارم (۱۹۰۰) . استقلال سیاسی میهن ما را بر سمت امپریالیستی در ضدیت با پیروزی انسان گرانمایه، دوست باصفای شناخت و به موجب این شناسایی انقلاب سوسیا لیستی اکتوبر بر ملل مشرق زمین، بنیادگذار سیاست کلیه تعهدات و قراردادها نتکین (۱۹۱۷) به تحریکات و مداخلات نوع جدید صلح جویانه و دوستانه واسارت آور امپریا لیستی منجمله مسلحانه علیه کشور شورا متول فی مابین افغان، شوروی، و ای، کتوانسیون سال (۱۹۰۷) ملغی گردیدند و آتشن جنگ داخلی در لین در بیان (۲۷) ماه می شال سراسر جمهوری نو بنیادشوروی (۱۹۱۹) خویش به امان الله خان همچنان مردم افغانستان سر بلند مشتعل شد، بانی هم هر دو کشور شاه مترقب افغانستان چنین نوشت: بعد از حصول استقلال سیاسی افغانستان و شوروی شجا عانه ضمن دریافت او لین پیام مدت خویش از چنگ استعمار گران پشتیبانی و همکاری مقابل را میان آزاد و مستقل افغانستان به ملت انگلیسی، اولین دولتی بود که یکدیگر صادقانه اعلام نمودند و بدون روس بتعجیل درود خود را از طرف جمهوریت جوان شوراها بر سمت ایجاد روزگر صلح و دوستی قید و شرط راه برگردان و دعوایان و تمام ملت شناخت و خلق ما بهترین ووفا دار راه نمونه الهام بخش برای تما روس متقابل به ملت آزاد و مستقل استقلال خود را دریافت . ترین دوست پشتیبان آزادی و مدل جهان را ایجاد کردند . افغانستان که قهر مانانه در مقابله خاطره تابنده والهام بخش جهان و بنیاد گذار نخستین دولت خویش دفاع میکنند، میفرستم ... پیروزی بی نظر مردم افغانستان کارگری و دهقانی در جو لای سال نیرومند ترین سند تاریخی میهن حماسه آفرین ما بر علیه

سيطره جویان و اشغال گران امپریالیستی بریتانیای کبیر، در مقیاس جهانی از لحاظ رشد نسبی اقتصاد و فرهنگ کشور و موضع گیری در زمینه سیاست خارجی و اعتبار بین-المللی، رخداد عظیمی بود که سیمای وحشتبار و هیو لای مر گ آور سیاست استعماری امپریا لیستی را سخت تامز های تزلزل کشانید و اساسا من هناسبات پایدار و روابط خیل نایدیز بادول و خلقهای تحت ستم جهان منجمله بادول نو بنیاد شوراها، بامانت و استواری گذاشته شد . بنابر تمايل واردۀ سنتی و پر افتخار مردم روز گارديده ما، به بخاطر رشد زمینه های اجتماعي و اقتصادي در کشور و به منظور تقویت پروسه مبارزة ملی و دموکرا - تیک توده های عظیم زحمت کشان تیک توده های عظیم زحمت کشان میفرستم ... میهن حماسه آفرین ما بر علیه

دوسنی) به منابه سد استوار و تزلزل و بلو چستان)، پشتیبانی از جنبش علی الرغم کندی رشد اقتصاد موا فقتنا مه در باره هنا سبات ناپذیر برقراری مناسبات وررو ابط رهایی بخش نیم قاره هند، تا مین و فرهنگ کشور ما، تخریب نیرو پستی، تکرا فی و رادیو نی به نعر بخش، علی الرغم تحریکات های ارتقا عی و امیر یا لیستی در اوضاع رسید و به تعقیب آن در خصمانه و فعالیتما دیلما سی هنکی با کشورها خند استعمار کشور باز هم ایجاد تعداد موسسات (۲۸) جون سال (۱۹۵۵) قرار دول امیریا لیستی، بین دو کشور اروپائی، آسیانی...، را تعقیب صنعتی و زراغی و فر هنگی و داد همکاری ترازیتی به مصال تازه از پندرسته (افغانستان)، و تقویت بخشیدند.

با در نظر داشت رعایت جدی کمک در تعلیم و تربیت ده هایا فلت.

از اصول عالی بیطری فی مثبت و هزار کا در و متخصص علمی و فنی ملی و ساختمان نسبی زیر بنای اهمیت تاریخی و سیاسی معا هده (۱۹۲۱) که برایه رعایت احترام درامور داخلی یکدیگر، معا هده اقتصادی افغانستان ملی سه پلان بمحکمیت واستقلال ملی و منافع یعنی در سال (۱۹۳۱) بعثا به مکمل قرار داد سال (۱۹۲۱) بین و تمر بخش در زمینه مبادلات دو لتین افغانستان و شوروی عقد خلاصه میکردد که قرار داد متذکر متفاصل ایجاد یافته، درین مطلب موافق به اصول عالی پسر دوستی سرحدات دوکشور افغانستان، شوروی را به صورت نخستین سرحد نمونه صلح و دوستی و حسن همکواری بشیوه چهار نی ایجاد کرد.

\* همچنان خصلت مردمی قرار داد متساوی الحقوق (۱۹۲۱)

رامیتوان درین نکته هم در یافت که

لویه جرکه آن زمان افغانستان به

خاطر استحکام روابط سیاسی با

دولت نیرو متد شوراها و جلسه

همکاری های متفاصل ملت ها در زمینه

آزادی، ترقی، پیشرفت و صلح

سند تاریخی متذکر را به تصویر

رسانید.

به تعقیب معاہدة متساوی الحقوق (۱۹۲۱) که تهداب تزلزل ناپذیر

منابع دوستی و همکاری متفاصل

رامیان هر دو ملت افغان، شوروی

بنیان گذاشت، در سال (۱۹۲۶)

مجدداً معاہدة بیطری فی وعد متجاوز

بین دو لتین افغانستان و شوروی

سو سیاستی اعقاد یافت

و الی سال (۱۹۶۵) که برای آخرین

هرتبه در مسکو تجدید گردید، قرار

داد بیطری فی وعد متعهض چندین

بار باذر نظر داشت اصول صلح

و امنیت بین المللی، مساوات،

دوستی و همکاری میان هر دو کشور

تمدید شد.

بعمل می آوریم:

که در صرف مقدم نیز خود نین قرار

داشت و در حدود (۲۰) میلیون انسان

کشته داد، در فبروری سال (۱۹۴۵)

افغانستان در احداث لین تیلکراف

از سوابق در خشان دوستی و

همکاری و فادراری ملت افغانستان

کشک هرات، کندهار، کابل-

کابل، هزار شریف اشتراك مساعی

ستایش فراوان عمل آورد.

سالهای جنگ غاصبانه، غاز-

نمود و با صرف منابع مساعی

تکرانه و رهز ناه امیر یا لیستی

که در تسعیر ناپذیر اتحاد شوروی که

همکاری های تم بخش و شایسته

حتی به اندازه کوچکترین ارزش

را بادر نظر داشت تهیه و امداد

با همکاری سایر ملل زحمتکش

مناقع استثماری در آن نهفته نبود.

با همکاری سایر ملل زحمتکش

کار تمدید لین های تیلکراف با

و سایل و وسایل و سایل و سایل

جهان موقانه به آن خاتمه بخشید

به ((نام سالهای آزمایش روا بط

موافقتی تمام، خاتمه بیدا کرد.

نی، برای مردم افغانستان مدنظر

به ((نام سالهای آزمایش روا بط

کر فت و عملا در تا مین این امر

در (۲۸) نوامبر ۱۹۷۲) موافقتی

در و ستانه دو کشور

یخی که روابط سیاسی و سوق

الجیشی بین هر دو کشور در یک

تاریخ است)) و ((درفش دوستی

اشتراک نهادن گان با صلاحیت

متذکر اتحاد شوروی نقشه عمومی

و صلح عالی ارتبا طات حفظ گردید

و دفاع از صلح، استقلال آزادی،

خونین علیه امیر یا لیسم بدست

دوستی و همکاری بطور خدش

ناپذیر محتوای آنرا میساخت، اشتبند (۱۹۶۲) در خشان ترین

و افغانستان با متأنت و استواری ایام همکاری های فنی و تکنیکی

در تا مین این امر شر فتمدنا نه اتحاد شوروی با مردم افغانستان

و همکاری اقتصادی و فر هنگی

شوری به افغانستان روی حقا

بدل مساعی نمودند.

بحسابت میاید. تاریخ (۲۷) اکتوبر

در (۳) ابریل (۱۹۳۲) بین سال (۱۹۶۲) موافقتی مردو ط

از جنبش ملی خلق های ما و رای

دو لتین افغانستان و شوروی به تادیه کمک های فنی بمنظور

خط تحملی دیورند (پشتونستان) و مشبود است.

بقیه در صفحه ۴۰

دا ستان گوتاه افريقا بي  
نو شته اسکار دیباس

توبیخ محمد اصفہانی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

صبح زود صدای « موسو کو » شنیدیدی نه ! می شنوی ؟ باین بول رایا فته ؟ شما هم  
بیروز مندانه از دا خل حوالی به بول ، دختر جان تو می توانی کار می کنید . می دانید که زندگی  
گوش رسید : خانه بی بخری و زندگی خوبی بینوا یان چقدر دشوار است ، پس با سرو لباس نهار تب ، به  
سربراه کنی . بول را پنهان نکنید . من دوصد و ده دیگران مصیبتش را شرح می دادو  
ام . یک عالم بول یافته ام ! نه هادر کلان . خانه چه می اسکو دو سکم کرده ام . کسی مردم همه نسبت به او ابراز همدردی  
نمی کنم ؟ رخت های خوب و جوا هرات یافته ؟ به خاطر رضای خدا بول می تهدوند . چه بول زیادی ازن  
((موسو کو )) بسته بی را به گرانبها خواهیم خرید ... و هم را پس بد هید . مردم ، بشنوید ! بینوا ! ما کسی بول را گرفته ؟  
عمه اش نشانداد . عمه که روی اگر بول هاند یک ماشین مستعمل تفاصیل می کنم .  
چو کسی کو چک چوبی نشسته باشد نه ما حرا مخور نیستیم . که می

تو ته ذغال و مقدار نمک دندانها يش خيابي .  
را ياك هي کرد آهسته گفت : عمه اش گفت :  
- البته هي تواني چيز ها يبي هم  
براي خود بخري . ولی كلبه ما  
ماد ر گلان که حويلى را جارو  
هي کرد نيز تونه يبي ذغال و کمي  
نمک به دهان داشت و تازم موضوع  
خبر يافت به طرف آنها شهتا فت  
و با گنجaka وي بر سيد ؟  
موسو کو با شنيدن گريمه  
وزرای همسا یه تصميم گرفت بول  
راكهدا رد در حال يكه صاحب چنين  
با دو احساس دست به گرييان  
باشد ؟ نه ، هيجكس نمي تواند چنين  
بود ، خوشحالی و ترس . اگر  
نمیدا نست صاحب بول کيس است  
با ز هم يك چيزى ، ولی حلاچطور ؟  
شيما لى اش را صرف کند به  
يک همسا یه !  
يکي از رهگذرانى که دور دونانا

قدم زدن در کف اتاق پر داخت . - بشنو ید عمه ! هیروم تا یول جمع شد هبودند برسید :  
 صدای کوکوی فاخته بی از چپری با شا دی و تر س دست بمه را به صاحب پس بد هم . می دونانا ! یول را کجا گم  
 بلهو بی به گوش می رسید : گر ییان بود . مادر کلان در حالیکه بشنو ید چطور زازی می گند ؟ دل کردی ؟  
 - کوکوکو ! کوکوکو : دست ها یش را در هم گره کرده سنگ هم برا یش می سوزد . مثلی ساعته که کوش کرد .  
 بود گفت : صد هم شدم ، کو ! عمه باز بیر کی و با قیافه یی باشند دونانا تکرار کرد :  
 - بیین . مردم سر های شان بی تفاوت جواب داد : به خاطر طعمه بی نمدا نم ، عذر ان من . امروز

بند قفس شدم کوا کوکوکو ! زرافدای بولمی کنند . سر انجم در ها بسته شد و عمه اش افزود : می رفتم تا بول تمبا کو را داده کاری - بر قص ، دختر جان ، بر قص ! جاده یا قصی . بس بول بول تست فرشته های نگهبان به تو مهربان دیگر از چه معی ترسی ؟ و آه ، خدایا ... نا گهان فهمید م شده اند . و بین زن به پشتیبانی عمه که بول افتاده ای شان به تندی می تپید بول

وقت کمی گذشت که صدای کریه را از سر می گرفتند. دو صدوده وزاری یکی از زنان همسایه ((اسکو دوس !)) مبلغ خوبی یود سر تا سر محله را فرا گرفت: دردی نیست. اگر چنین چیزی بباید خانه رسیدم، همه جا را با لیدم خداوند مهریان است و بند گان سدو صدوده اسکو دو من هر گهتنا رش را فرا موش نمی کند. کی یا فته است؟ هو کس یا فته مادر کلان گفت: با ید پس بدهد، زیرا از من است. ابله نشو. حمله جا را با لیدم و لی نشانی هم - حا لا دیگر دها نت را بینند. گم کرده ام. مردم بیا بید و بگو- در بیرون، ((دونانای)) بینوا از بول نبود، همه کنج و کنار را



دیدم. حتی تشك ها را ذیر و رو یافتن مشتری در بازار، همه برباد گردم. ولی اثری از پول نیافتمن. شد اهر چه بد سست آورد و بود فروشی نیز زاری کردم. به هرجا شنود و باز هم بولی را که به او ((دونانا)) ری کنان می باختم.

گفت: - دست ها را ببهم زد و افزود: بیچاره شدم. اما هیچکس پو لم تعلق دارد برا یش بر نمیگرداشد. همه کارهای من، عمه گر. - در همه ((انکو میا تا)) فریاد را پس نداد. این در این جهان چه معنی دارد؟ سنگی ها و ترس های من در جنگل زدم. در تمام بنکو نیز فریاد زدم وای، وای! کی بول را گرفته چیزی را می گیرند که به خود شان و همه سر گردانی های من برا ی عمجنان در میانگا ناله کردم. کیست که تعلق ندارد (باقي دارد)

سی، آی، آی دایزنبه اوردار تجاعی پلان له مغایر  
بر مختنگ لپاره ملاوتله او دهنه هیوادا سیدونکی  
چی ترسیا سمن بیری را بدیغوا دهسیانسی  
به مقصد یول مادی و سایل و کارول او دکواتیمالا  
دانقلابی رژیم له نیمکتیا و خخه بین دفعه

دیبیاد قلمی معدنونه بین چی دنی ستر  
معدنونه وو ملی کرل او دخمنکو ویش سرنه

دلته باید داخبره باده کرو چی دسی، آی، آی  
کاریو عاتو دخیل گرگین یلاند عملی کولویه  
غرض داوبنر در زیم له دری گونو نیمکتیا و

براخه استفاده و کرله او هفرزیم بین نسکور کر.  
دسی، آی، آی داستازی و پدری گونی نیمکتیا

وی به لاندی چول وی :

۱- خرته چی انقلاب کافی فرست بین نه زرلود  
چی دخلکو ملائمه او ننگه تو لاسه کری نوخکه

جمهور رئیس آربنر یلوی صاحب منصبان  
ناهیمند کیدلود پیشیوه و داندی بین تفاوته  
باتی کیدل .

۲- دلارپیسوونسکی کادر د خان منشی او  
جه طلبی له کبله رژیم د انشعاب او تویی تاچی

کیدو منگلوبه ورغی نوخکه بین ونشوای کولاوی  
کوزارونویه و داندی خیل بومونی والی و ساتی

چی د قسم خوبی او غبشنی دبمن دجلونو او  
۳- دمتعده ایالتوونو دینو اوبنکاره لا س  
و هنچ او و رانکاره هلو خلو له کبله منځن طیقی

و چاری شولی او دانقلاب له ملاترنه بین لاس و نیو .  
۱۹۵۴۵ کال به ڈانویه کی جمهور رئیس

آربنر دایزنبه اور دولت دهولو و رانکاره هلو خلو  
مسوول و گانه اویه داکه بین کره لسی، آی، آی

دکواتیمالا، فراریانو او شریل شوو چلو بیلو ته  
سازمان ورکوی او دفعه هیواد دانقلابی رژیم  
برضد بین روزی .

دههانه کال دجون بین انسجه کواتیمالا د  
فروت دکمپنی تولی خمکی چی بوه ازته برخه  
بین نیولی وه ملی کرله او تویی خمکنی دفعه

خای براو سیدونکو بزگرانو وو یشنلی او  
خیل بروگرام بین بزدودتیا سره ته سره کو .

دلاپیش امریکا دهیواد و دیسر لس پیسی  
انقلابی بدلونو او بهدی لرگی دکواتیمالا د

سته بدلون او بر یویه نتیجه کی امیریالیزم  
اویه سرگی دامریکا امیریالیزم او دهسیانسی

استعمال چیانو خیله دشمنی پراخه کرله او  
فع اخیستونکو دسیسو ته بین لاس واچاوه .

دجمبور رئیس آربنر دانقلابی بروگرام دسره  
رسولو او دیونایتد فروت دکمپنی دیراخو  
میشه لای .

خرنگه چی د آربنر دسی، آی، آی دجلونو او دهه  
دالی ختن آرماس تیری بیدواندی بین دخلکو

چی دسیاد گوچانگی تیری بیدواندی بین دخلکو  
دزیار ایستونکو بر گنو له وسله وال کولو خده  
دده و گنکه اودکور نیو لاتجو له کبله کمزوری

او دیسا پلاس روزل شوی ود هنچ  
چاسوس سازمان بین لارپیونه بین د آربنر د  
رژیم بر ضد لوچماره جنگه بیبل کرله .

دآربنر دحکومت لویه تیروتنه او اشتباها و ده  
چی دسیاد گوچانگی تیری بیدواندی بین دخلکو

دزیار ایستونکو بر گنو له وسله وال کولو خده  
دده و گنکه اودکور نیو لاتجو له کبله کمزوری

او دیسا پلاس روزل شوی ود هنچ

چاسوس سازمان بین لارپیونه بین د آربنر د

چی دسیاد گوچانگی تیری بیدواندی بین دخلکو

دزیار ایستونکو بر گنو له وسله وال کولو خده

دده و گنکه اودکور نیو لاتجو له کبله کمزوری

او دیسا پلاس روزل شوی ود هنچ

چاسوس سازمان بین لارپیونه بین د آربنر د

چی دسیاد گوچانگی تیری بیدواندی بین دخلکو

دزیار ایستونکو بر گنو له وسله وال کولو خده

دده و گنکه اودکور نیو لاتجو له کبله کمزوری

او دیسا پلاس روزل شوی ود هنچ

چاسوس سازمان بین لارپیونه بین د آربنر د

چی دسیاد گوچانگی تیری بیدواندی بین دخلکو

دزیار ایستونکو بر گنو له وسله وال کولو خده

دده و گنکه اودکور نیو لاتجو له کبله کمزوری

او دیسا پلاس روزل شوی ود هنچ

چاسوس سازمان بین لارپیونه بین د آربنر د

چی دسیاد گوچانگی تیری بیدواندی بین دخلکو

دزیار ایستونکو بر گنو له وسله وال کولو خده

دده و گنکه اودکور نیو لاتجو له کبله کمزوری

او دیسا پلاس روزل شوی ود هنچ

چاسوس سازمان بین لارپیونه بین د آربنر د

چی دسیاد گوچانگی تیری بیدواندی بین دخلکو

دزیار ایستونکو بر گنو له وسله وال کولو خده

دده و گنکه اودکور نیو لاتجو له کبله کمزوری

او دیسا پلاس روزل شوی ود هنچ

چاسوس سازمان بین لارپیونه بین د آربنر د

چی دسیاد گوچانگی تیری بیدواندی بین دخلکو

دزیار ایستونکو بر گنو له وسله وال کولو خده

دده و گنکه اودکور نیو لاتجو له کبله کمزوری

او دیسا پلاس روزل شوی ود هنچ

چاسوس سازمان بین لارپیونه بین د آربنر د

چی دسیاد گوچانگی تیری بیدواندی بین دخلکو

دزیار ایستونکو بر گنو له وسله وال کولو خده

دده و گنکه اودکور نیو لاتجو له کبله کمزوری

او دیسا پلاس روزل شوی ود هنچ

چاسوس سازمان بین لارپیونه بین د آربنر د

چی دسیاد گوچانگی تیری بیدواندی بین دخلکو

دزیار ایستونکو بر گنو له وسله وال کولو خده

دده و گنکه اودکور نیو لاتجو له کبله کمزوری

او دیسا پلاس روزل شوی ود هنچ

چاسوس سازمان بین لارپیونه بین د آربنر د

چی دسیاد گوچانگی تیری بیدواندی بین دخلکو

دزیار ایستونکو بر گنو له وسله وال کولو خده

دده و گنکه اودکور نیو لاتجو له کبله کمزوری

او دیسا پلاس روزل شوی ود هنچ

چاسوس سازمان بین لارپیونه بین د آربنر د

چی دسیاد گوچانگی تیری بیدواندی بین دخلکو

دزیار ایستونکو بر گنو له وسله وال کولو خده

دده و گنکه اودکور نیو لاتجو له کبله کمزوری

او دیسا پلاس روزل شوی ود هنچ

چاسوس سازمان بین لارپیونه بین د آربنر د

چی دسیاد گوچانگی تیری بیدواندی بین دخلکو

دزیار ایستونکو بر گنو له وسله وال کولو خده

دده و گنکه اودکور نیو لاتجو له کبله کمزوری

او دیسا پلاس روزل شوی ود هنچ

چاسوس سازمان بین لارپیونه بین د آربنر د

چی دسیاد گوچانگی تیری بیدواندی بین دخلکو

دزیار ایستونکو بر گنو له وسله وال کولو خده

دده و گنکه اودکور نیو لاتجو له کبله کمزوری

او دیسا پلاس روزل شوی ود هنچ

چاسوس سازمان بین لارپیونه بین د آربنر د

چی دسیاد گوچانگی تیری بیدواندی بین دخلکو

دزیار ایستونکو بر گنو له وسله وال کولو خده

دده و گنکه اودکور نیو لاتجو له کبله کمزوری

او دیسا پلاس روزل شوی ود هنچ

چاسوس سازمان بین لارپیونه بین د آربنر د

چی دسیاد گوچانگی تیری بیدواندی بین دخلکو

دزیار ایستونکو بر گنو له وسله وال کولو خده

دده و گنکه اودکور نیو لاتجو له کبله کمزوری

او دیسا پلاس روزل شوی ود هنچ

چاسوس سازمان بین لارپیونه بین د آربنر د

چی دسیاد گوچانگی تیری بیدواندی بین دخلکو

دزیار ایستونکو بر گنو له وسله وال کولو خده

دده و گنکه اودکور نیو لاتجو له کبله کمزوری

او دیسا پلاس روزل شوی ود هنچ

چاسوس سازمان بین لارپیونه بین د آربنر د

چی دسیاد گوچانگی تیری بیدواندی بین دخلکو

دزیار ایستونکو بر گنو له وسله وال کولو خده

دده و گنکه اودکور نیو لاتجو له کبله کمزوری

او دیسا پلاس روزل شوی ود هنچ

چاسوس سازمان بین لارپیونه بین د آربنر د

چی دسیاد گوچانگی تیری بیدواندی بین دخلکو

دزیار ایستونکو بر گنو له وسله وال کولو خده

دده و گنکه اودکور نیو لاتجو له کبله کمزوری

او دیسا پلاس روزل شوی ود هنچ

چاسوس سازمان بین لارپیونه بین د آربنر د

چی دسیاد گوچانگی تیری بیدواندی بین دخلکو

دزیار ایستونکو بر گنو له وسله وال کولو خده

دده و گنکه اودکور نیو لاتجو له کبله کمزوری

او دیسا پلاس روزل شوی ود هنچ

چاسوس سازمان بین لارپیونه بین د آربنر د

چی دسیاد گوچانگی تیری بیدواندی بین دخلکو

دزیار ایستونکو بر گنو له وسله وال کولو خده

دده و

# زنان در اتحاد شوروی

و بخصوص زندگی فامیلی تا میان  
میکند . همچنین مساله ایکه نسبت  
به مسایل دیگر مهم بنظر میرسد  
اینست که در شرایط فعلی تامین  
حقوق و شرایط بهتر مادی بر ای  
آنها نسبت به سالهای گذشته  
خیلی تفاوت نموده است . و باید  
گفت که حزب کمو نست و دولت  
اتحاد شو روی همواره تلاش می  
ورزد تادر آینده نیز شرایط مساعد  
مادی و معنوی را برای زنان میبا  
سازد .

شرايط مساعد و سود هند :

سهم گیری زنان در کار بر امر اجتماعی، آنها را از لحاظ اقتصادی آزاد ساخته و سبب ایجاد یک تمهداب استوار برای برابری حقیقی انسان ماهر دان میگردد.

در اتحادِ شو روی حقوق همه  
باشند گان کشور چه زن چه مرد باهم  
یکسان است و این حقوق مساوی  
ناشی از مالکیت اجتماعی بروسايل  
تولید ، اقتصاد پلان شده سوسیا-  
لستی و مکانیزه شدن زندگی  
اجتماعیست . نظر به شواهد و اسناد  
دست داشته در شوروی اشتراک  
زنان در کار پر ثمر اجتماعی نسبت  
به همه کشور های جهان بیشتر  
میباشد . بطور مثال تقریبا نصف  
زنان کارگر در فابریکات مصروف  
کار بوده و تعداد آنها در پیشرفت  
امور تکنیکی و فنی همواره از دیابد  
مسايل

کار زنان روستا که بیشتر با  
کشاور زی سرو کار دارند را ایل  
یک اندازه مشکل بوده اما بمن ور  
زمان این پرایبلم آهسته آهسته با  
ماشینی شدن امور زراعتی رفع  
گردید که اینک اکثر فعالیتهای  
ایشان بکمک ماشینهای مدرن و  
جهز مرفو ع میگردد. همچنین  
زنان بعیث بازرسن فار مهای مرغ  
داری و مواشی و بعیث رانند گان  
تراکتور در ساحات ذرا عتی ایفای  
وظیفه می نمایند.

رهبر پرولتاریای جهان میگفت: «پیشتر فت فقط وقتی میسر است که بجای صد ها زن، ملیو نهاد ملیون زن سراسر شوروی در آبادی کشور سهم بگیرند و ما هستیم که اصل پیش فتسوسیا- لستی آنوقت مفهوم خواهد داشت...»

حرب تم و سمت، دولت و اتحادیه  
های کار گری اتحاد شو روی بحل  
سوال حقوق زن، در همه جمایت  
توجه زیادی مبذول داشته است.  
بناء هر یک از قوانین اساسی سال  
های ۱۹۱۸، ۱۹۲۴ و ۱۹۳۶ که با  
یک مرحله مشخصی از سما ختمان  
سوسیا لیزم ارتباط داشته، همواره  
اهمیت زنان را در زندگی شهری

منعکس میسازد . قانون اسا سی  
۱۹۷۷ اتحاد جماهیر ش\_\_\_\_\_ و روی  
برابری کامل زنان را با مردان در  
وظایف محوله اجتماعی و دیگر  
ساحات زندگی سیاسی و اقتصادی

پیشوفت فقط وقتی هیسو است که  
بجای صد هازن، ملیونها ملیون زن  
در آبادی کشور سهم بگیرند...

آن سب و بشکست و آن پیغماده ریخت  
که زن را دیگر ضعیفه و سیاهسر  
گویند ...

آنکه زنان بتوانند بحیث معماران  
فعال زندگی نوین ، کار و پیکار  
نمایند ، آزادی و برابری حقیقی آنها  
در همه ساحات زندگی اجتماعی  
لازم و ضروری بود .

دنبالہ پیدغام

خورا اوچت دی په جهان کي تسل مقام دېنځۍ  
خکه لازم دی په عر چا تل احترام د بېنځۍ  
وی ، دی ورووري ، برابيري په ټول جهان کي هنام  
د ځنه دی غښن د پاګکي هیني او بیعقام دېنځۍ  
د اچې نن خیزی پاس اسماعان ته انسانان په پوهه  
پډله لارکي لیدل شوی ډومبیں ګامد بېنځۍ  
که په یو لاس باندي ما شوم په بل جهان خنگوي  
لوی قوت پروت دی په وجود کسی شامدام دېنځۍ  
تل بی په غین کسی روزل ګیږی د جهان نابغه  
ژوندون ته خوند او رنگ بېنسلی دی انعام دېنځۍ  
ڇېنگی بی ډک دیاګکي هیني ، معجب خښی دی  
په ڇډو نو خوره ګوره لکیږی هر کلام د بېنځۍ  
ظلم ، تیری بی نه خوبیږی ترینه کړکه کسوي  
سوله ورووري ده په نړی کي لوی هرام د بېنځۍ  
د چاپه زډه کي چې ډیوه د معرفت وی بله  
ھفه سیېغڅي مقام ويني عسام او تام بېنځۍ  
دلبل په څشم باندي غمجن وي داخواخوری انسان  
د بشريت لادکي په برخه دی نسaram د بېنځۍ  
له ډېره شرمه انگریزان چې راکټلي نه شي  
غین د ملاګي یاد وي ورته فیلام د بېنځۍ  
که بېنځۍ نه واي ، ژوند بهنه وو خوتوالی بهنه ووه  
که (زډه سواند) وجود ته کاندي تل سلام دېنځۍ

برابری و مساوات اجتماعی زنان  
و مردان، تهیه و تدارک شرایط مساعد  
برای سهم گیری آنها در زندگی  
اجتماعی روس کار عمده بی دولت  
شورا ها را میسازد.

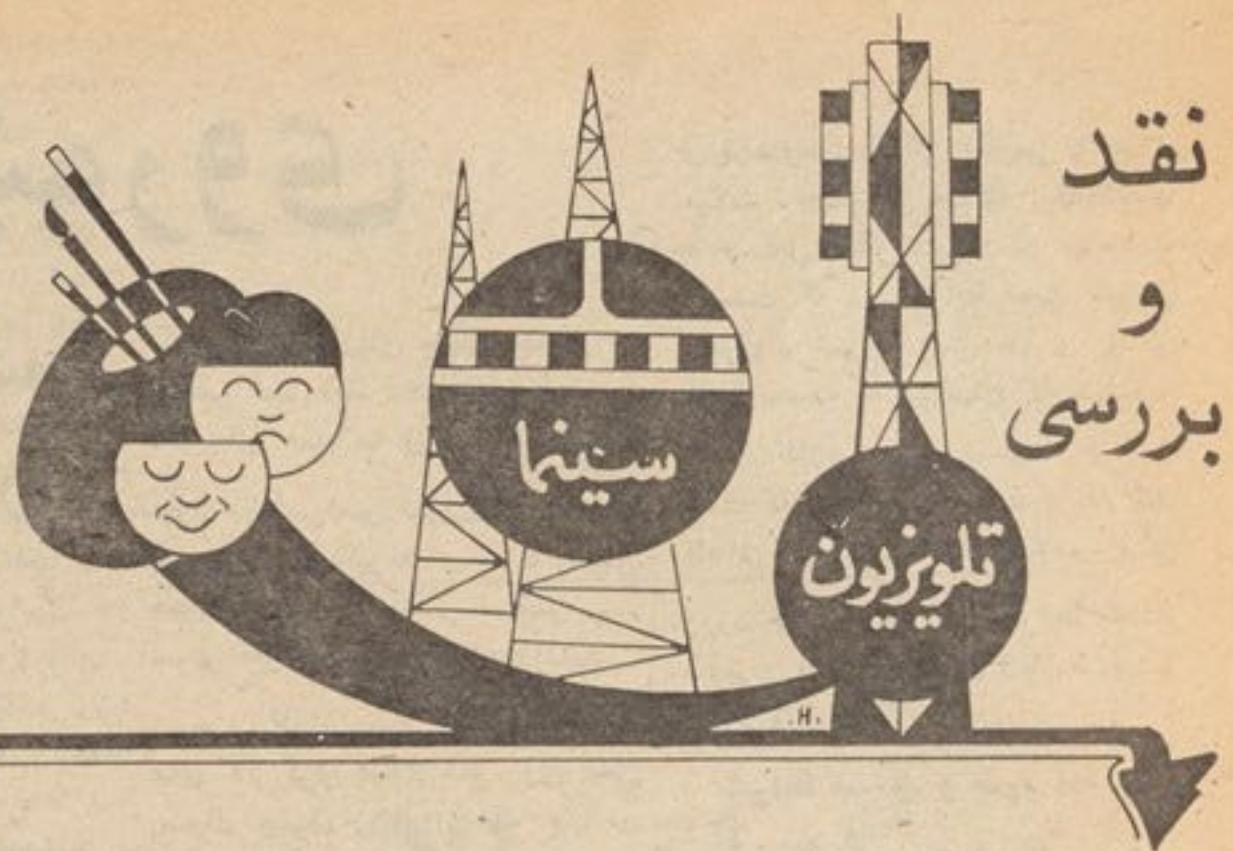
در قرون گذشته ظلم و ستم  
بر زنان و بیداد گریها بیشتر بوده  
است سوال حقوق زن که بذات  
خودیک امر مغلق و پیچیده است ،  
توسط تیموریسین ها و جامعه شناسان  
بورژوازی بی اندازه غلط تعییر  
شده بود آنها زنان را نظر به  
ساختمان بیولوژ یکی ، ناتوان  
وضعیفتر از مردان دانسته و اثاث  
رافاقد تفکر خلاق و آزاد می  
باشد.

علمبر داران دانش نوین ریشه  
اصلی پرابلم ها را بر ملا ساخته و  
بیان داشتند که نا برابری زنان در  
اجتماع اسباب و علل اقتصادی  
واجتماعی دارد.

انقلاب کبیر سوسیالستی اکتوبر  
برای اولین بار در تاریخ به امید  
آزادی اجتماعی و گلتوری زنان که  
از دیرزمانی بیک خواب تبدیل شده  
بود جنبه واقعیت داد و فرما نهای  
طرح شده دولت شورا ها تبعیضی  
برضد زنان را ازبین برده مساوات  
و برابری قانونی بین زن و مرد را  
به مرور زمان با آزادی اقتصادی و  
سیاسی زنان تامین نمود . برای

نقد  
و  
بررسی

تیاتر، رادیو، نقاشی و...



## جنایتکاران

محصول : شفق فلم

دایر کتر وپرود یو سر : تور یالی شفق

پرودیو سرمنیجر : فتح الله برند

فلمبر دار : انجینیر لطیف

در نقش های عمدہ: ابرا هیم طفیان، محمد جان گورن، ولیلی.

محل نمایش: سینماهای بهار سمنان و تیمور شاهی

بلفو



پای از سالون نما یش بیرو ن گذارد  
شفق فلم با لآخره بعد از گذشت  
واجیانا مدتی هم با خود بیند بیند که  
چند ماهی که از نصب اعلا نات بر آنچه در برده سپید سینما دید آیا به  
عرض و طول و پو ستر های رنگین آن راستی واقعیتی بود از درون جامعه  
به درودیوار سینما های شهر ها وزندگی او، ویا قصه یو از آن مانند  
سپری شد، اجازه نمایش گرفت،  
که آنرا فقط در فلمها و نما یشنا مهعا  
میتوان دید؟

تماشاگر خسته و نارا صنی از تکرار  
نمایش فلمهای چند سال پیش خر- ران مورد پسند تما شما گر قرار گرفت  
یداری شده و از بازار افتاده هندی را، و شما یدهم بتوان گفت که این فلم  
به درون سالون های سینما ک شا نید دیگار دیر فروشترین فلم داخلی را  
تابا تما شای فلمی که به قول خودش در یکی دو سال گذشته از آن خود  
هم عشقی بود و هم ترازیدی. هم رقص  
فراآن داشت و هم آواز و ناکا هی و  
دختر و بیجه فلم هم «بد کی!» نبودند، بهلوی دید کم و بیش و اعمان خود  
سه ساعت غم زندگی را به دراموژی  
درارانه نماد های تصویری از زندگی  
سیار و وزیر تائیر حالت های بیمار  
یک جامعه عة ب تنگیدا شده شده و  
گونه خود قهرمان یعنی موقتی و تائیر  
ارباب رعیتی و نما یا ندن بر خی از  
گرفته از امکانات وسیع حادو بی هنر  
خصوصیت های آن در قالب ها قصه  
نه چندان تازه و بکر، از شرایط بازار  
هفتم گا هی چشمی تر گندوانشکی  
بریزدو گاه دیگر بهیجان خشم گشیده  
فلم در کشور و نحوه اندیشه تماشاگر  
مشتی گره کند و زما نی هم بدآموز شده و گوشه چشمی به خواه  
شود و مشتی گره کند و زما نی هم  
قرکم و ادا اطوار فر بینده و اغوا  
ست و سلیقه اودا شتن همغا فل نبوده  
گرانه رقصه او را به دنیای و سو-  
باگنجای نیدن بجا و یابیجا ی یار چه  
رقص های متعدد و آواز خوا نی های  
در دش بر آوردو بعد هم راضم و خسته



محمد جان گورن دریک نقش خوب در فلم جنایتکاران

و به منظور طویل ساختن مدت فلم که هم از تباطع منطقی صحنه های فلم راتا اندازه بی لطمه میز ندو هم در مجموع همان بخش های فلم را از کشش و هیجان به دور میدارد و مو- ارد دیگر در همین زمینه .

باهمه آنچه که گفتیم با نو جه به نو پایدن سینما می ملی افغا نستان، کمبود پرسو نل، فقر سرما یه و دشواری ها بی فنی فراوانی که دست اندر کاران سینما می با آن روبرو اند ، با نظرداشت اینکه تا کنون این گروه نه اتحاد یه بی دارند که از هنا فرع آنان دفاع کند و مشکلات شانرا در ار گا نهای مسوول به طرح آورد و نه هم سازمان های هنری دولتی مجال آنرا یا فته اند که پیرامون معضلاتی که در مجموع خود سینما میدارد گام ها بی مو نبردارند ، باید

گفت که فلم جنا یتکاران اثری است قابل پذیر ش که فقط بد لیل دارابودن نماد هایی از زندگی مردم ماو به شناخت آوردن گوشش های مختلف آن در یک مقطع خاص زمانی خیلی بهتر از فلم های هم ریف تجاری و پول ساز کشور های خارجی است که تولیدات آن سالیان دراز سرما یه های مارا به جیب ساز نمکان و تهیه کنند گان آن فرو ریخته و هنوز هم فرو میر یزد و همین هم باید انگیزه بی باشد به اینکه این موسسات مورد حمایت قانونی بیشتر قرار گیرند و مجال فعالیت بیشتر در شرایط بهتر برای شان داده شودتا به این ترتیب با از میان رفتن عوامل رکود و تو خف در تو لید جمعه نکرد ن دختر فلم به هر اجمع قات نونی بعد از آلوده شدن و حتی ارانه نشدن هیچ نمایی بعدی از جگو نگی بلکه به آرا می زمینه رقا بت کمی و کیفی را با تو لیدات خارجی بیسی بیابیم که کشور ما بازار فرو شن آنها سنت.



صحنه دیگری از فلم جنایتکاران



احمد سیر حیل و سیما در صحنه بی از فلم جنایتکاران

پرشور و جنگ وجدل ها وزد و خورد شود کارگردان در مجموع لحظات نیم ساعتی که از استثنای گردش های دراز سینما پسند تری دارا سنگی و فخر - مدت و کسل گننده دختر پسر او از الدینی، متاعی مر غو ب باین گونه از تماشاگر سینمای ماکه تعداد آن هم حفظ کندو به آرامی به فرجام سینمایی با اید یالوزی است تیجه

بینند ، که کاری است تا حد دور از از نظر فنی کا هر بادقت زوایای دید خود را به انتخاب گرفته و با استفاده از ملائم و شماتیت در شرایطی که اگر جزاین باشد کارگردان و تهیه کننده با دهان کجی نیشخند گو نه سالون خالی از تماشاگر رو بروند و سودویا حداقل نمیتواند مصارف فلم را که بدلا لیل خاص هنگفت تر از کسوز نزدیک به آن ارانه داده و ارزش کار خود را بیشتر از بیش تبیت کند. جنایتکاران در محظوظ ای خود اگر

از برخی صحنه سازی های به دوق بازار، آن بکنار یم فلمی است تاحدی کمتر ارانه میگردید و جای آن را در خورثوجه که در آن گوشه های (مدیم شات) ها میگرفت در این فلم در جاهای که مورد نیاز بوده زیبا در ده بکار های گذشته وی قالبیندی شده و تماسا گر را در برابر دیگر گونی های شرق حتی در موارد کاملا ضروری بازگشایی میگردید و جای آن در تماسا گر را در برابر فاجعه های قرار میدهد که سالاری و سالار منشی و خان بازی و اشرافیت در یک جا معنی از سلطه ظالمانه خان و ارباب در ده طبقاتی به طبقه ستمکش تحمل می کند.

جادیت، پیوند و صدا برداری فلم چند شات او ل فلم که «تایتل» فلم نیز تا جای زیاد نوا قصی را که در روی آن «سوپر» میگردد با نماها بی فلم های مختلف شیر و حالت های گوناگون زندگی در محلات فقیر می خورد و مونتاز بالتسه موفق نشین و تروتمند نشین به چشم تما - شاگر میگشند در واقع شناختی باز یکران نیز در قالب نقش نشانه بی از موضوع فلم و دیداد - های خود نیک فرو رفته اند و با این بیکتر را به بیننده القامیکند تا تفاوت الخصوص محمد جان گورن و ابراهیم هارازنده تر در یابدو به تفکر کشیده طغیان که درخششی چشمگیر دارند و

سرتاسری قرار دارد به یقین می تواند تمام زنان بالحسنه بادرد، قهرمان و حمامه سازرا  
بصور سازهان خود شان بسیج سازد چه زنان  
گاه میدانند که سازهان دموکراتیک زنان  
ویگانه مرجع ویگانه تجلیگاهی است که تحت  
غیری حزب دموکراتیک خلق افغانستان می  
تواند روزنه های امید و پیروزی را بر روی  
زن افغان یگشاید و به زن افغان انتشار آزادی  
پیروزی و آینده شاد و مسعود ببخشد وهاگنون  
شاید تجلیل و پرگزاری هر چه باشکوه تر  
میان روز تاریخی که سرنوشت زن افغان به آن  
رباط مستقیم دارد خواهیم بود وصفحه توین  
دیر انتشاری در تاریخ مبارزه زنان قهرمان  
کشوده خواهد شد .

پیروز باد گنگره سرتاسری زنان مبارز  
افغانستان .

## مادران صلح

ای کودک دلفریب زیبا  
ی میوه زندگانی من  
بینه رو شن است رویت  
از کود کی وجوانی من .  
من عمر عزیز رفته امرا  
در روی تو میکنم تماشا  
بینم زدر یچه های چشمت  
اینده پرسعا دنی را  
چشمت دو ستاره درشت است  
چون اختر بخت تودر خشن  
بوی نفس معطر تو  
آرام دلست ورا حتی جان  
آنگه که دو دست کوچک تو  
چون حلقه فتد بگردن من  
گویی بودم جهان در آغوش  
لرزد زمحبت تن من  
مادرچه فدا بی عجیبی است  
از خود گذرد برای هر زند  
مادر دل و جان و زندگی را  
با همرو کند فدای فرزند  
ای کودک دلنشیں زیبا  
وی نو گل زندگانی من  
گرسن بد هم نمی سپارم  
یک لحظه ترا بدست دشمن  
گر بشه به صور تنت نشیند  
از جای پرم شوم دگر گون  
آخر چه تحملی که بینم  
رفتی تو میان آتش و خون  
گرچشم مرا کنند از جای  
گر قلب مرا کنند پاره  
حاضر نشوم که شعله جنگ  
آتش زندت به گاهواره  
چون من همه ما دران گیتی  
دارند زجنگ نفرت و ننگ  
ای لعنت ما دران دنیا  
بر هر که فروزد آتش جنگ

فغانستان به زبانه دان تاریخ سیرده شد و  
همایندگان سازمان دموکراتیک زنان برای  
ولین بار توانست در جلسه های شورای  
ندراسیون دموکراتیک زنان جهان در مسکو  
شترک کند که با افتخار یکه از گذشته های  
دور در ارتباط یامیارزات اغلابی و وظیرستانه  
که سازمان دموکراتیک زنان افغانستان کسب  
نموده بوده عضویت فدراسیون بین المللی  
دموکراتیک زنان پذیرفته شدکه چا دارد  
مکویم افتخار بر سازمان دموکراتیک زنان  
افغانستان این یگانه گردان پیش آهنگ و  
تفلابی زنان افغانستان همچنان این سازمان  
از بدو تاسیس و از شروع فعالیت های سیاسی  
جتماعی کوشید تا زن آزاد باشد و آزادیست  
کند و در جامعه و اجتماع شخصیت حقوقی و  
انسانی خودش را داشته باشد برای برواز

کند و در جامعه و اجتماع سخن‌چیت خوبی و انسانی خودش را داشته باشد برای پرواز محیط کسب کند و چون پرنده طلایی در قفس برد محبوس نماند مگر در مقابل جباران تاریخ سلطنت داران خون آشام انواع و اتسکال پیرنک هاو آزار را بکار بردند در شرایط که ارجاع سیاه ظلم و جباری اش را به اوچ رسانیده بود و ارجاع و امیر پاییز افغانستان راهی‌دان ناخت و تاز قرار داده بودند می‌خواستند نجول و تهمت را باینجه های گزینش شان خفه نمایند از جمله می‌خواستند زنان و دختران هارا محاکوم به سکوت و اسارت نمایند و دست و بای آزاد ران را که خوشبختانه از گذشته های دور ناگفتن نصیب زنان فیرمان و حمامه آفرین سازند و آنها رادر چار چوب خانه اسیر و محبوس سازند . چنانچه ارجاع سیاه پاییز اب پاشی و توهین های مکرر ناجوان مردانه می‌خواستند صد و هوانع رادر مقابل نهضت جتماعی وبخصوص نهضت زنان به صورت خانانه ایجاد نمایند . این است که باز عم سازمان دموکراتیک زنان افغانستان تدا این را عر چدرساتر بلند نموده بددولت ظاهر شاهی و جمهوری قلابی داود شاهی می‌فهماند که زنان افغانستان تبا نیستند بلکه سازمان

شرده و مبارزی در عقب شان وجود دارد که  
جون صفت آهینین از این واژه حقوق آن بادخاش  
خواهد گرد .

این سازمان هرگز نخواسته فقط کاره  
تشریفاتی و نمایشی باشد بلکه هر جا که به  
زن و حقوق انسانی زن جطا رو روان داشته شده  
او ازش را بلند نموده و با ایمان داری و پایداری  
محکم و تزلزل ناید بر از زنان دنچ کشیده ها  
پاسداری و حمایت نموده است .

اکنون که مبارزات صادقانه و انسانی مردم افغانستان منجمله زنان بیکار جبو حماسه فرین شگونه هایی بهار آورده و انتظار میوه شیرین آرا دد پرتو پیروزی عای انقلاب عمیق و دموکراسی و مردمی نور گه به پایمردی اردی دلیر و رهایی بخشش و پشتیبانی مردم ازاده افغانستان به پیروزی رسیده داریم .

آرزومندیم مردم و نجدهده و به ویژه زنان  
جطا کشیده ما از پیروزی های مرحله توین  
نقلاً تور بستر مستفید گردیده و در  
بیشایش آنها سازمان دموکراتیک زنان  
افغانستان در راه اعمار جامعه توین و فاقد  
از دنج و درد و جامعه شگوفان و عاری از هر  
گونه تشویش و نگرانی خاطر به انتخارات زیاد  
نایبل گردد .  
واکنون که سازمان دموکراتیک زنان

و با شکوه علیه دولت های وقت و در هر احل مختلفه نهضت ، نقش خوبیش را قهرمانانه و پیگار چویانه در دست ایغا گرفته و این زنان و دختران مبارز و سر سپرده چه در شرایط مخفی و غیره با ایجاد سخنرانی ها و سازماندهی زنان در تنویر اذعان و پلند بردن سطح آگاهی زنان سعی و تلاش خستگی نایدیر رابه خرج داده و پیوسته کوشیده تا سطح آگاهی و شعور سیاسی زنان را ارتقا بخشد. از ابتکارات د یکر این سازمان توده ای تجلیل از روز تاریخی و باشکوه هشتم مارچ است که برای نخستین بار این روز تاریخی به سرپرستی زن مبارز، آگاه و قهرمان ها دوکتورس اناهیتا راتب زاد در سال ۱۳۴۶

برگزار شد .  
این زن مبارز باعهه کوشش ها و تلاش های انسانی و آنکاهی ورزشندگی که خاصه شخصیت پر تپش اوست در ظرف یازده سال و نیم در چهت احیای حقوق زنان محروم کشور محبوب جد و چید خستگی نایدیر را قبول نموده منعیت حامی، پاسدار و سپاهی حقوق زنان لحظه آرام نداشته است و در همه حال و احوال پیشایش صفوی زنان روزنهده و پیکارگر درخش آزادی زنان را در اهتزاز درآورده و آنرا همچنان با صداقت و ایمان داری و عشق به زن و وطن و مادر وطن برافراشته در گفت نگهدارنده است افتخار بزنان مبارز افغان واز جمله بربزن مبارز و انقلابی دوکنود س ، اناهیتا راتب زاد .  
سازمان دموکراتیک زنان افغانستان در روند

دروخت سیطره ظالمانه استبدادی و جبارانه  
ظاهر شاهی نهضت های انقلابی در هر گونه  
وکنار کشور اوج میکرفت و عران پر باز تر  
می گردید و با انتشار وسر بلندی در فرش بیکار  
طیقاتی را در اعتراض درآورده و خط طا صل  
میان نیرو های انقلابی و ارتقایی را روشن  
تر و عمیق تر ترسیم می نمود .  
باشکل گرفتن واوجگری نهضت ملی و انقلابی  
افغانستان در تحت رهنمایی های حزب  
دموکراتیک خلق افغانستان سازمان عا و  
اتحادیه هایی مبارز و پیکار جوی صنفی سکل  
میگیرد و بوجود می آید . دلیرانه و قهرمانانه  
علیه استبداد ، ارتقای و قدرت نمایی ها قدرت  
های استعماری به مبارزه نگرم  
برداخته و بدون هراس و دلبره گی ضریب  
شدید و پیش به دژاهنین دشمن وارد می آورد  
که انقلاب پیروزمند و رعایتی بخش نور حزب  
دموکراتیک خلق افغانستان بصورت مستقیم  
به آن ارتباط دارد در پهلوی سایر سازمان  
های توده یی مانند سازمان های کارگران  
دهقانان و سازمان های صنفی اشتار زحمتکش  
که عمه و همه در اثر رهنمایی عا و رعبی  
سودمند حزب دموکراتیک خلق افغانستان  
نهادگذاری گردیده سازمان دموکراتیک زنان  
افغانستان این گردان پیش افتگ و انقلابی  
هزان افغانستان مبارز و انقلابی به تاریخ  
هشتم چوزای ۱۳۴۴ یعنی پنج ماه پس از  
تأسیس حزب دموکراتیک خلق افغانستان  
بنیان گذاری شد این سازمان رزمته و انقلابی  
بوسته در خدمت زنان زحمتکش و تحت

## بە افەتھار كنگره

## سہو قاسوی ذفان

مادرچه فدا بی عجیبی است  
از خود گذرد برای فر زند  
مادر دل و جان وزند کی را  
با مهر کند فدای فر زند  
ای کودک دلنشین زیبا  
وی نو گل زند گانی من  
گرسن بد هم نمی سپا رم  
یک لحظه ترا بدست دشمن  
گر پشه به صور تت نشیدند  
از جای پرم شوم دگر گون  
آخر چه تحملی که بینم  
رفتی تو میان آتش و خون  
گر چشم هرا کنند از جای  
گر قلب هرا کنند پاره  
حاضر نشوم که شعله جنگ  
آتش زندت به گاهواره  
چون من همه ما دران گیتی  
دارند رجنگ نفرت و ننگ  
ای لعنت ما دران دنیا  
بر هر که فروزد آتش جنگ

ژاله

چون صفت آهین از این واژ حقوق آنها دفاع  
خواهد کرد .  
این سازمان هرگز نخواسته فقط گارد  
نشریاتی و نمایشی باشد بلکه هرجا که به  
زند حقوق انسانی زن جلا رو داشته شده  
اوایش را بلند نموده با ایمان داری و پایداری  
محکم و تزلزل نایدیر از زنان و نوج کشیده ها  
پاسداری و حمایت نموده است .  
اکنون که مبارزات صادقانه و انسانی مردم  
افغانستان هنجهنه زنان بیکار جبو حماسه  
فرین شگوفه هایی به بار آورده و انتظار میوه  
شیرین آنرا در پرتو پیروزی های القاب  
عمیق و دموکراسی و مردمی تور که به پایمردی  
اردوی دلیر و رهایی بخش و پشتیبانی مردم  
ازاده افغانستان به پیروزی رسیده داریم .  
آرزومندیم مردم و تعجبیده و به ویژه زنان  
جطا کشیده ها از پیروزی های مرحله نوبن  
انقلاب تور بستر مستفید گردیده و دو  
پیشاپیش آنها سازمان دموکراتیک زنان  
افغانستان در راه اعمار جامعه نوبن و فاقد  
از رنج و درد و جامعه شگوفان و عاری از هر  
گونه تشویش و نگرانی خاطر به اختخارات زیاد  
نابل گردد .  
واکنون که سازمان دموکراتیک زنان  
افغانستان در استانه تشکل و سازماندهی

انقلاب این خطة باستانی تاییرخویش را العالانه بعجاگذاشت و تا سرحد نجات کشور و مردم از فقر و بدیختن جبل و بیسواندی صدعاً و هزارها ظلم و بی عدالت اجتماعی گام به گام یافته است ملی و دموکراتیک افغانستان به پیش رفته و با ایمان شکست نا پذیر در عالم موانع را می شکستند به پیش میرفتند و به این پیشوایی ایمان و ایقان داشتند.

البته نیازی به اثبات ندارد که مروج کوتاه و تزرف کارنامه های اتفاقاًی گذشت و فداکاری سازمان دموکراتیک زنان افغانستان هایه خرور و انتخاب همه زنان مبارز و تمام وطنپرستان بوده و لازم است تا تاریخچه مبارزان وطنپرستانه و قبیره انانه این سازمان تدوین در دوره های تاریک و خلقان اور خفاسان

نادری و دادوی باره‌ها مکان ساخت و شناسایی  
سازمان دموکراتیک زنان افغانستان میسر بود  
ولی ارجاع واستعمار بارها مانع ارتباط  
مستقیم این سازمان انقلابی با سازمان عای  
جهانی و بین‌المللی شد با وجودیکه فدراسیون  
بین‌المللی زنان از فعالیت‌ها و مبارزات  
آگاهانه و قبرمانانه این سازمان اطلاعی کافی  
داشتند تا اینکه بتاریخ عفت سور ۱۳۵۷  
سلطنت داود شاه مستبد به همت سر بازان  
دلیر و به رهبری حزب دموکراتیک خلق

شکنجه افغانستان بوده و هر چاییگه حیات  
و کرامت انسانی زن در معرفت خطر فرار داشته  
و با نسبات غیر عادلانه اجتماعی و اقتصادی  
خواسته باینچه‌های ننگین خویش حلقوم این  
جنس نخت رنج و محنت را پشاور ندادی  
آزادی بخش این رژیونه سازمان بلنده گردیده  
و در جهت دفاع این چنین زنان تا یای جان  
به شیارزه برهخاسته است .

سازمان دمه‌گراییک زبان افغانستان در  
شرایط پایه عرصه فعالیت خان اتفاقاًی د  
سازماندهی گذاشت که تحریکات دشمنان،  
در تجهیز و استعمار سیاه و سوگنده خورده  
علیه خلق و مردم و همارزین سرسپرده و اتفاقاًی  
مایه اوجش رسیده بود و هر آن توطنه و حیله  
نازه به کار می برند.

این سازمان آکادمی باطرح برنامه‌های انقلابی و مبارزات پیگیر وظایف وظیرستانه خویش را در بسط و گسترش جنبش‌ها و نیفست از یاد تبرده و ضمن مبارزه مشخص و انسانی در ارتباط با آزادی زنان این نیمة فعال از پیکره اجتماع سخت کوشان وساعی بوده است . سازمان دموکراتیک زنان افغانستان ضمن ایجاد روابط نیک بین زنان و دختران و بسیج ساختن آنها علیه ستم دوگانه اجتماعی شرکت در مقاومت و میتنگ ها و اغترافات عظیم

بعشی پیرامون همکاری های خانوادگی :

# اطفال و کارهای منزل



خالی گند، هازی ظروف را خسته کند زرغو خانه را جاروب کرده و وا گذاردوختی می بینم این کارهارا گرد گیری گند همچنان محمود برای به تهبا بی انجام میدهد خیلی ذرا آوردن سودا ببازار برود. خلاصه عمه حت میشوم و آرزو میکنم یک قسمت زایه اندازه استعداد ایشان بکار این کارها را به من بد هد مکر میگوید دختر این ایجاب مهارت زیاد بکارد.

و ما میخواهیم زندگی یک غا میل رامی گندنشود که از تو سپو و خطای چهار نفری را که مشتمل بر پدر و مادر سرزند مشلا دیگشور شود و یهود و دودختر هشت ساله دوزد به است بشکل دیا لو گ برای خواسته شود آنگاست پدرت بالای من قمر نند گان عزیز تقدیم کنیم: میشود و مرا لتو کوب میکند نشود دختردوازده ساله میگوید وقتی از که با این سهل انگاری یکروزی خدمای ناخواسته زندگی هماز هم بیاشدو مکتب بر میگردم ناگزیر بعد از صرف نان و خواب ویک نفر یعنی مختصر کار توبید بخت شوی.

دختر ک در حا لیکه ازین زندگی مکر می بینم پس از همه، همینکه خیلی نازار است شده بما در میگوید بمنزل آمدم فرصت سر خار یافتن مادر چرا از پدرم کمک نمی خواهید او همینکه بخانه تشریف آورد بالای استراحت و انجام امور میدهد همینکه آرام چو کی می نشیند بایش را با لای پامی اندازد و دستور چای گرم می دهد.

به خواهی هر ک هشت سنه ام همیگاری را محوال نمی کنیم. و فقط این بمن درستور انجام امور میدهد همینکه بخانه تشریف آورد بالای استراحت و انجام کارهای خرد رویزه که ایجاب گشتن و راه رفتن زیاد رامی گند خیلی خسته میشود و آرزو میکنم که ایکاش مادر انجام کار هی دیگر ما نند بخت و پر غذا و تهیه میخواهد و تو قع دار که وی را در کار میگذرد. آنها آورده و از آنها ها کمک و معاونت کنند و یک قسمت از کارهای خانه را آنها به عهده گیرند.

نمیدانم از دست این مادر و دختر چکار کنم بیو سنه در جارو جنجال اند از فرستیکه بخانه می آیم تا وقتیکه خانه را ترک می کنم یک لحظه هم را حت نیستم و قت شام ها خسته و ما نده از کار دفتر بر می گرد و میخواهیم برای چند دقیقه مطالعه کنم می بینم که یکبار آواز خانم از آشپزخانه بلند شده و بعدش یک سیلی محکم بروی دخترم می خورد تا دب شود و تنبیه گردد.

وقتی با خود می آند یشم که همکاران فرزندان شان را به چه نوع به انجام امور و دار میسازند و بخورد ما در برابر اطفال ما چگونه است اما باید این نظر را هم تایید کرد که اگر اطفال به تفریح و استراحت خانه می آمکند. همه تو قع کار و دوندگی را از من دارند، همچرا حت می نشینند و به هیچکاری دست نمی زندگی را از برای زندگی آینده نیز آمادگی داشته باشند و بزرگترها را در پیشبرد امور کمک و مدد نمایند.

باقی دارد

صفحه ۲۹

آیا اطفال در کارهای خانه با امدادان همکاری نمایند؟ عنوان بالای بخشی است جالب که امید است خواهند شد رُزنگار عآنرا نخواهد نگذرد. در خانه ها یکه مستخدم و خدمتگار وجود ندارد خانه نام ناگزیر است خودش به تنهایی تمام کارهای خانه را انجام دهد از آن جاییکه انجام همه کارهای خرد رویزه که ایجاب گشتن و راه رفتن زیاد رامی گند خیلی خسته میشود و آرزو میکنم که ایکاش مادر انجام کار هی دیگر ما نند بخت و پر غذا و تهیه میگذرد. آنها آورده و از آنها ها کمک و معاونت کنند و یک قسمت از کارهای خانه را آنها به عهده گیرند.

در حالیکه خواسته ما در خیلی بجا است مکر در اکثر خانه ها نداشته اند و مخصوصاً پسران عادت به این کار نکرده اند و نمی خواهند به اصطلاح دست به سیا هی و سفیدی بزند بعضی ازین اطفال نازدانه، خواندن دروس و یا سایر مصروفیت های روزانه را بهانه آورده و از کار منزل شانه خالی میکنند ازینجا سرت که بگو مکوهای میان اعضای خانواده خلق شده که سبب اعصاب خرابی و سبب بروز اختلافات میان برای دران و خواهی را می گردد.

در پنجا وظیفه مادران آگاه و حساس است که روز زندگی و کار آنها هی را اطلاع لش می دهد و برای انجام کارها به اطفالش تقسیم او قات کار بدهد. مثلاً حمید سلط خاکر وید را



# کارولان حله ... کارولان

دوشعر ناب از مولانا جلال الدین بلخی

## نفرین به باد

سر سبز و سایه گستره و مغرو رو استوار  
انکشت بر گهای همه در گیسوان ماه  
در آفتاب شسته، تن تر م شاخصار  
.....  
.....  
.....  
.....  
.....  
.....  
.....  
نفرین به باد، باد  
زان سبز استوار،  
بی بر گ و بار شاخه خشکی بجا نهاد  
.....  
ای مرغ بی بهار! که روزی دل‌مرا  
کردی پنا هکا ه شب ساز گا رخویش  
اینک ز چشم بالک تو هم او فتاده‌ام  
تا جسته بی زشا خه دیگر بهار خویش

روزی نکفتی آخر:  
زان ما نده، یاد با د  
زان برگ و بار ریخته و رانده، یاد باد  
دور از منش، زمین و زمان، بر هراد، باد  
سر سبز و جاو دانه و رنگین و شاد باد  
.....  
نفرین به باد، باد  
نفرین بر آنکه رسم ستم رانهد، باد  
نفرین بر آنکه خاطر ه بر باد، داد، باد

محمد ذهري

## داد جاروبی به دستهم آن فیگار

داد جاروبی به دستم آن نکار  
باز آن جاروب راز آتش سوخت  
کردم از حیرت سجودی پیش او  
آه بی ساجد سجودی چون بود  
گردنک راییش کردم گفتمش  
تبیع اوتا بیش زدم ریش شد  
هن چراغ و هرسرم همچون فتیل  
شمع هامی برشد از سر های من  
روز رفت و قصه ام کو ته نشد  
شاه شمس الدین تبریزی مرا

## غرض‌های تیره داد دوستی را

بیا تاقدرحم دیگر بد ا نیم  
که تانگه زیک دیگر نمایم  
کریمان جان فدا ی دوست کردند  
سکی بگذار ماهم مرد مانیم  
غرض‌ها تیره دارد دوستی را  
غرض‌هارا چرا از دل نرانیم  
گنی خوش دل‌شوی از من که میرم  
چرامردہ برست و خصم جانیم  
جو بعد از مرگ خواهی آشتنی کرد  
همه عمر از غمته در امتحانیم  
کنو ن پندار مردم آشتنی کن  
که در تسليم ما چون مرد گانیم  
چو بر گورم بخواهی بوسه دادن  
رحم را بوسه ده اکنو ن همانیم

# کارولان حله ... کارولان

# وَان حَلَه ... كَارِوان حَلَه

## شَبِيهِ خُون

سیلی شوو ... رخ جانب هامون کن  
بر دغم خرد چندی ، کار دل معنون کن  
صد حیف که د انا بی ، فیضی نبرداز عشق  
یک جر عه ازین سا غر ، در کام فلا طون کن  
شور دگری سرد ه ، لیلای دگر بکز بن  
سودای غم مجنون ، از حافظه بیرون کن  
معجون و فازین پس ، منظو ربستان نبود  
افسانه یی دیگر گو ، طرز د گرافسون کن  
کن تازه ز سر عهدی ، باسا قی شور انگیز  
بر کار گه دانش ، تر کانه شبیخون کن  
بی پیر مغان کس را ، معنی نشودرو شن  
بر چهره خود رنگی ، زین باده گلکو ن کن  
صد قی سخن تازه ، زان کان ملاحت گوی  
شور لب ساقی را ، سر لو حمه مضمون کن  
عثمان صد قی

## پیغمبر

سبا وون را غنی شبه بهو تلو  
سپیدی سپیدی دی به چاودیدلو  
تیاری تیاری شوی په تبتدیلو  
وخت را نیور دی شو دامر ختلو  
وخت دخو بو پدو دوینبید لو

غیر دی او خوب دی شور دبلبلو  
غور تی غور تی دی به خندیدلو  
دی غوره ید لی غور نچی د گلسو  
و زمه ورن مه ده په نخید لو  
پشه ننداره ده دبن د گلسو

زه او جا نان یو یود بل غیر کی  
راغی وخت راغی دبیلید لو  
وزو ستنی شیبیه ده دبنکلو لو  
گرانه لحظه ده دیار دتللو  
لو غرن زده شو په غور خید لو

بیلتون چی راغی هر خه بی وران کره  
شهمی می لاوه به بیله بیله  
ویله یی داوه چی رسوانه شی  
دمینی را زی خو نسی کولو  
وه ایته مینه دیتو لو

ستغر

د چنگا بش ۲۴  
کال ۱۳۵۶  
کندھار

## حیات جاودان

هیاد ابزم بوساحل که آنحا  
نوای زند گانی نرم خیز است  
بدر یاغلمت و با موجش در آویز  
حیات جاودان اندرستیز است

اقبال

# دان حله ... کارولان حله

حقیقتاً همتاز و بر جسته شهرت  
یافت اما تا آخر عمر نتوانست نه  
نقش یکفرد واقعی جامعه اش را  
بازی کند و نه فرزندی صالحی  
بجا ماند تقدیم کند.

در اینجا صحنه نی را تو ضیع  
میکنیم که مکارینکو در کتاب بشن  
تحت عنوان ((رهنمای پدران  
و مادران))

نو شته است. پدر خا نواده  
شدیداً هر یعنی است و مادر راسیر  
غم و غصه شده است. دا کتر  
همین اکون ازمعه اینه فارغ  
شد و نظر به میدهد که هر یعنی  
با ید طور عاجل تحت عملیات قرار  
گیرد در حالیکه پسر در برابر  
چنین وضع و حالت پدر ریبتاوت  
دیده میشود نو یسند چنین  
نقل میکند:

((ویکتور از اطاقش بیرون شده  
طرف دروازه جلوی روان میشود  
ما درش از اشیز خانه بیرون شده  
بطرف او رفت و با آواز خسته  
ولرزان به او گفت: ((ویکتور عزیز  
از دواساز معلوم است بگیر که  
دوا تیار شده است... پوشش داده  
شده است... با ید دوا تعیین  
شود....)))

((سر پدر روی بالش پهلو  
خورد و طرف پسر نگریست و  
تبسم کرد. واقعه رقیار بسود  
پدریکه از زخم معده سخت در رنج  
میتبسم و روی بطوف پسر رشید  
و با استعداد خود گشتنا ند.  
مینگریست.

ویکتور روی بطوف مادر گشتنا-  
نده با تبسم و بیتفاوتی جواب داد  
((من این کار را اجرا کرد همیتوانم  
نم من و عدد ملاقات با یک  
دختر دارم. گلید را با خود میبرم.  
((در سیما ی پسر چه تکبر است همیز  
آمیز در برا بر هر یعنی پدر و در  
برا بر تمدن و خواهش مادر مشاهده  
شد اما چون پدر و مادر بچنین  
حرکات پسر خود عادت گرفته  
بودند نه آنها و نه پسر بسا  
استعداد شان بغير عادی بودند  
این بر خورد متوجه گردیدند  
در حالیکه این صحنه نزد حتی  
بیگانگان انتظار آور بود.  
ناتمام



# اطفال امروز

ترجمه عبدالغیاث نو بهار

پیوسته بگذشته

## اطفال قبل از فتن به مکتب چگونه پوشیدند؟

دو سنا ن آن خا نواده در این مرد  
بحث میکردند ولی فایده نداشتند  
دشتند که ارزو داشتند آنرا جامعه بیار آردند. پسر شان در رک  
بحیث یک فرد صالح بیمه ای بجهامه کرد که در خانواده پدر و ما در ش  
تقدیم کنند و تمام عمر به او افتخار او حکم یک ستاره را دارد که  
گذا رد. هر چیز و هر کار از خود  
حدی دارد)) دیگری در جواب  
میگفت )) چرا!

یک پسر نخبه و بی همت است!))  
تمام امور خانه و اعضای خانه  
نواده مقید بدستورات مر بوطه  
این پسر گشتند. گاهی شنیده  
میشد (( خا موش باشید که  
سر و زا در حال تمرین است  
(( خا موش! که سرو زا در حال  
خواب است. ))

شاید در چنین شرایط استعداد  
او نیک اتفاق نکند ولی این  
کافی نیست او بحیث یک عضو  
صالح آیندۀ جامعه بحساب رود  
بلکه چنین شیوه تربیت ممکن  
است اور اتفاق نیست بلکه و یکتو رثای  
در جامه تقدیم کند. در اینجا  
بیجا نخواهد بود که ازو یکتو ر  
کیتو ف قصه کنیم:

در خا نواده کیتو ف همه  
شرا یط مسا عی برای تربیت طفل  
و تقدیم آن بحیث یک عنصر  
مفید بجا معا همیا بود. پدر رومادر  
آن خا نواده دو شر یک زندگی  
موافق، با هوش و فعال بودند



رسامی بهترین ودلیل‌بیشترین مصروفیت اطفال است

# پروردش جسمی و آبدیده کردن اطفال مکتبی

سپورت دوباره از سر می گیرند. این میعاد توسعه دکتورهای متخصص اطفال را معاينه می نمایند بر همه کسانی است که بازی های اجتماعی و سپورت بهترین وسائل صحی و تربیوی برای اطفال بشمار میروند ولی والدین باید عیشه مراقب باشند که طفل شان در این بازی ها از افراط کار نگیرند و تاسیخ خستگی و ذله کی نرسند. درست نیست که طفل تمام روز را بازی فتاب یا هاکی بگذراند و با خود همه روزه چندین ساعتی را در میدان یا سپورت (بدون ترین) سپری کند بر عکس ایست که اطفال باصره شدن شان به یکی حال شاید خستگی و ذله کی به سراغ طفل تان بیاید و نتیجه بدی بدهد: اشتباش خراب، لتو تبل شده، بدبو و بد و همچنان چیز زندگی را از دست بدهد. همانگی شاید در رشد نمو صحت و سلامت طفل اثر نادرست بجالگذارد از این رو در اولین مرحله تقویت علایم خستگی باید به دکتور مراجعه شود و طفل را از انجام همچو ورزش ها ممانعت نماید.

سلامت اطفال اثر بدی از خود بجا گذاشت. بروگرامهای درسی در اینگونه مکاتب شاگردان کمتر به فعالیت های پر تحرک می بردند و این وضع خود سبب آن می شود که بالایی صحت و سلامت اطفال اثر بدی از خود بجا گذاشت. بروگرامی دستگمی بدون قرار گرفتن همه روزه اطفال در هوای صاف و آزاد میسر نیست. شاگردان خود را سال بیشتر از ۲-۳-۴-۵-۶ ساعت شاگردان کلان سال - بیشتر از ۲-۳-۴-۵-۶ ساعت روزانه باید از هوای آزاد تنفس کنند. این زمان باید بقصد گردش و هواخواری، سپورت های دسته چمنی پر تحرک و تمرینات ورزشی بکار برد شده واز آن استفاده بعمل آید.

در زمان اجرای این عملیه که در فوق از آن ذکر رفت طفل باید با نیکر ملبس باشد با آمدن روز های سرد هم باید غسل های عوایی راقطع کرد. این کار را میتوان در زمان زیستنستیک صحیگاهی انجام داد.

بعضی آبیده کردن ارگانیزم طفل در تابستان هم باید از شعاع آفتاب بعیت غسل آفتاب بصورت عمومی استفاده بعمل آید غسل های آفتابی بالای اوگانیزم انسان تائیرات مختلفهای را از خود به چا میگذارد و در برابر اکثر افراد ساری و مکروبهای تائیر قابل ملاحظه ای از خود نشان داده و حالت عمومی صحت طفل را ببیند میبینند. اما در این زمان باید از اختیاط بیشتر کار گرفته شود و به اطفال اجازه داده نشود که مانند اشخاص بزرگسالان شعاع آفتاب را مورد استفاده قرار دهد. در زیر شعاع آفتاب باید به یک بیمامه معین، نظریه سرویس آنها و شرایط صحی شان، قرار گیرند.

قبل از آنکه طفل را به این تعوه آبدینه گردد عادت دعید باید به غسل آفتابی عادت گرده باشد و هر احتمال ابتدا این آنرا گذشتانده پس از آن زیر شعاع مستقیم آفتاب واقع شود. خاصتاً به اطفالیکه در قسمت های گرمسیر زندگی دارند به این امر توجه بیشتری مبنول گردد.

مدت دوام غسل آفتابی باید از ۴۰-۳۰ دقیقه (در الناییکه درجه حرارت در سایه بیش از ۱۸ درجه و باد هم نور زد) تجاوز کند. هرگاه غسل آفتابی را آغاز می کند باید در حدود ۴-۵ دقیقه روزانه صورت گیرد.

بقیه در صفحه ۵۷

پذیست خاطر نشان سازیم که انتحای در حدود ۵-۶ ساعت به ورزش بپردازند. مهره های ستون فقرات در آنده از اطفالیکه در کدام سن و سال طفل می تواند به انواع مختلف سپورت ها اشتغال ورزددور مسابقات ورزش نمی کنند به کثیر مشاهده می شود و همچنان اطفالیکه حسن شناوری و بصری آنها اشراک کند؟ جواب این سوال را میتوان از جدول ۳ دریافت نمود به سپورت آغاز کردن ضعیف است خمیدگی تخته پشت در آنها مشاهده میشود. اگر عدم توازن درقد و قامت در اطفال به مشاهده همیسد. یعنی تخته در جدول ازان تذکر رفته میادرت ورزید. بهتر پشت آنها خمیده کج و یا بکلس عمو از است، با یه نزد دکتور مراجعت شود و در مورد از آنها مشوره بگیرند. وقتی که طفل به خمیدگی تخته پشت سر نکارد. یاشد بیلک های شانه اش بلند می شود، شانه هایش بالا می آید، سینه اش عقب میروندشکم بیش برآمده می یاشد در حالیکه تخته پشت هموار یاشد تمام انتحاهای نورمال طبیعی ستون فقرات هموار بوده و وجود بطرف عقب خم شده شکم کش شده می یاشد.

چنانچه قیلا از آن تذکری وقت که هرنوع اختلالاتی که در امور نشوونمای قامت طفل رونما می گردد ممکن است انتحایی در ستون فقرات و بین طفل وارد کند. انتحای های زیادسبب می شود تا توسط همان قسمت بین کار های که باید انجام گردد اجرا نشود، حرکت ناقص و ناتمام انجام شده، قدم نمی نماید و بسیاری از جنبازات و سیستم های مختلف بین انسان از آن اطمینه می یاشد.

کج شدن مهره های ستون فقرات مستلزم تداوی دوامدار است. آنده از اطفالیکه به همواری تخته پشت بیلا اند باید تمرینات ورزشی و سیستماتیک را بقصد اعاده وسیعیت طبیعی مهره های پشت خوش انجام بدهند. این تمرینات عبارتند از: پیاده گردی، دوش، گرفتن بعضی از اشیای خود و تسویه انشکشان یا وغیره. این تمرینات را میتوان شامل مجموعه تمرینات دیگر روزه ساخت.

شاگردانیکه بصورت سیستماتیک بپردازش می پردازند و خارج از بروگرام های ورزشی مکتب (در مکاتب سپورت وغیره) ورزش می کنند و شد جسمی بصورت همه جانبه برایشان می شود.

والدین باید به خاطر داشته باشند که قبل از آنکه به طفل اجازه داده شود که به کدام نوع از سپورت ها اشتغال ورزد و در تیم های مکتب و یا شعبات سپورت و کلب ها شامل گردد باید با معلم سپورت مکتب و یا دکتور معالجش مشوره نماید که کدام نوع ورزش بیش از همه برای طفل مفید بوده و چنوع تمرینهای را باید در خانه انجام دهد.

اطفال نباید بیش از ۳-۲ مرتبه درین هفت چهت سپورت گردد به مکاتب سپورت و یا کلوب های سپورتی بروند، و هر وقت که انجام میروند

گروه های اطلاعاتی از نظر سن ایام دروس و روزش و سایر اتفاقات ایام روزه ساخت			
سایر اتفاقات	نوع ورزش	سایر اتفاقات	سن اولیه ایکه به ورزش ایام روزه ساخت
گردش طبق	اکرو باتیک	اکرو باتیک	۱۱
گردش طبق	بالکنیا	بالکنیا	۱۲-۱۱
کف کلاسیک و کشندر ایام	کف کلاسیک و کشندر ایام	کف کلاسیک و کشندر ایام	۱۳-۱۰
کف کلاسیک	کف کلاسیک	کف کلاسیک	۱۳-۱۰
پاکند	پاکند	پاکند	۱۱-۱۲
پاکند	پاکند	پاکند	۱۲-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۱۳-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۱۴-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۱۵-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۱۶-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۱۷-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۱۸-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۱۹-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۲۰-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۲۱-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۲۲-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۲۳-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۲۴-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۲۵-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۲۶-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۲۷-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۲۸-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۲۹-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۳۰-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۳۱-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۳۲-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۳۳-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۳۴-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۳۵-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۳۶-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۳۷-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۳۸-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۳۹-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۴۰-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۴۱-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۴۲-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۴۳-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۴۴-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۴۵-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۴۶-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۴۷-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۴۸-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۴۹-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۵۰-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۵۱-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۵۲-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۵۳-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۵۴-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۵۵-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۵۶-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۵۷-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۵۸-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۵۹-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۶۰-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۶۱-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۶۲-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۶۳-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۶۴-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۶۵-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۶۶-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۶۷-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۶۸-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۶۹-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۷۰-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۷۱-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۷۲-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۷۳-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۷۴-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۷۵-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۷۶-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۷۷-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۷۸-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۷۹-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۸۰-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۸۱-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۸۲-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۸۳-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۸۴-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۸۵-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۸۶-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۸۷-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۸۸-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۸۹-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۹۰-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۹۱-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۹۲-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۹۳-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۹۴-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۹۵-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۹۶-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۹۷-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۹۸-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۹۹-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۱۰۰-۱۱
پاکند	پاکند	پاکند	۱۰۱-۱۱</td

# دروزه های رانج رنگ

## وقتی چشم ها حرف میزند

کنند مثلا سر ، روی و دماغ در قسمت فوقانی عنیبه و شش ها در حصه عقبی آن دارای منعکس کننده های مخصوص صشان می باشند . وبه همین ترتیب .... تحو لا تی را که در وضع عضلات پدیده می آیند عضلات آنرا در اثر پیدا یش زده ها لکه هاوسا یز تحو لاتیکه شفافیت رنگ عنیبه را آسیب میرساند به نور ایفا ی وظیفه مینما ینه نقاط افعال خاص بیو لو ژیکی می باشد . دهدوقتی بیما ری حمله میکند عضله که از طریق مرا کز مختلف دماغیه متاثر منظره کشمکش را بوجود اعضا دا خلی بدنه وصل گردیده می آورد . جسم نیروی دفاعی اش را اند در عنیبه هر عضو از ناحیه بحر کت می آورد و ناحیه موردا صبا مخصوص خودها نما یند گی می بت مر ضی ضربا تی رالنتشار میدهد

یکی از ناحیه های عنیبه واقع اند

با اعتماد کامل به تغییرات باتو لوزی

که عضوداخلي بدن رامتائر ساخته بی

میبرند.

طبعا اینجا سوا لی بیدامیشود که آیدار تشخیص مرض کدام است -

هر رخ نمیدهد؟

دکتر رو ما شوف به این پر -

سش چنین پاسخ میدهد : نا حال

این موضوع طور یکه لازم است

انکشا ف نموده واعضا دا خل بدن

بسما تغییرات پتانلو ژیکی بویزه

بعضی تومورها مستقیماً نزدیکه عنیبه

افشا نمی گردد و نه کدام پرسه -

بی را که بادرد توام نیاشد انکما س

مید هد هر گاه مرض خاموشانه

پیشرفت نما ید موردیستکه درمانه

و یا گرده ها سنگ تشکیل شده می

باشد ولی اگر سنگریشه بیدا کند

غشای مخاطی را تخریش نموده

به ناحیه مر بو طشی یک سکنال

نکبت باری را می فرستند که عبا رت

از ایجاد لکه سقید و خفیف در خارج

عملیه و در صورت پیشرفت مرض

لکه تیره رنگ به نظر میرسد . با

گذشت زمان وقتی مواد بیشتری

جمع آوری گردند خواهیم توانست

ساحه تشخیص امراض را گسترش داد

سازیم .



دو موسسه جنیاکو لوزی لینین گرادبه مادر آینده مشوره داده میشود

تشخیص بیما ری بیشتر به تخفیک های نیاز دارند که برای این نظر اینکه بنام گوار و حتی خطر ناک می باشد . پیرو هش های مختلف ناحیه نیز یاد میشود و عبارت از عامل رنگ هنده ایست که در عقب رنگ ذریعه آلات او پیکی باعث ایجاد چشم انسان قرار دارد کروماتو فو - نارا حتی جسمی میگردد . همچنان دستور سی به شش ها نور ایفا ی وظیفه مینما ینه نقاط به منظور بدست آو ردن قطعات فعال خاص بیو لو ژیکی می باشد . دهدوقتی بیما ری حمله میکند عضله که از طریق مرا کز مختلف دماغیه متاثر منظره کشمکش را بوجود اعضا دا خلی بدنه وصل گردیده می آورد . جسم نیروی دفاعی اش را اند در عنیبه هر عضو از ناحیه بحر کت می آورد و ناحیه موردا صبا خیلی جالب خواهد بود .

چشم ها آینه رو و جسم اند : درین اوایل در بساکشور ها محققین به کشف شیوه های جدیدی بنام طرق غیر علنی تشخیص امراض موفق گردیده اند . درین کار در اتحاد شوروی پروفیسر تیودور رو ماشوف آمر دیبار تمثیل طبی و رئیسی کرسی جراحت ویو گینی و لخور ور آمر شعبه طبی بو هنتون دوستی لومبادر ما سکو پیش آهنگ گردیده اند اینها تشخیص امراض را نزدیعه گوش ، زبان ، چشم و کف های دست و با تجربه گرد و آنرا تعمیم بخشیده اند .

سا ینس دا نان مذکور مطالعات پر اگنده شا ترا درین سماحت منسجم نموده و در باره تشخیص وهم تدا وی امراض یک تیو ری جدیدی را بیدان آورده اند . داکتر و لخور باین ار تباطع گفته است :

«با این اصطلاحیکه میکو یند چشم آینه رو حاست با ید پیغما نیم که چشم آینه جسم هم است .»

در عنیبه رنگه چشم بسا علا یعنی مضرنا ندکه در باره آنها اطبای قرن نزدیه چنین اظهار نموده اند :

در رنگ رو شن و صاف عنیبه علامه صبحمندی کامل بوده در حالیکه عنیبه های خیره ولکه دار نتیجه نا خوشی اعضا دا خلی بدنه است . فر ضیه رو ما شو فولخو وردر

بكمک آنها قادر شو ند آ برادر حوار  
لی شان حفظ کرده و با تغذیه شان را بدون آب تامین کنند به این ترتیب آلات ولو از مصاری کیها نسی که فعلا در دسترس بشر است قرار دارد همه ساله اطلاعات جدیدی را در مور دسیارات نظام شمسی، مربیخ، مشتری، عطارد، زهره، وزحل گزارش میدهند. اگر زندگی خارج از زمین بشکل دقیق آن مورد مطالعه قرار گیرد ممکن است جهان بینی مادر قسمت پروسه های زندگی بشکل مشخص آن تا اندازه زیاد تغییر نماید که ازین به بعد بیسو لو ری متوجه علم طبیعی شناخته خواهد شدوزندگی در زمین وقا تو نمندی های آن حالات خصوصی را خواهد گرفت. بانتیجه مسله نبودن شرایط زندگی در سیاره اهای دیگر نظام شمسی اهمیت عالمی عموما مسله مغلق را برای این زندگی بسازی راکسب میکرد و یکبار دیگر



درین منطقه یخچالی مقاومت گیاه های آبی مورد آزمایش قرار می گیرد

فعال در شرایط این سیاره تشکیل می روی شرایط زمین را در برده های دهد، زیرا غرض اجرای این مقصد اجسم حیه تایید میکرد. اینجا لازم است تا بین اجسام حیه و فضای بود که تفحص راه های جدید غرض ماحول تعویض صورت گیرد و ایجاد توا فسق ارگانیزم های زمینی یکتعداد پروسه های مغلق بیو لو. در شرایط سیاره رات دیگر منحیت هدف زیکی و فن. بیو لو زیکی دردا خلارگا. عمدہ بشمار میرفت.

نیزم جریان پیدا کند. برای اینکه اگر فرض شود که در مریخ زندگی وجود این همه ممکن شو ند لازم است تا دارد مسله زندگی در حدود نظم اسلام فضای ما حول ارگانیزم های حیه را شمسی و فضای کیها نی از جواب اقلاب بار طو بست تا مین کنند در منطقی و درست بر خوردار میشود. شرایط مربیخ میکرو ارگانیزم ها باشد قابلیت آنرا داشته باشند تا در سیاره مریخ وجود داشته باشد تحت حرایت های بسیار بند قا. تصور بشر است در مورد زندگی بیلیت رشد شانرا حفظ کنند و اینسا انسانها در سیاره بشکل قابل ملاحظه از ارگانیزم های استفاده نهایند که تغییر میکند.

تشخیص مرض ذریعه کف دست: رایک خط مستقیم جا مدد تقاضع کرده هر یکها هر عضو داخلی بیلن در دیده میشود این نمو نه عضو یک انجمن بعضی قسمتهای بین گوش زبان و بروی جلد ما خواهد شد. مرض شدید قلبی از این می باشد. یکنده داردند اطلاعا تیکه ازین نقاط مخصوصین میتوانند با ینکو نسخه مخا یکه میگردند طبعا خواهد ندان و یا تعییر نمودن آن یک امر دشوار است. بسا چیز هایی اند که تو سطح کف دست انسان فهمیده میشوند از اینگاه درباره ارتباط بین عضلات معلومات کافی داشته باشند مکرر وقت آن دور نیست که پولیکلینیک ها شعباتی را افتتاح نمایند که در آن داکتر بتوانند از اینگاه کردن به زبان، چشم و گف دست مربیخ فورا بیماری اش را تشخیص دهد. در عین زمان متخصصین کشور های مختلفه در نخستین کانگره میکنند که گذشت زمان در آن تغیری وارد نموده و حتی از این شده میتوانند. این خصوصیت بار زیکی از چندین نمونه های اشکال متعدد سلوا کیا تشکیل جلسه خواهد دارد از این کشفیات و تصامیم شانرا مطرح خواهد ساخت.

## اقایم مریخ در شرایط لابراتواری

در اثر تجاری که در بعضی ممایا حیوانات و نباتات در مریخ پیشنهاد شده شده عالمای موافق شد. برده شده ارگانیزم های حیه هر کدام ند تا در شرایط لابرا تو ری بطور از خود خصوصیات علیحده نشان می مصنوعی اقلیم مربیخ و منا ظر آنرا ایجاد دادند. مو شهای صحراء بیو لو زیر نده هابعد از چند تا نیمه زندگی شان را پوشیده رایک گرد و غبار سرخ «تصویر» بین المللی درباره تشخیص غیر عینی از ۱۹۸۰ در چکو از چندین نمونه های اشکال متعدد سلوا کیا تشکیل جلسه خواهد دارد از این کشفیات و تصامیم شانرا مطرح خواهد ساخت.

در اثر تجارتی عینا ما نند از تقاضای کیلو هتری رقیق ایجاد میگردد و فضای آن روزا نه تامشیت بیست درجه چندانی نداشتند. اکثر نباتات قابلیت تکثیر را از خود نشان ندادند اما سیاره ای اینکه یک داغ و شبا نه سرمای سیار یک داغ و شبا نه سرمای قطب حکمران میشود. بسیار زودی با محیط توا فق حاصل در نتیجه آزمایشات بیو لو زیر کردن، مکروبها در فضای مریخ یکی که غرض تثبیت شرایط زندگی بطور قتنا عت بخش نموده تکثیر میگردند.

اجسامی کشف شده که در سرمای قطب بالزندگی و فعالیت شان میپردازند. طبق مطابع این که صورت گرفته در طبقه ضخیم بین در قاعده دو صندوق و پینجه کیلو هتری قطب جنوب تا عنوز گیاه های آبی والجی ها موجود دیت شانرا حفظ کردند. بیو لو زیر جست ها درین محل به کشف بیست و پنج نوع با کتریا، بیست این الجی هادر ارتقای (۵۰۰۰) نوع حیه یک حجره بی و پنج نوع متري پاهیز زندگی دارند.



یکی از بهترین داستان های سامرست موام

# مردیگه از او بدهم بیا آلا !

قبل از آنکه «ماکس کیلادا» را آنوقت بدون آنکه او را تعارف بشناسم و یا به بینم، می دانستم نمایم، یک چوکی گرفته و روپروریم از او بدم می آید. جنگ تازه به پایان نشست. من سرخودرا بلند نموده رسیده و مسافرت باکشتن های اورا نگاه کردم و گفتم: مسافر بردار خیلی مشکل و طاقت - آری، گمان می کنم ما هر دور فرسابود. انسان فکری را که بتواند یک اطاق جاگزین شده ایم. به راحتی سفر نماید، با یبدبور گفت: - آری، من خیلی خوشبختم از نشستم، من کارت بازی را کنار گذاشت، اما اکنون فکر کردم که دیگر کافی با او صحبت کرده ام و دوباره شروع به چیزی داشتم. مخصوصاً در هنگام صرف غذا مارا خیلی اذیت نمودم. ((کیلادا)) بدون چون و چرا گفت: - سه تایی را با لای چهار تایی بگذارید! هیچ چیزی اوقات انسان را در انسای بازی ورق چنان تلح نمی سازد، مثل اینکه شخص دیگری قبل از آنکه خود انسان در آن بازه فکری کرده باشد، به آدم بگوید اینطور کن و یا آنطور. - بله، بله، بسیار خوب، بسیار خوب... ده تائی را با لای غلام بگذارید. با قیر و نفرت در قلب خود نسبت به این مرد، ازورق بازی دست کشیدم و آنها را به کنار گذاشتم اما او ورق ها را گرفته گفت: - از چال بازی، باقطعه خوشتان می آید!

من جواب دادم:

مادام ((رامسای)) زن کو چک چرا ازان خیلی بدم می آید. - خوب اهمیتی ندارد. من فقط وظیفه یک چانس برایتان نشان میدم هم شوهرش در قونسلگری چندان پول اما عوض یک چال، سه چال نشان خوب در نمی آورد، خیلی ساده داد. برای اینکه از دست او رها بی لباس می بوشید. اما چون در انتخاب لباس های ساده خود، سلیقه و ذوق یابم، گفتم:

- من به سالون غذا میروم، تا عالی داشت، این سادگی لبا سر زیبایی اورا دو چندان می ساخت.

اما او اظهار کرد:

غذا، صحبت بالای مر وارید آمد در آن روزها در روز نامه ها ورژناید، همواره صحبت از مرواریدهای تقلیبی و مصنوعی بود که جایانی ها می ساختند و دوکتور گفت که انتشار این اصلی را از بین خواهد برد، زیرا این مروارید های مصنوعی خیلی عالی ساخته شده و بلکه صورت تکا مل را به خود گرفته اند.

((کیلادا)) چون عادت داشت در هر سخن خود را شریک کند و از هر موضوع که سخن به میان آید، خود این باره نمی کرد که من خواهان را استاد موضوع نشان بدهد، اکنون هم راجع به مروارید سخن

شخص بیکانه ای بدو ن اینکه در اول اسم من کلمه (مستر) را اضافه کند، هر ابا آن خطاب نماید. اما (کیلادا) کو چکترین اهمیتی هم به این موضوع نمیداد و بی هم از استعمال آن خود داری می کرد، به این صورت آخرین سمباتی من نیز برای او از بین رفت.

هنگامی که او در مقابل من در رویش نیز می گفتیم، اما این عنوان را به صورت یک تعريف و افتخار می پنداشت. مخصوصاً در هنگام صرف غذا مارا خیلی اذیت نمود. ((کیلادا)) بدون چون و چرا گفت:

- سه تایی را با لای چهار تایی بگذارید!

هر چه من خوش ندارم که صحبت و همراهی او نیستم و در اکنون

آنوقت بدون آنکه او را تعارف بشناسم و یا به بینم، می دانستم نمایم، یک چوکی گرفته و روپروریم از او بدم می آید. جنگ تازه به پایان نشست. من سرخودرا بلند نموده رسیده و مسافرت باکشتن های اورا نگاه کردم و گفتم: مسافر بردار خیلی مشکل و طاقت - آری، گمان می کنم ما هر دور فرسابود. انسان فکری را که بتواند یک اطاق جاگزین شده ایم. به راحتی سفر نماید، با یبدبور گفت: - آری، من خیلی خوشبختم از نشستم، من کارت بازی را کنار گذاشت، اما اکنون فکر کردم که دیگر کافی با او صحبت کرده ام و دوباره شروع به چیزی داشتم. مخصوصاً در هنگام صرف غذا مارا خیلی اذیت نمودم. ((کیلادا)) بدون چون و چرا گفت:

- سه تایی را با لای چهار تایی بگذارید!

هر چه من خوش ندارم که صحبت و همراهی او نیستم و در اکنون

((رامسای)) رو بزن خود نموده گفت :

- عزیزم ، گردنبندت را باز کن و برای مستر ((کیلادا)) بده و بگذار آنقدر که دلش می خواهد ، آن را به بند و معاینه کن .

مادام ((رامسای)) لحظه‌ای توقف کرده و بعد دستان خود را به زنجیر گردن بند برد و بعد از مکثی آنها را دوباره فرو آورده گفت :

- من نمیتوانم زنجیر آن را باز کنم ، اما قراری که گفتم ، قول من کافی است .

من دفعتاً حسن کردم که کد! م واقعه بد وغیر متربه ای به وقوع خواهد پیوست .

اما نمیدانستم چه واقعه ای!

((رامسای)) از جای خود بر خاسته گفت :

- بگذار من آن را باز کنم . آنوقت مروارید هارا از گرد ن مرمرین زن زیبای خود گرفته ، به دست ((کیلادا)) داد . ((کیلادا)) یک ذره بین مخصوص جواهر شنا سی را از جیب خود بیرون آورده و مر- وارید هارا بدقت ملا حظه کرد . بالا-

خره تیسم مظفرانه ای بر لبان و صورتش نقش بست . بعد گرد ن بند را دوباره به ((رامسای)) داده و در حالیکه میخواست سخن بزن دفعتاً نگاهش بصورت ما دام ((رامسای)) افتاد . صورت این زن باخته بود و مانند چیزی بود که انتظار میرفت هر ثانیه بیهوش شود و به زمین بیفت .

((کیلادا)) سکوت کرد و صورتش را رنگ قرمزی فراگرفت . انسان می توانست جدالی را که باو جدان خود می نمود در وجنا تشن بخواند بالاخره سکوت را شکسته اظهار کرد :

- من اشتباه کدم . مر واریدها بدل و مصنوعی اند . اما بآندازه ای زیبا و استادانه تمیه شده اند ، که من تا آنها را بازره بین مخصوص صن جواهر شناسی ندیدم ، گمان می کردم اصل باشند و هجده دolarی که برای آن پرداخته اید ، نهایت قیمتی است که باید برای آن پرداخت .

((کیلادا)) بعد از ادای این جملات کیف چیزی خود را برآوردمو بیک بازگشت بقیه در صفحه ۵۷

((رامسای)) که هنوز نیسم مسخره میدانی و مطمئن هستی که گرد ن بند بدل و تقلیبی است . نمیتوانی شرط بندی کنی .

- آقای ((کیلادا)) تعجب نکنید اگر من به شما می گویم که این گرد ن سبی است که آقای ((کیلادا)) بدست من میدهد تا صد دolar بپرم ، من از مسافت ما از نیویارک از یک فروشگاه به قیمت هجده دolar خریده است .

((کیلادا)) اندکی قرمز شده گفت :

مادام ((رامسای)) بعد از وقفه ای ادامه داد :

- اما چطور می توانید اثبات کنید نیستند ، بلکه بهترین گرد ن بندی است که من تاکنون از نوع این مروارید هادیده ام .

- آیا شرط می بندید ؟ من با شما صد دolar شرط می بندم که این مروارید ها تقلیبی و بد ل هستند .

- من صد دolar شرط بندی تان را قبول دارم .

بدون چون وچرا حقیقت را برا یتان می گویم . باختن صد دolar برای من چندان اهمیتی ندارد .

((کیلادا)) اظهار کرد :

- بگذارید من گرد ن بند را به بینم ، اگر حقیقتاً مصنوعی باشد ،

در این وقت مادام ((رامسای)) با تیسم ضعیفی روبه شوهر خود نموده وبالجهه ملتمسانه ای گفت :

چندان اهمیتی ندارد .

رامی داشرو ع کرد و تشریحاً تی را که راجع به شناسایی یک مر وارید لازم است بیمداد . بالاخره چون ((رامسای)) همیشه بر خلاف سخنان او را تایید می کرد ، ((کیلادا)) به هیجان آمده و به غصب دست خود را بالای میز کوبید و گفت :

- آخر من باید بدانم که راجع به چه موضوع صحبت می کنم . من اکنون که با این کشتنی مسا فرت می کنم ، عازم جایان هستم تا نظری به تجارت مر وارید در آنجا بیندازم من خودم تاجر مروارید هستم و هیچ داشت تاسخانی را که من را جمع به مروارید شناسی وجود نخواهد نماید وهم هیچ شخصی وجود نخواهد داشت که یک مر وارید مصنوعی بسازد و من که مسلک و وظیفه ام مروارید شناسی است ،

نظری به آن بیندازم و فوراً ندانم که آن مروارید مصنوعی و تقلیبی است . ((کیلادا)) بعد از ادای این جملات اشاره ای جانب گرد ن بند مروارید خانم ((رامسای)) نموده اضافه کرد :

- خانم ((رامسای)) من برای تان اطمینان مید هم که گرد ن بند مر وارید شما هیچ وقت یک (سنت) هم از ارزش اصلی و کنونی خود نخواهد باخت .

مادام ((رامسای)) از شنیدن این کلمات اندکی قرمز شده و گرد ن خود را زیر یخن پیرا هنش فروبرد . اما ((رامسای)) نگاهی جانب ها فگنده تیسم مسخره آمیزی بر لب اش نشانش بست و در حالیکه دید گانش برق می زد ، گفت :

- گرد ن بند خانم من حقیقتاً که خیلی قشنگ است ، آیا همینطور نیست ؟ ((کیلادا)) فوراً جواب داد :

- البته ، من درنگاه اول با خود گفتم ، این مروارید ها اصل و خیلی قشنگ و گران بیها هستند .

من خودم این مر وارید ها را نخریده ام ، اما خیلی میل دارم بدانم که به عقیده شما قیمت این گرد ن بند چند است ؟

- قیمت این گرد ن بند در بازار تقریباً پانزده هزار دolar است . اما اگر آن را از جواهر فر وشی های (اوینوی بنجم) نیویارک خریده باشید ، جای تعجب نیست که دو چند آن یعنی سی هزار دolar برای آن پرداخته باشید .





# مسابقات انتخاباتی خزانی والیبال و باسکتبال کابل با موفقیت کامل خاتمه یافت

راپور از: عبدالکریم «لطیف» :

## مسابقات انتخاباتی خزانی والیبال و باسکتبال کابل با موفقیت کامل

### خاتمه یافت

مسابقات طبق قوانین و مقررات  
مطروحة و مطابق به برنامه ترتیب  
شده در جمنازیوم یوهنیون با علاقه  
مندی ورزشکاران و علاقه‌گیری تعداد  
بیشتر ورزش دوستان آغاز شده و  
در مراحل مختلف تحت نظر هیأت

دور اول :  
مسابقات خزانی فعال تیم‌های منتخبه کابل به سر انجام خود  
رسید

موظف پیش برد شد .  
در پایان دور اول مسابقات  
والیبال از جمله هشت تیم شرکت  
کننده، تیم‌های پو هنخی های  
زراعت ، طب ، حقوق و انجمنی به  
دور دوم مسابقات پیش آمدند  
همچنان در ختم دور اول مسابقات  
با سکتبال تیم‌های پو هنخی های  
انجمنی ، علوم ، ادبیات و طب با  
کسب پیروزی های بیشتر نسبت  
به دیگر تیم‌های شرکت کننده موفق  
شدند به دور دوم مسابقات قدم  
پذارند .

جدول نتایج دور اول مسابقات  
والیبال نشان میدهد که تیم پو هنخی  
زراعت در سه دیدار خود (بدون  
باخت و مساوی) باداشتن شش  
امتیاز به حیث تیم اول به دور دوم  
مسابقات پیش آمد . تیم پو هنخی  
حقوق در سه مسابقه ایکه انجام داد  
باد و برد و یک باخت به حیث تیم  
دوم، به دور سیمی فاینل مسابقات  
گام گذاشت .

از گروه ب چهار تیم شرکت  
کننده دور اول ، تیم پو هنخی طب



بازیکنان پر نلاش هیچگاه از سرعت بازی شان برای کسب نتیجه دست نمیگیرند



صخره از مسابقات والیبال

تادر جریان این را محول نمود . تادر جریان این مسابقات از هر کونه بی نظمی ها جلوگیری کنند.

در مسابقات انتخاباتی که قبل از نیمه رویداد از طرف ریاست ورزش دایر شده بود تیم پو هنرمند کابل با تلاش بیکری شان موفق شدند کپ قهرمانی آن مسابقات را مال خود سازند ، تیم داغستان بانک در مکان دوم و تیم هندو کش در مکان سومی جا گرفتند .

این مسابقات که بعد از کوتاه مدت مسابقات انتخاباتی شکل گرفت تیم های شرکت کننده با جایجا نمودن بازیکنان بر اثر زی و برهمهارت شان تلاش آنرا دارند تا در بالای جدول جا بگیرند البته جدول دور اول که بعداز آن مرا حل سیمی

مسابقات خزانی فتبال تیم های الف کابل بایان یافت .

یعنی مدعی کسب عنوان قهرمانی ورزش دوستانه جمیع مطالع پیش آمد . تیم پو هنرمند که مسابقات آزاد فتبال خزانی باشکت بازیزده تیم الف موسسات بردویک مساوی توانست به دور دوم وکلیهای آزاد کابل چندی پیش از طرف ریاست عالی ورزش و کمیته ملی المپیک در ستديو ورزشی ملی کابل دایر گردید .

درین مسابقات تیم های پو هنرمند کابل ، قوای مسلح ، اکادمی خار - ندوی - داغستان بانک ، بامیر مربوط وزارت ترانسپورت ، اتفاق کابورا - آریا - آمو - اتحاد - کارگر هندوکش - سبور - میوند ولله ها شرکت نمودند تیم های مذکور در سه گروپ تیمی دسته بندی گردیده مسابقات شانرا طبق قوانین وضع شده اداره برگزاری ریاست ورزش از سر گرفتند .

اینبار مسابقات به کونه کاملاً متفاوت نیست به رویداد های در شماره آینده تیم های پیشقدم گذشته اختار گردید اداره برگزاری مسابقات دور اول و دوم را برای این مسابقات علاوه بر توضیح برگرام و مقررات ده تیم های شرکت کننده کمیته حکما ن ، نظم و دستیلی را تعین و به آنها وظایف جدا گانه بی فضال گشوده اند که ارش میدهند :

درسه مسابقه برندگان گردیده باشتن شش امتیاز به حیث تیم قهرمان مسابقات دور اول ، به دور دو مجاہر گرفت .

تیم پو هنرمند انجمنی در دیدار های دور اول بادو برد ویک باخت و داشتن چهار امتیاز وارد مرحله سیمی فاینال مسابقات گردید .

در مسابقات با سکتیبال که تیم های طب - حقوق - ادبیات و علوم بشری - ساینس - زراعت و تیم

طب اشتراک داشتند آنان در دور گروپ چهار تیمی دسته بندی گردیدند طوریکه در گروپ اول تیم

های پو هنرمند های انجمنی ، الف طب - ب طب و حقوق ، در گروپ دوم ، تیم های ادبیات و علوم بشری ساینس - حقوق و زراعت بودند . که

در پایان دیدار یهای دور اول از گروپ الف چهار تیم شرکت کننده تیم الف پو هنرمند طب ، یا بیرونی شان درسه مسابقه ویک مساوا در

صدر جدول قرار گرفته به دور دوم مسابقات قدم گذاشتند . تیم پو هنرمند انجمنی با عین نتیجه گیری به دور

دوم مسابقات بیشتر آمد . از گروپ دوم چهار تیم شرکت کننده ، تیم پو هنرمند ساینس با بیرونی وزیر شان در چهار مسابقه داشتن امتیاز



لحظه از نبرد دو پهلوان برای کسب انتخاب

افغانستان و اتحاد شوروی که در موسسه ملل متحد را جسته گردیده و با ماده (۵۱) اساسنامه سازمان ملل متحد و فقیه دارد، بنا بر درخواست حکومت افغانستان به منظور دفع تجاوز محاذل امپریالیستی امریکا و پاران جنایتکارش، وظیفه انتظام ناسونا لیستی خویش را انجام داد.

عساکر اتحاد شوروی مانند دوستان مطمئن و وفادار به خاطر آنکه خلق افغانستان رادر مبارزه بر حق و نجیبانه برای حفظ مصوّنیت سرحدات مقدّس می‌بینند، و همچنان تامین حاکمیت افغانستان گردیدند. اتحاد شوروی تنها خواستار برقراری صلح باید از و آرامش در منطقه، قطعه تجاوز علیه افغانستان، تامین و حفظ آرا مشتمل بر عنوانی در سر حدات افغان و شوروی این سرحدات دوستی و حسن هم‌جواری می‌باشد.

(اتحاد شوروی قطعاً محدود خویش را از افغانستان زمانی بیرون می‌کشد که عواطف که باعث وجودیت شان گردیده است ازین بروز و حکومت افغانستان موجودیت بیشتر آنها را لازم نداند.) (آنچه مربوط به شرایط خروج قوای دوست از افغانستان است این شرایط به همه خوب واضح است.)  
خلاصه اینکه: اتحاد شوروی در دفاع از حاکمیت و استقلال ملی کشور تمامیت ارضی و حفظ دست آوردهای تاریخی انقلاب نور افغانستان به منظور خوش ساختن دشمنی، توطئه و تحریکات دشمنان سوگند خورد آزادی بشریت که به فعلیت ابلهانه جنون آمیز و هسته ریک علیه مردم سر بلند، آزاد و پرگرور افغانستان دستیت یازیده اند تا سرحد قربانی جوان ترین استعدادها و نیروی انسانی خویش در کنارها ازدارد. دوستی فزاینده افغان-شوروی خدشه ناید بر بوده واز بتوان آزمایش زمان باختکنی، سر فراز و پیروز مند بدر آمده است. هرچله توین و تکامل انقلاب ملی و دموکرا-تیک نور بیش از هر وقت دیگر زمینه این دوستی و همکاری را تقویت بخشید.

و سنگاپر سیاست خارجی خویش اعلام داشت.

اتحاد شوروی با در نظر داشت تاریخ درخشناد میان سیاست دوستی و همکاری افغان شوروی، برای تحقق آرمان‌های بزرگ انقلاب ملی و دموکراتیک ریک کشور مساعدت های مادی و معنوی خویش را با کیفیت و محتوای جدید بمنظور

اعمار جامعه شکوفان و سعادتمند و تعکیم استقلال و حاکمیت ملی وطن واحد و مستقل ما، بطور گسترده و پیکر با ما هیئت انسانی و بیغیر ضانه که عامل مهم و حیاتی

بروژهای که در ایجاد و تطبیق

عملی آنها، اتحاد شوروی سهم ارزشمند و برازنه داشته است. ((بعنوان مثال میتوان از دستگاه بزرگ بر ق آبی نفلو، غار بر یکه جنگلک، سیپوها، کارخانه‌های تصفیه گاز، کشف واستخراج معدن نفت، کود کیمیا-وی مزار شریف، فارم‌های زراعی هده و غازی آباد، بولیتخنیک کابل... نام برد.))

تفحصات نفت و گاز مناطق شمال کشور بین دولتین عقد گردید و نتایج سودمندی ببار آورد.

بتاریخ (۲۰) جولای سال ۱۹۶۴ (موافق تاریخ مربوط به تنظیم مشترک استفاده جامع از منابع آب و برق سواحل و آمویزین دو لیتن افغانستان و شوروی به اضافه رسید).

موجز اینکه: مطابق به نورم‌ها و معیارهای قبول شده بین‌المللی، طی بیشتر از (۶۲) سال خصیص عده و اساسی همکاری مفید و متقابل شوروی با افغانستان بدون کوچک‌ترین قید و بست سیاست بوده و غالباً بودن میان سیاست و کمک‌های آن کشور را با مردم افغانستان اعطای قررض طویل‌المدت عاری از غرض تعیین می‌کند.

اتحاد شوروی بر بنیاد تعهدات، معاہدات و قراردادها منعقده با

افغانستان که بر اساس تساوی کامل، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، دوستی و احترام متقابل... استوار می‌شود. بخاطر استحکام و تقویت استقلال، رشد اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی مردم، وظایف بزرگ همکاری، مساعدت، کمک‌های سودمند و فعالیت پیروز مند را خالی از هر گونه دریافت منافع استثماری عمل انجام داده است. ((در افغانستان

به همکاری اتحاد شوروی (۷۱) بروژه‌ای که امروز بنا بر مستحبک رشد صنایع عصری زراعت را در کشورهای پیزی نموده اعمار گردیده است.))

طی سالیان دراز دوستی، اسلامی، همکاری و مسایع اندیخته اتحاد شوروی سو سیاستی با مردم افغانستان مطابق موافقنامه ها و پلان‌های علمای تنظیم شده در چیمت بسط و گسترش رشته های اقتصادی کشور، که یادت ها برای اعمار (یک تعداد ساختمان های بزرگ این زیکی، صنعتی، ترانسپورت و بروژهای زراعی عده تین کشند) رشد آنها را در شرایط انتقالی جنبش‌ها و نیروهای اقتصادی کشور در دور نهای طولانی است....) و گذار گردیده همچنان اتحاد شوروی به مبنای اساس

باقیه صفحه ۲۱

## دوستی ایکه از بو ته آزمون زمان...

برای تحولات اجتماعی آرمان‌های انقلاب تور و دفاع از میهن عزیز ماشمرده میشود، افزایش بخشید.

هنگامیکه تو طنه بزرگ امپریالیستی تلاش داشت دستگاه کثیف خویش را آغشته به خون هزارها انسان بیگناه و شرایط فرمد افغانستان (در وجود امین سفاك و باند تبهکار و فاشیستی آن) سازد و قصد آن بود که سرزمین مقدس مابین چندینیروی غارتگر و توسعه طلب تجزیه گردد و نام کشور افغانستان از اطلسی جهانی محشود، اتحاد شوروی

متکی به معاہدة (۵) دسمبر سال ۱۹۷۸ دوستی، حسن هم‌جواری و همکاری بین جمهوری دموکراتیک افغانستان و متعاقب و حسن هم‌جواری، بخاطر تحکیم دست آوردهای انقلاب شکوهمند تور و بمنظور اعماق را در آغاز

جمهوری دموکراتیک افغانستان متکی به اصول صلحجویانه عزیزی مسلمان از اینکه می‌شود آمیز عده خلقهای تحت ستم جهان، همیستگی انتظامی نسبی ناییستی به اساس تساوی حقوق، احترام عمیق به حاکمیت ملی و تمامیت ارضی، متعاقب بسط و گسترش رشته های اقتصادی کشور، که یادت ها برای اعمار (یک تعداد ساختمان های بزرگ این زیکی، صنعتی، ترانسپورت و بروژهای زراعی عده تین کشند) رشد آنها را در شرایط انتقالی جنبش‌ها و نیروهای اقتصادی کشور در دور نهای طولانی است....) و گذار گردیده همچنان اتحاد شوروی به مبنای اساس

## خاطر ۵

یاد آن روز گار مستی و شور  
هر دو آئینه وفا بودیم  
تادم صبح مست از پاده  
هر دو طومار عشق در گرد ن  
یاد آن هوج بزم و خاطره ها  
هر دو مائل به گفتگو بودیم  
همجو طفلان کنار پنجه ها  
درس عشق و ترانه میگفتیم  
یاد آن روز اولین وصال  
قصه از بزم عشق سر کردیم  
یاد آن خنده های شیر و شکر  
من از آن مست باده بودم  
یاد آندم که هر دو در شب دوش  
مهوش آرای یک چمن بودیم  
مونس و غمکسار و باده بکف  
هر دومان یک گل از چمن بودیم  
بودم امشب به خیال تو معبد عشوه و ناز  
بر تو ها هوش روی تو در یاد آمد  
دل همی خواند سرود تو و شب های فراق  
شاهد من، شب ، قلب من و دیده من  
دل من داد بیا می به تو ای سور و ان  
جز تو برو هیچ دری از بی درمان نروم  
پر درت خیمه زنم همچو غلامان شب و روز  
جان دهم در قد مت از بی ایمان نروم

## گنج جاویدان

میدرخشد نور بر آن ذروه ها، آن کو هسا ران  
نور رنگین ، نور شادی و شعف آگنده با غم های انسان  
کاروان ابر ها ، زیبا ، و لیخو نین نشان  
چون میان لاله گون دیباتن ذ بیای خوبیان  
و آن تسمیم مهر و پیروزی ، میان خار های تشنہ دشت و بیابان  
می سراید اینک اینجا ، میسراید مهر تابان  
می سراید ذره های نور ر خشان  
سمیمهای موجز تاریخ انسان  
می سراید نفمه امید باران  
میسراید اینک آنجا  
میسراید نفمه عشق آ فرین را زندگی را  
این وطن ، این خطه خلد برین را  
زیر پای تانک لرزشی ا ندام زمین را  
میسراید هرگ ک استبداد و کین را  
میسراید تو پیاه طیاره ها، سر باز ها  
خط ز رین میکشید در آ سمان پرواز ها  
می نماید سپاه قهرمان ا عجازها  
وز گلوی تو پ میخیزد چنین آواز ها  
زنده بادا ،  
زنده بادا کشور پوران افغان

شعر از: «سینتا»  
به انتخاب لیلا «رحمه ذی» از قندھار

## خرزان

تو پاکتر ز گل و عطر خوب سریحانی  
به غنچه های سحر ناشگفته سمیمانی  
قسم بدان غم مرموز چهره ات که هنو ز  
بحال زار من همچون بنفسه سخنانی  
خرزان خوش است ترا از خزا نسخن گفتی  
من خران و تو هم آیت خز ا نخوانی  
نوای بلبل شوریده در چمن دگر است  
توبی که بامن هم آواز در گلستانی  
نه چون ملاحظت یاس تو صبع گاهان است  
نه همچون ناله من نای در ناخوانی  
در دن مزرعه خشک سینه گوشش کن  
بجای یاس گل سرخ عشق بنشانی  
اگر چه راه من و تو بسی ز هم دور است  
تو چون طلوعی ومن چو غرو ب میدانی ؟  
سخن زخویش نکویم توان گفتن نیست  
توحال زار دل (آذری) چه برسانی !

# برگزیده هایی از هیان فرستاده های شما

## فریاد

روزیکه ابر یوسیده سنگین  
خورشید را به خویش فرمی برد  
روزیکه آرزوی سترگ من  
در انحنای سینه فرو میمرد  
های های ، گریه ی به هسا  
میخاست شب ، پرنده ی به زمین می  
در پاسگاه رنجبران پسیر  
نور چرا غ رهگذران افسرد  
رفت عفریت شام سانحه می گسترد  
شبیاز نور دیده فرو میبست  
روزیکه گرد زر زفروغ هاه  
دل اندرون لانه ی خود میمرد  
آندم که پیک صبح رسید از راه  
من در غروب پیله خود بودم  
بر فرق کوه سپیده دمید اما  
من در خیال حاله خود بودم ؟

عبداللطیف پدرام  
تابستان ۱۳۵۴

و در تیاتر و سینما و دوستدار سر سخت صلح بوده و همواره در تبرد با سختی هادیده میشد (منفرد و یکرو) از تیاتر برشت در برآیند، در نشانه (المان جدید) در وصف دوستش بخش بخوبی ها وزیبایی ها و ارزش های پوش بجهین نازگی ها نوشت:

## ترقی اجتماعی در قبال کار

دستجمعی

با این ناهمه ساله در اواخر می براتب فشتگر پیشرفت اقتصاد و توسعه مرام های سویا لیست ها از هر وقت دیگر سال می شود گویند در هر طرف خوشی و شعف هوج میزند . در سیاهی هر یک از کیوبانی هاسرور و شادی و در قلب هایشان چاویدانگی و عشق سر شار به مین احسان میگردد و این بخاطریست که کیوبا سال هاست که در قطار ملل مترقی چیان قرار گرفته است . از مسایل را تجربه ، آزمایش و تحقیق میگذرد کار دست چمی و همچنان روابط برادرانه و رفاقت درین سر زمین در مکاتب در حدود ده هزار طفل این کشور با سایر ملل پیش روی چیان در عرصه و نو جوان از کیوبا و سایر کشور های امریکای لاتین و افریقا باقیهم وایدال عای مترقی مجری گردیده اند . کیوبا هم بستگی خویش را با سیاری کشورها اعلام داشته اند . مردمان کیوبا دیگر ارتباط با صلح و ترقی اجتماعی ، موثریست چشمگیری را بیار آورده است در پیلوی سایر قرارداد های نافع ، قراردادهای انسان شدید و مستقیم و رفاقت و کاردست چمیان جمهوری دموکراتیک آلامان و کیوبا یک روند تازه در مناسبات اعلام و خود نیز با سیاری ملل چیان هم بستگی خویش را اعلام داشته اند و در حدود سی کشور بین المللی بار آورده است .

مترقبی جهان ، دنیوزان ، ترس س ، محبیین  
مشاورین خود را به کیوبای قهرمان به اساس  
کمک های انتربیونالیستی گسیل داشته اند  
بیقین امریکای لاتین کنون یک قاره است  
توفنده که در قطار سایر انقلابات مترقبی جهان  
با جدیت کام زده و با ابعاد تفیرات عمیق  
سیاسی و تحقق بخشیدن اهداف عالی  
موسیوالیستی نقش خیلی ها نافع و مطلوب را  
ایفا داشته است . در اثر پیروزی انقلاب  
کیوبای ایشان در نقطه اوج پیروزی های خود  
رسیده که این پیروزی ها در تاریخ این  
سر زمین گام‌های مثال و بی سابقه بوده است  
قدرت های ارتجاعی ، حلقة های امبریوالیستی  
و دشمنان ترقی اجتماعی و مصلح در سراسر جهان  
هر را که علیه کیوبای را گرفتند اماز آجاییکه

بموجب این قرارداد یکی از بروگرام های  
همکاری طویل المدت علمی و تحقیکی و کار  
دستگاهی میان دو کشور مذکور که از سال  
۱۹۸۱ شروع و تا ۱۹۸۵ بروگرام هتلزکره ادامه  
می یابد یک راه اقتصادی جدید راهیان دوکشور  
هموار مینماید ، یکی از شهر های کیوبا که  
به طرف جنوب آنکشور قرار دارد در نظر است  
که به کمک کارگران جوان به یک مرکز صنعتی  
گر بروگرام فوق الذکر بحساب می آید «علاوه  
تولیدات فایریکه سمنت (فوی گون) که در اثر  
همکاری آلمان دموکراتیک صورت میگیرد برابر  
مبدل گردد « این شهر (زیرلاذر) نام دارد  
که کار دستگاهی تولید فایریکه جدید سمنت



ارنست یوش هترمندی که سرو دها یاش ملیون  
ما انسان را بیو جد می آورد.

که بسیار شاد و شانت، و انسانی است

پتأريخ ۸ جون ۱۹۸۰ ده يرلين مرد (۸۰) ساله که از آواز خوانان بزرگ مردمي بود، در گلشت اين هنرمند برآزنشه انقلابي و گمونست گهاز جمله چهره هاي تابناك جهان بحساب مي آيد، ارنست بوش بود. سروд هايش ميليون ها انسان را بوجود مي آورد همچنان يك صدایش سمبل هزاره و عامل نهضت چيش هادر ميان گارگوان انقلابي بسياري گشورهای جهان میتوانست بحساب آيد. موصوف در برگارد بین المللی جنگ هاي داخلی هسپانيابه

هارزه پرداخت و در آن زمان بود که بدست  
فاثیس است ها زندانی گردید و امام پس از رهایی  
خویش آبدینه تر گشت و با هنگوره عالی و

انسانی اش در انسانها امیدواری بیشتر بینندگی نویسن و به مبارزه در آن بخشدید وی صاحب

فراست و عقل و اندیشه عالی بوده است .  
هرمندی های (ارنست یوش ) در تیاتر آلمان  
و در انساپلر ، پلشن و دوبل های را که موصوف

این معرفتی می باشد که در این مقاله آن را بررسی خواهیم کرد.

در میگی از آثار معروف برگشتن نقش  
(کالیلو) را دریافت . با عرض وجود (بوش)  
در تابران آلهان یا کھنعت تازه و نوین غیر از

صنعت کلاسیک و همیشگی آن پیدا گرد.  
در نقش های فلمن برسبیل مثال در فلم

(کول وابیس) در ۱۹۳۲ که در تحت وقیعه  
 (زلاتان دودوف) و (کوترا فورف) روی پرده آمد.  
 در فلم کوئادر (۱۹۷۰) (بوش) تالار

گلشته را که از ناهمکوئی جوامع و ستم های  
گله بالایش آورده شده بود بدست فراموشی

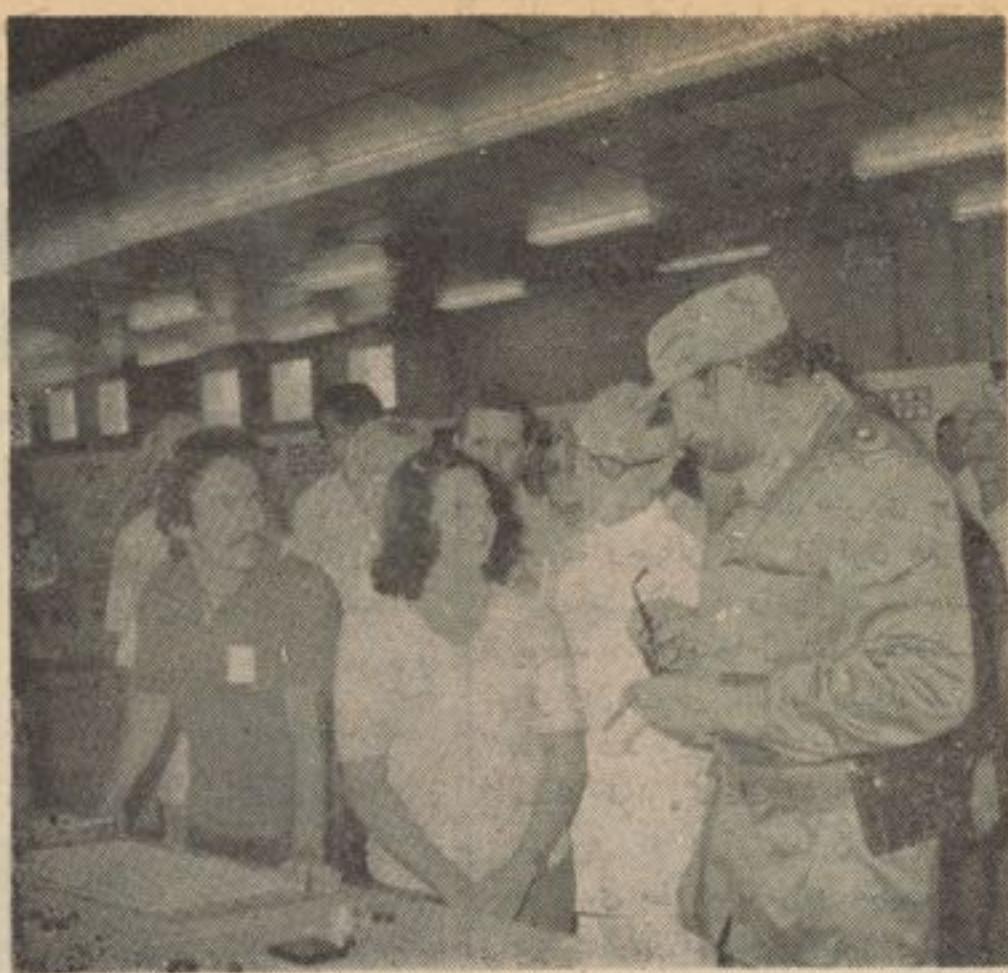
تنقیم و ترجمه: میر حسام الدین برومند

## ارنست بوش یکی از ستارگان

## پروفوچر و جهان ہنر

در گذشت

(مارژاپل) مرکز عمه (کولر) به مبارزه در درسال ۱۸۷۲ پس از سپری نمودن امتحان دکتوری و پیروزی در آن در «فوشتاین» به علم فزیک استغال ورزید. وی در اثر نتایج تحقیقاتی در ساحه باکتریولوژی به تحریک و تشویق غریکدان، کیمیادان و محقق فرانسوی (لوئیز پاستور) موفق گردید تا در اوقات فرالت (میکروبیولوژی) را فرا کیرد و با استفاده از وسائل کمکی موفق گردید که یک نوع باکتری معین را در کوسفندر جینح بدهد. وی نه تنها در مورد پیدایش و انتشار سوزش ارکان های وجودیا مالخولیارا توضیح و تشریح بدارد بلکه همچنان راه های نوادرمانی را برای تحقیق و مبارزه سایر میکریاض خامنه و سراغ نمود در (۱۸۸۰) «روبرت کوچ» متحیث یک مامور صحنی به برلین مقرر گردید جانیکه در آنجا کار تحقیقات و بررسی توپر کلوز آغاز کرد. وی یکجا همراه با همکارانش با استفاده از فرشته «جان اونی قلسن» به غامل اصلی پیدایش توپر کلوز دست یافت و در واقع خدمات شایانی را برای پسر انجام داد. پس از عاهات کار پر از زحمت و تلاش و مشقت در ۶۸۸۱ بدرو یافت عامل اصلی مرض مکروب سل گردید و در واقع پسر را در یک کار دیده از جیان فروپست در دهه نصت امروزیکه در جمهوری آلمان توپر آنیکه در جمهوری آلمان توپر گردید. کلوز خطر ناکترین همیشه باعث اذیت مرض گردیده بود، اما از برکت میتوود ها و روش های درمانی روبرت کوچ دیگر یکلی این مرض با تمامی ارتآش ازین گشود نایدید گردیده است. با آنهم تاسال ۱۹۸۲ یکلی این پرولم ۱۸۸۲ در نتیجه سفرش به مصر و هندسه کمک مبتلا یان یک مرض خامنه سوزش ایجاد نهاده. در قاره که گیوبا قرار دارد بحق گیوبا یکانه کشوریست که در آنجادیگر پیساد وجود ندارد وسیع وجدیت برای هردمان آن امر حتمی بنشانسته میشود. پرولم دقر و گرسنگی در گیوبا حل گردیده و دیگر کسی همیکر هنایی نزدیکتری پیدا نمیکند و در نیست که از فقر و گرسنگی درین گشود بعمرد گیوبا به پرایل های اساسی بایان یغشیده و در مدت کوتاه زمانی در مرفع ساختن پرولم ۱۹۸۳ آلمان دومین کشوری است یا گیوبا مساعده کوشیده است.



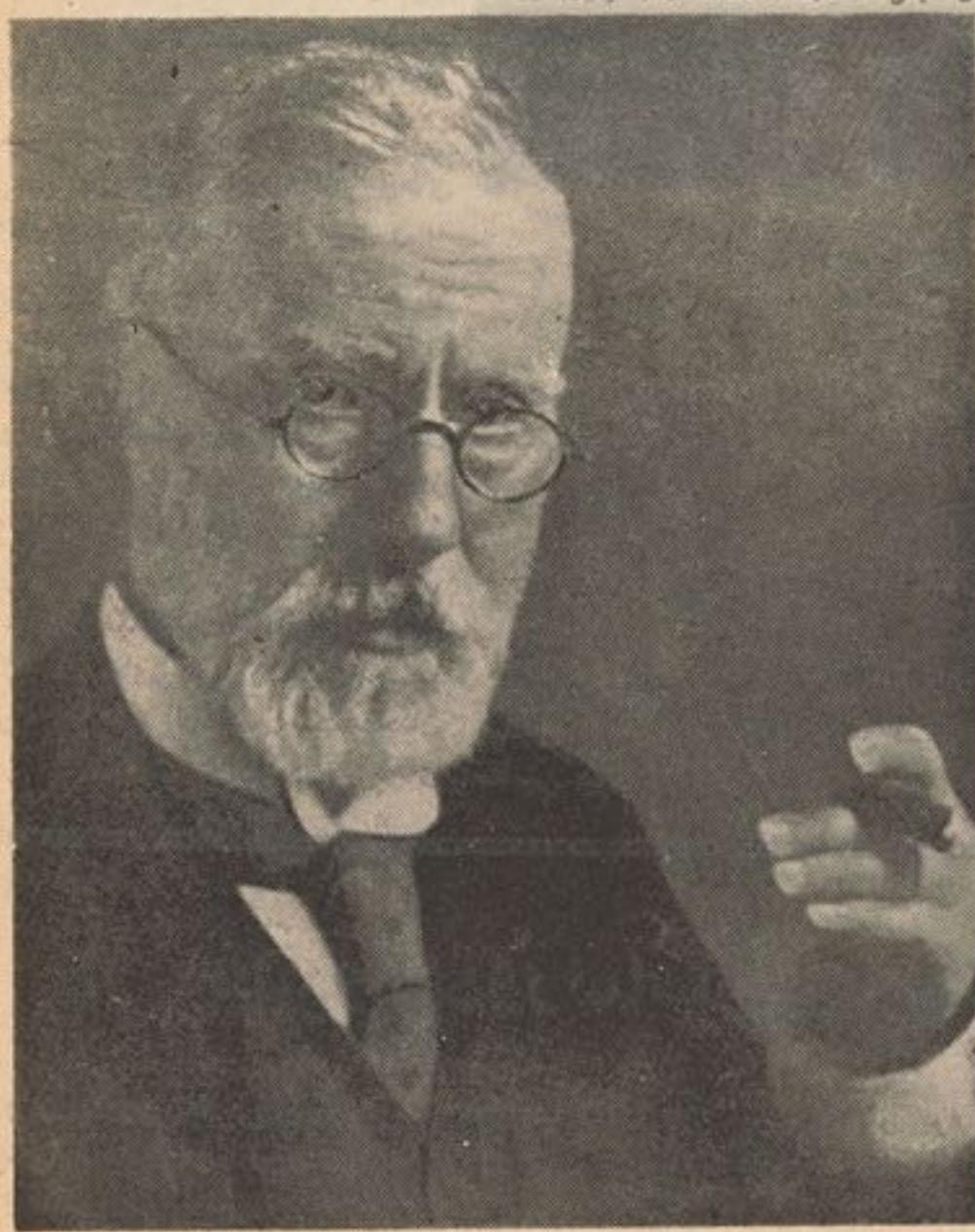
فیدل کاسترو در میان جمعی از کارگران گیوبا گردیده میشود.

امیریالیستی توسعه پیدا گردد است که این گوچکترین سدی در برابر انقلاب نتوانست ایجاد نهاده. در قاره که گیوبا قرار دارد بحق گیوبا یکانه کشوریست که در آنجادیگر پیساد وجود ندارد وسیع وجدیت برای هردمان آن امر حتمی بنشانسته میشود. پرولم دقر و گرسنگی در گیوبا حل گردیده و دیگر کسی همیکر هنایی نزدیکتری پیدا نمیکند و در عرصه پنج سال ۴۶ فیضه پیشرفت امور اقتصادی در گیوبا متکی بر همین اصل است. پس از اتحاد شوروی گیوبا دموکراتیک آلمان دومین کشوری است یا گیوبا مساعده کوشیده است.

## در گزاری هفتاد هیهن سالروز هرگز رو برت کوچ طبیب و دانشمند معروف

نام «روبرت کوچ» متحیث دکتور و دانشمند گردانیده (ند) علاوه برین بعضی از تأییبات معروف نه تنها در حلقه های علمی یاک نام مربوط به صحت یون پولکلیک های مرگی، بزرگ محسوب میگردد بلکه در جمهوری سالون های درمانی شهرهای جدید حسوزه دموکراتیک آلمان هم ساله ۱۱ دسمبر راکه مصادف بروز تولد این طبیب معروفست که عناوی روزنامه میدارند بهمین منوال دو اسازان مشهور درگوش و کنار جهان لقب افتخاری «خدمنگار مردم» که در مدار

«روبرت کوچ» محقق و کاشف بزرگ در ساحه طبایت، در سال ۱۸۴۳ در فامیل مقوسطی که مدنیجی بودند در شهر (گلاوسن) کنجهنه با ارزش را در کشور جمهوری آلمان زندگی نامه این مردانستان دوست و توپر و را کوچکاریکه میسازد. بخاطر ارجمندی از خدمات انساندوستانه روبرت کوچ در جمهوری دموکراتیک آلمان نام سوک، هیدان و در تحت محرومیت های بزرگ که توالت است قصبه و یا هم قریه بی را بنام وی مسمی تحصیل نماید و دکتوری خود را یگذارند وی



روبرت کوچ طبیب و دانشمند معروف

زان بات چون چراغ فروزان رعنای  
هنر مندان آن کشور شد و راهی نو  
فر و خواه  
منا به  
که آنا  
را گر  
ها آف  
از ابر  
بودند .

هنر مندانی نظیر (بولنبرگ)  
(برلینبرگ) و (وان موزس او ترن  
بروخ) شاهکار های هنری بوجود  
آورده وجهانی قبل از قرن هفده را  
غرق در حیرت واعجباً ساخته  
بودند ، با اینحال زما نیکه نخستین  
آل ران بات در یک نمايشگاه هنری  
ظهور شد و در کنار آثار هنری گلا -  
سيك قرار گرفت اختلاف بارز در  
منظاری که تا آن زمان در نظر  
عالیندی ها نامانوس و عجیب جلوه  
میکرد ، با قلم سحر انگیز و قریحه  
ذاتی (ران بات) دلنشیز و مورد پست  
آنان شد .

برای توضیح بیشتر در باره  
اعجاب هنری ران بات به اختصار  
یاد آور می شویم که مکتب مقاو  
هنری ها آرلم نظیر سایر مکاتب پیرو  
رویداد های اجتماعی بود و طی چند  
قرن به اوضاع طبیعی و جغرافیایی  
تسليم شده بود ، تا آنجا که تجاوز  
مرز تعبیر و تفسیر هنری آن مکتب  
خطا و گناه تابخشود نی و غیر قابل  
تصور به شمار میرفت . هوا داران  
مکتب ها آرلم ، اید یالیزم هنری را  
بر جنبه ریا لیزم آن ترجیح داده و  
انحراف از آن در مخیله هنر مندان  
عالیندی خطور نمیکرد .

وضع جغرافیایی مناطق شما لی  
اروپا با آب و هوای مرطوب و باران  
های مداوم و آسمان تیره و تار و مهو  
ابر غلیظی که در فصول سال سراسر  
شهرها و جلگه ها کو هسارا نرا  
تحت فشار و خفغان قرار میدهد و  
بالاخره چهره گرفته خورشید که بر تو  
بیفروغش را نثار موجودات میکند  
خواه ناخواه تأثیرات حسی فراوانی  
راتی قرون مت마다 در رویاها و  
تصورات هنری وادبی ، در قالب  
اشکال و بیکره ها آشکار ساخته  
است . دور نمازیان ها لیندی  
علیرغم تبوغ ذاتی واستعداد بی بایان  
وذوق و سلیقه هنری ، منا ظر  
تیره بوجود میاورند که در برابر  
آثار نقاشان مناطق جنو بی اروپا  
صرف نظر از ارزش هنری بی روح  
و خالی نشاط انگیز جلوه نمیکرد .

# هنر و مردم

ترجمه از : زلمی

نمایشگاه نقاشی

هنر مند افغانی در

فرانسه



خانم شکورولی حین نقاشی در کارگاه نقاشی اش

با شهامت مردم افغان آشنا شد زیرا  
در خانه راپور تاز مختصر خود می  
نویسد سبک خانم شکور و لی خیلی  
ها معروف است و تقریباً تمام هنر  
مندان سر شناس دنیا به سبکش  
آشنایی دارند . و نباید هم از کار تون  
کنارده شده بود .  
نامه نگار روز نامه مو صوف  
علاوه میکند :

وقتی بیننده از نمایشگاه خارج  
میشود به شکوفانی هنر افغانی  
معرض نمایش گذاشته شده چشم  
معطمین میگردد .

درین اواخر آثار هنری نقاش  
معروف افغانستان خانم شکورولی در  
گالری ((فریدریک بربیل)) به نمایش  
گذاشته شد که طرف دلچسی علاقه  
مندان هنر واقع گردید .

روزنامه معروف فرانسوی  
(میدی لیبر) در شماره (۲۷۴) خود  
مورخ ۱۹ دوئن ۱۹۸۰ در مورد این  
نمایشگاه چنین مینویسد :

این بار اول نیست که ما شاهد  
نمایشگاه چنین باشکوه از یک افغان  
همستیم بلکه چندین از دیگر نیز  
این هنر مند افغانی در گالری های  
فرانسه نمایشگاهها بی ترتیب و به  
عرض دید بینندگان قرار داده که  
طرف علاقمندی خاص قرار دارد  
گرفته است .

و این نمایشگاه که تحت عنوان  
افغانستان دایر گردیده جالبتر از  
همه میباشد زیرا هنر اصیل افغانی  
درین نمایشگاه زیاد به نظر میخورد .  
به نظر نگارنده هضمون نقاشی  
بودا و بیت های بامیان خیلی ها  
ماهرانه ترسیم گردیده است همچنان  
درین نمایشگاه میتوان به چهره های

م . روحانی

## پیشروان دور نمازی در همنو نقاشی

دو زنما سازی این سر زمین بوجود در اندیشه و فکر نقاشان و دور نما  
آورده و سبک کلاسیک مکتب (هاآرلم) سازان ، از بای در آورد . آثار هنری  
را پس از قرنها استواری و استحکام

دەم حىققى ۋېبارە

ھنر مہدا و ھنری انجھور

داستو نيا يوي کليوا لي نجلی،  
به چگه کيره چي دى غونبىتل سىكاللو  
جيسيته شى په داسى حال كى چى ددى  
دخوب او خيال سره سەدايوه فلمى  
قىزمنىدە شوه

خواهه او تکرہ هنرنمده «ایلی کولی» چی  
به چیر لین وخت کی بی زیات شہرت ترا لاسه  
گوئی دی عقیده لری چی یوقلمی هنرنمداوا اکتوور  
باید دیوی خوا مسلکی او دبلی خوداققوی  
روحیاتو خبستن وی له همدی امله داوا بی چی زه  
باید په عین حال کی په روح پوهنه او سیکالو  
چی دیوھیم، چکه چه اکت اور حیات دواهه  
دیوہ هنرنمده لپاره چیر مهم دی .

کله چی دادلومبری خل لپاره داستونیا خجھ  
دلا یلنند دفلمن لوینا پوهر کز ته ورغله نوددی  
خجھ یوبستنے وشوه چی که ته غواصی یه فلمی  
آپری کی دیوی همشلی یه تو گه برخه واخلي نوبه  
لتفادازه موین به تو گه اوس دیوی جادوگری او  
کوچه گری بسخ حرکتونه تمیل اوانخور کری .  
ایلی دیوی لحظنی لپاره په فکر کی دویه شوه  
اووروسته به یو خاص احساس سره و لا په .  
شر «او دیوی جادوگری یدخیری خاصه خندوونکی  
خر خوره کره دی خجل دواهه لاسونه غیر ک  
کرل او دخجل هنخ خیره بی یه چیر بسکلی تو گه  
ار «چوں شمارلاندی راوستله او تر بوه اورنه  
سوج او تامل روسنسته بی وویل «ایازه بی نسم  
کولان» او بیابی یه سر بنورو لوسره تکرار کرده  
ایازه بی نسم کولان» هفوی ورته وویل:  
«ریستام زهورانلو تکی لوینا په بی او ته  
دی کار توان هم تیری . ددی خسی یه او ور بدو

سره ایلی کولی سره وغودیدله او د شره  
خه، تکه سره شوهادوویل : «نهزه بین نشم کولی»  
که کی هفوی ورته وویل چی دایه داخله  
سی یه دی دول ایلی کولی داگیستگ سیپ، یه  
نارکی دخوکلنو لپاره یاته شوه اودا دلته  
ری هودی لپاره دخیل بعوانی کورانی نوم  
استونیا، بالندی هشپوره وه اووروسته لکه هفه  
کی دلوهیری خل لپاره دیسرلى خنگل؛ نومی  
الم کی دمینایه نوم کاروگر اوشدوروی اتحاد  
فلستیوال فلم خانگیری جایزه می وگتله نوددی  
شهرت هم ددهه نامه دخوگات خفه دباندی  
داووتی .

داوایی سره له دی چی اویس زه دنگه هنری دی چی «ایلی» طبیعتاً دیره خوشحاله اواجتماعی تمثیل به عکله د تجربی یوه نوی پیرا وته رسیدانی بشخه ده بیاهم داگله کله یه فلم کن دترینگی بهم بیاهم زه اویس په دی لته کن بهم چی زه داسی او مشنجی خیوی دروو دانگورو لویه توگه طبیعی تمثیل و گرم لکه د تهرين او مشق نه عکسی وظیفه ترسره کوی .  
جی مادا توان درلو دی یعنی پر تله له دی چی اکت ایلی کولی اویس دعقه فلم دلوهیری برخی په کن شامل وی زه موضوعات هم هفسی یه دنبغو دهنرمند انو لار بشونه یه غایه لری چی ریالیستیکه بنه انخور گرم بداسی حال کن جی داستونی دخوانو هنرمندانو له خوا تبیه گیری مادرادرک گپری ده چی زه به عیخکله د بخواهه ددی فلم ناول نه فوق العاده هورال لری اوته خیر ساده او طبعی اکت او انخور ونه گپرای هم چیز پیچلی او دد سیسو چک داستان لری .  
شم له همدی امله زه اویس دی ته متوجه شوی خو په لوهری برخه گپی داسی بشکاری چی برده یه چی خیل داخلی وضعیت بدل گرم یه همدی باندی دا چیره گرانه ده او داهم دده سره زیاته اساس یه نتیجه کنی مادا تصمیم نیولی دی چی زه هیشه لری داغواردی چی دده سره واده و گپری لakan باید په پر غرور اوویا پسره هر جوول انخورد دی ددی لپاره چی لابنه بی امتحان گپری نوخبلی په طبیعی توگه و گپرای شم چی ددی کار لپاره خیری او جاموته تغییر و روکوی چی دنگه راز از ما بیشت پاتی به ۶۵۶ منځ کی

هر مندان هالیندی در رویای فریبینده آفتاب گرم و جنگلها ی سبز و خیلم و آب و هوای طربانگیز مناطق گرم سیر مناظر شور انگیز به وجود می آورد، ولی همان گونه که ذکر شد تأثیرات طبیعی در کار آنان نفوذ نمیکرد و جلوه و جلای لازم را از پرده ها و تابلو های آنان می گرفت.

(ران بات) تحسین سه سر هنگام تو قف (ژان آ سلیمن) هالیندی به دیار (روم) و سرزمین‌های در روم نقاشان عالیندی که برای آفتابی است او برای نمو نه برداری از مناظر طبیعی و درخشان از محیط تزیین و آرایش قصر تابستا نی ابر گرفته خارج شد . و توانست (بونن رتیرو) اقامتگاه تابستا نی



مناظری بوجود آورد که در قلب  
سبک (هاآلرم) جای داشت، ولی  
ابتکاری نورا در هنر دور نماسازی  
تجلى بخشید و مناظر طبیعی ایتالیا  
راباروش هنر مندان این سر زمین  
در برده ها و دور نما سازی خود  
منعکس گرد.

مرگ زود رس زان بات (سال ۱۶۵۲) وقفه ای در این تحول ایجاد خکرد و دور نماسازان و نقا شان دیگر هالیندی که مفتون آثار هنری گران بهاي رابه مكتب ها آرلم تقدیم داشت. (زان بات) شده به دند به انتالیاسفر

ولی این موسیاه اکنون، هر ابهر ز  
آنان است  
«روان!» بستگی به چشم دل، که چون من،  
جان جان بیشی  
بلی این آرزوی جان، به، از جان است  
و جانان است

و دو قطعه شعر دیگر را نیز  
زمز مه میکند که او لی را زیر  
عنوان ((زیبا فرو نز)) در اکادمی  
علوم فرهنگستان و دو می را با  
عنوان ((زبان دلبر ان)) در  
مدخل مو زیم ((فرونزه)) بداحتا  
سرو ده است.

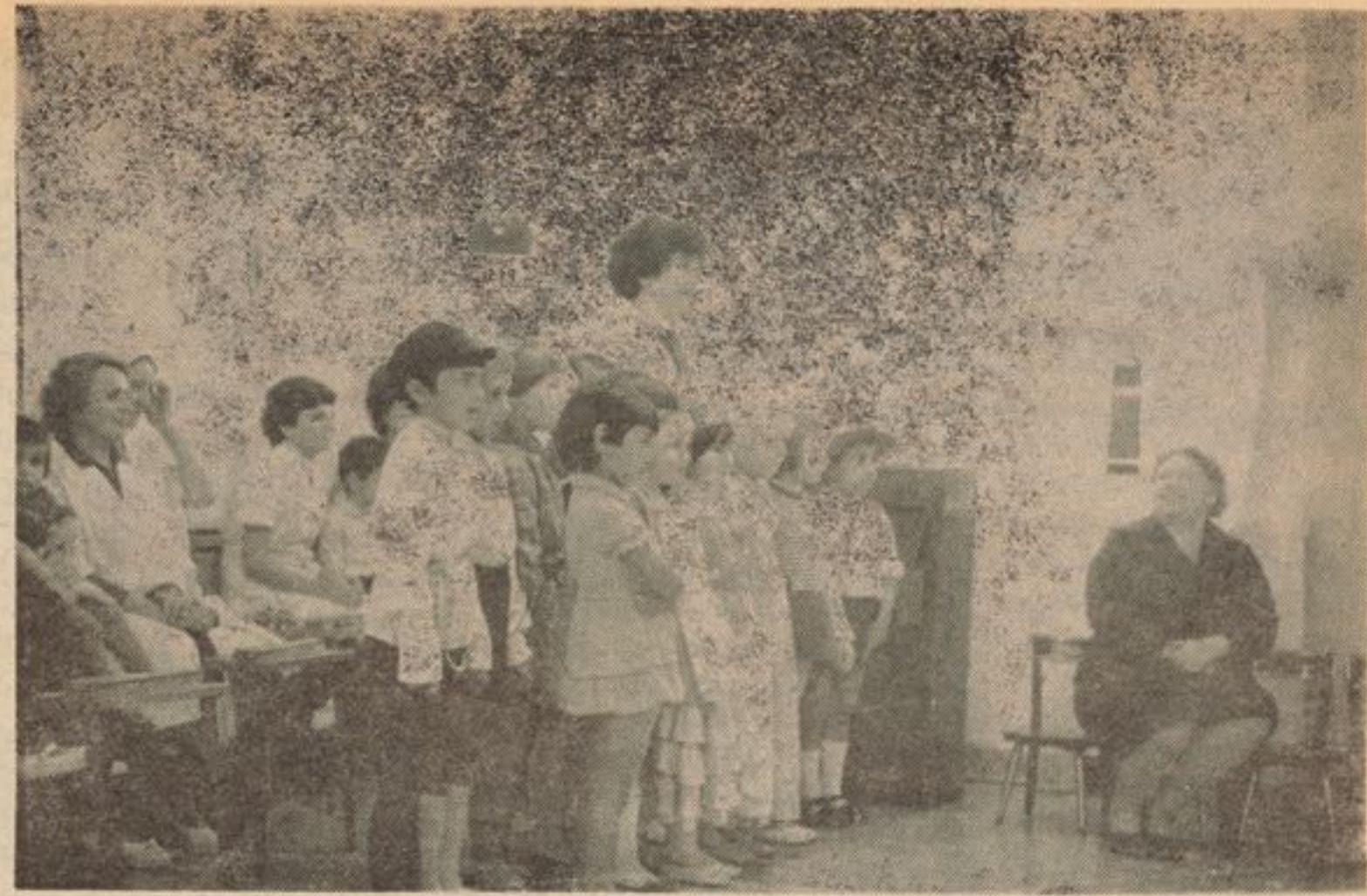
جا دارد برای آشنایی با  
احساس شاعر در رو برو شدن  
باز بیاییها و انکاس آن در  
ذهن او هر دو قطعه را با هم  
در قسمت اخیر را پور بخوانیم.  
نصر الله حافظ

شاعر خوب و شناخته شده  
کشوار گه بیشتر سرو ده هایش به  
زبان پشتوا است نوبت سخن را  
می گیرد و گفته هایش را از فرونز  
و زیبایی های آن به آغاز می  
گیرد:

((و اقیمت این است که من  
محو سر سبزی، شاد بی،  
خر می و زیبایی فرو نز شدم،  
شهری که در خزان رنگ گسترده  
سبز بیهار را داشت و انسان در  
آن جا به یاد نمی آورد که در اوسط  
با نیز برو گریز قرار دارد.  
فرو نز شهر کی در واقع تازه  
ساز است و بیش از یکصد و -  
بیست سال عمر ندارد، اما  
پیشتر فتنهای صنعتی و فرهنگی  
و تاسیسات مدرن و عصری آن  
شهر های بزرگ و پیشتر فتنه  
را به یاد میابد.

شايد بی جا نباشد اشاره  
کنم که این شهر در گذشته  
(پیشیبک) نام داشته و فرو نز  
در اصل نام جنرالی بوده از هم زمان لین  
که در جنگ های میهنی افتخار را  
فردا ن برای خود کسب کرد  
قیومانی های زیاد از خود نشان  
داده و چون مردم فرقه در حفظ  
ونگهدا ری افتخارات میهنی و ملی  
علقه فراوان ن دارند (پیشیبک) را  
((فرونز)) نام گذاری کردند تا این  
نام جا و دان ماند و به فرا موشی  
نرود.

ما در نخستین روز دیدار خود  
از فرو نز به تماشای این شهر  
رفتیم و در شب نشینی شاعرانه  
بی که بعد از این گردش دایر شد



یکی از کودکستان ها در شهر زیبای فرونز

## بوی جوی مولیان آیده‌هی ۰۰۰

وطن! قلب من، هستی من  
بود رگ رگم پر زخونت  
به راستی احساس میکرم که  
تمام شور و طن پرستی در صدایم  
انکاس یافته است و جا لبتر  
اینکه اعضا میز بانان باشند  
بیست سال عمر نداشت، اما  
پیشتر فتنهای صنعتی و فرهنگی  
و تاسیسات مدرن و عصری آن  
شهر های بزرگ و پیشتر فتنه  
را به یاد میابد.

شروع:  
سیمه هود ختر دیدم که رشک هو طلایان  
است  
به خاک «قرغز» این دختر، گل با غ  
نگویان است  
بموصف هو طلایی ها، بسی شعر  
روان گفتم

نا مکذاری شده است و به هر  
چشم شوخ و موی زیبای و انشان  
که به سبب میبا رزانت در موافق  
ضروری در همین منطقه مخفی  
نشار کرده است نوبت سخن  
میگردید و به همین دلیل هم  
دولت شوروی بند برق این منطقه  
را به اسم وی نام نهاد.

- من از این مسا فرت که با  
جماعی از دوستان اهل شعر و ادب  
و داشت به همراه بودم خاطراتی  
بخش سفر برای من تا تیری فراوان  
شا عرانه و شعر آفرین دارم -  
خاطرا تی که تا دیر زمان فرا -  
از بند برق توخته قل در شب  
نشینی شر کت داشتم که به افتخار  
همانجا راه اندازی شده بود در  
این دعوت از گروپ مهمان نان  
تقاضا گردید که ترا نه و طن  
همانجا راه اندازی شده بود در  
این دعوت از گروپ مهمان نان  
تقاضا گردید که ترا نه و طن  
سروده من را که آواز آواز خوان  
دوست و مهمان نواز شوروی  
خلاصه میگردد که صرف یکی دو  
مورد آنرا باز گو میکنم:

- دیدار از بند بزرگ آبی  
بر ق «توخته قل» که در منطقه  
(قره قل) در نواحی مر بو ط  
شهر ((اوشن)) واقع گردیده  
است برای من جا لب بود - چه  
این بند بزرگ و با عظمت به نام  
«توخته قل» شاعر و مو  
سیقیدان و مدادفع افکار متبر قی  
رهبر بزرگ پرولتاریا جهان

برای مهما نانی که بسیار غزین  
با شنند - بعد از این هوا سم برای  
هریک از ما مقداری گوشت کتاب  
شده و گوشت یخنی برای صرف  
داده شد که برای سیر شدن چند  
نفر کافی بود و مادر این تصور  
بودیم که برنامه صرف طعام همین  
است در حالیکه چند دقیقه بعد  
مهما ندارها را برای صرف غذای  
اصلی دعوت کرد و اگر لطف و  
ضمیمیت خارج از آندازه میز -  
یانان نبود هیچ یک ما را یاری  
صرف لقمه بینان هم نبود، اما در  
میان خنده و شوخی و لطف و  
ضمیمیت چیزی از آن غذای مفصل  
باقي نماند و معده های انباشته، انباشته  
تر گردید خاطره جالب دیگر در  
این سفر همراهی و همراه پومن  
با دوستان ارجمند و داشتمانی  
چون و آصف با ختری، آصف  
فکرت، نصر الله حافظ، ناص  
ظهوری، دکتور روان فرهادی،  
رحمیم رفعت و دیگر عزیزان بود  
که هر یک باتسلطی که در رشته  
خود داشتند واقعاً هیات افغانی  
را سر بلند ساختند در همین  
فرضت جای دارد و کالت از اعضای  
دیگر هیات و به نمایندگی از همه  
که مرا موظف این کار ساختند از  
رویه بسیار دوستانه و ضمیمانه  
رفقاً سرگرد و پسر که در  
رفع مشکلات ما تلاش ضمیمانه  
داشتنند شکر گذاری هان را ابراز  
کنم، البته در هیات افغانی دو -  
ستان دیگری نیز در رفع مشکلات  
اعضا سهم بازدار داشتند و از این  
جهت که آنان در گروپ های  
دیگری انجام و طیقه میگردند  
نمی از ایشان نبردم.

#### واصف با ختری

شاعر نویر داز و مبتکر معاصر  
کشور را همه می شناسیم و با  
شعر شیواویر معنی و آشنایی داریم  
که چطور گاه کلمات در  
سروده های وی چند بعد و رخ  
دارند و مفاہیم فراوان و سمبولیک  
لیک را در خود جای میدهند - او  
به از تباطط این سفر و خاطرهایی  
که از آن دارد، میگوید:

- من شامل هیاتی بودم که  
دیدار از شهر فروزن در آغاز زیرو -  
گرام مشاهداتی شان در نظر  
گرفته شده بود فروزن همانگونه  
که قبلاً پاد آوری گردید در گذشته  
«بیشیک» نام داشت و از بیشیک  
بیش از پیروزی انقلاب اکبرید  
لطفاً ورق بزرگید

و میز با نان احساس سردی  
میگردند به زودی ممکن بخاری  
ها روشن شد و انواع غذا ای فرا -  
وان و گونه گونی که در میز نان  
چیزه شد عمران را گرفت  
ساخت، در این شب نشینی صحبت  
عایی در زمینه تاریخ افغا نستان  
صورت گرفت و وصف با ختری  
قطعه شعری را کلمه کرد که  
همه را زیر تالیر آورد و صدای  
آفرین آفرین مهیان و میز با نرا  
بلند ساخت دیدار از کلخوزها  
صرف لقمه بینان هم نبود، اما در  
میان خنده و شوخی و لطف و  
ضمیمیت چیزی از آن غذای مفصل  
باقي نماند و معده های انباشته، انباشته  
تر گردید خاطره جالب دیگر در  
این سفر همراهی و همراه پومن  
با دوستان ارجمند و داشتمانی  
چون و آصف با ختری، آصف  
فکرت، نصر الله حافظ، ناص  
ظهوری، دکтор روان فرهادی،  
رحمیم رفعت و دیگر عزیزان بود  
که هر یک باتسلطی که در رشته  
خود داشتند واقعاً هیات افغانی  
را سر بلند ساختند در همین  
فرضت جای دارد و کالت از اعضای  
دیگر هیات و به نمایندگی از همه  
که مرا موظف این کار ساختند از  
رویه بسیار دوستانه و ضمیمانه  
رفقاً سرگرد و پسر که در  
رفع مشکلات ما تلاش ضمیمانه  
داشتنند شکر گذاری هان را ابراز  
کنم، البته در هیات افغانی دو -  
ستان دیگری نیز در رفع مشکلات  
اعضا سهم بازدار داشتند و از این  
جهت که آنان در گروپ های  
دیگری انجام و طیقه میگردند  
نمی از ایشان نبردم.



هیأت بازی و مهمند از مهمندان در کلخوز کالانی

نانونمک شدن در یکی از سلخوزهای بود یعنی شدن با بوی تربیت  
شیوه های مهیا نداری برای همانقدر جالب بود که اینکار در یکی از اصیل ترین  
روستا های خود قرار دارد .

#### روستا باختری :

شعری را که بدا هتا سر ودم به نویسنده و قصه نویس خوب و به شهرت  
رسیده کشور ما یکی دیگر از  
اعضای گروه روشنگران مبتکر  
دیدار از تخت سليمان و گرد -  
دش در قله های آن خاطره جالب  
دیگری است برای من که تخت  
سلیمان خود را ندا به یادم  
آورد - زیبایی های این کوهستان  
احساس شاعر انه ام را شوراند  
و دو قطعه دیگر را بدا هتا سرو دم .  
بدیهیه سر ای دیگر م با  
عنوان «بید مجنو ن» یا دگار دیگر  
یی متوجه شان نگردد و با آنکه  
از این سفر است که در ((قره قل))

به خواهش دوست ارجمند آصف تمام پروگرام های دیدار با دقت  
فکرت سووده شد .  
و پیش بینی های لازم به طرح  
دیدار از بزرگترین بنده آمد و بآن هم گاه ناهم -  
آهنگی های غیر مترقب و پیش  
برق آبی «تو خته قل» که در  
آسیا میان نه نظیر ندارد همه  
اعضا هیات را زیر تأثیر قرار  
داد چنانکه مشاهیره جالب تو جهی  
در رختم بازدید و درد عوایت شد -  
نشینی که بعد از آن بر گزارگردید  
صورت گرفت که تمام میز با نان  
هم هوا زیاد سود نبود اهتمامات  
غذا، نان با دست خورده شد  
قبل از غذا با آفتان به و لکن دست  
ها شسته شد و از قاشق و پنجه  
خبری نبود که لذت صرف طعام را  
شویم و بعد هم در نوبت صرف  
غذا، نان با دست خورده شد .  
چند برا ی گرم نگهداشتن هوا  
در همین کلخوز پیش بازی ما  
اقامتگاه در نظر گرفته نشد و بود  
اما به تصادف دفعتا هوا با رانی  
محلی و برای ادائی احترام فر اوان  
لطفاً ورق بزرگید

میکر دد و دولت شوروی در حفظا  
و نگهداری این آثار و آبداده هزینه  
های هنگفت را به مصرف میر -  
سازند.

آنچه مارا در تمام جریان این سفر دور  
از احساس بیگانگی میداشت  
این بود که در همه جا در کلخوز  
ها، در موسسات و جاهایی که  
موردن با زیاد ما قرار میگرفت  
بر ادرا ن قرغز و ازبک استقبال  
گرم و برادرانه بی به عمل  
میور دند و نمیگذشتند که  
احساس دور از وطن بودن به  
سراغ هماید.

رفعت حسینی نویر داز زیبا  
سرای معاصر که خواسته شعر  
دوست روز ندون با اشعار زیبا  
و طرح های شعری وی آشنا بی  
کامل دارد، شفته های خود را این  
طور به بیان میورد، که:

- با توجه به اینکه این نخستین  
سفر من بوده کشور شوراها و  
تا پیش از این دانستنی های من در  
باره این کشور یا به خوانده های  
خودم از روی کتب و مقاالت  
خلاصه میگردید و یا آنچه که  
دوستان سفر گردید میگفتند و  
به میان می آوردند، دیدارم از  
شوری همراه با خاطره ها و  
آشنا بی های فراوان در زمینه های  
مختلف است.

مشاهده موسسات صنعتی،  
علمی و دیدار کلخوزها همانگونه  
که دوستان نیز به آن اشاره  
کردند همه مؤید پیشرفت های  
سریع کشور شوروی در ساحه  
های علمی و تکنولوژی جدید  
میباشد.

آنچه برای من در این سفر

نمای درباره تاریخ جمهوری های  
آسیای میانه تحقیقات گسترده  
صورت گرفته است بلکه این  
ریسنجها شامل کشور های  
افغانستان، ایران، پاکستان و هند  
نیز میگردد که در هر زمینه آثاری  
با ارزش نیز به چاپ رسیده  
است.

تعدادی زیاد از اکادمیسین  
ها در این دیدارها به زبان دری  
سخن میگفتند که این کار  
مقامه و گفت و شنود را بدون  
دخلات ترجیح آسان می  
نمود.

دیدارها بی دیگری ما در شهر  
تا شکنند از اداره روحانی مسلمانان  
قراقستان و آسیای میانه، مدرسه  
طلای شیخ و کتابخانه مولی مبارک  
داشتیم که با دیدنی های  
فرانوان به همراه بود.

در کتابخانه مولی مبارک متون  
بسیار با ارزش و معتبر اسلامی  
موجود است ویک قرآن دست  
نویس شده به خط کوفی که از  
روی قرآن دست نویس دو ره  
عثمان ((رض)) خلیفه سوم تبیه  
شد است.

قا بل یاد آوری است که خا -  
ستگاه تعداد زیاد از متفکرین  
بزرگ آسیای میانه همین جمهوری  
است که در این شمار کافی است  
از مفتی ضیاء الدین خان این  
ایشان با باخان نام بگیرم که  
از علمای معاصر است و بر چاپ  
جدید صحیح بخاری مقدمه نوشته  
و در با بمعارف اسلامی آثاری  
ارزنده دارد.

آنچه در این زمینه باید اضافه  
کنم این است که از آبداده هنگفت  
های معما ری اسلامی آسیای میانه  
بسیار به وجه نیکو پاسدازی



نمایی از هتل پیشیک در فرونزه

شکل یک تبعیدگاه استفاده  
میگردید هم چنین این شهر مرکز  
نگهداری جدا میان بود و از این جهت  
شنیدن نام آن ترس سه  
زمینه های ادبی به طرح آورده  
ایجاد میگردید اما اکنون فرونزه یکی  
از شهرهای مشهور و زیبای  
شوری به شمار میاید.

آن را استطوره ها و روايات کهنه  
تشکیل میدهد به ما داده شد  
دیدار ما از شهر ((او ش)) با  
خاطره های فراوان به همراه  
است، ما از آثار تاریخی این  
شهر با زید کردیم و برای من  
جالب است که در بازگشت از

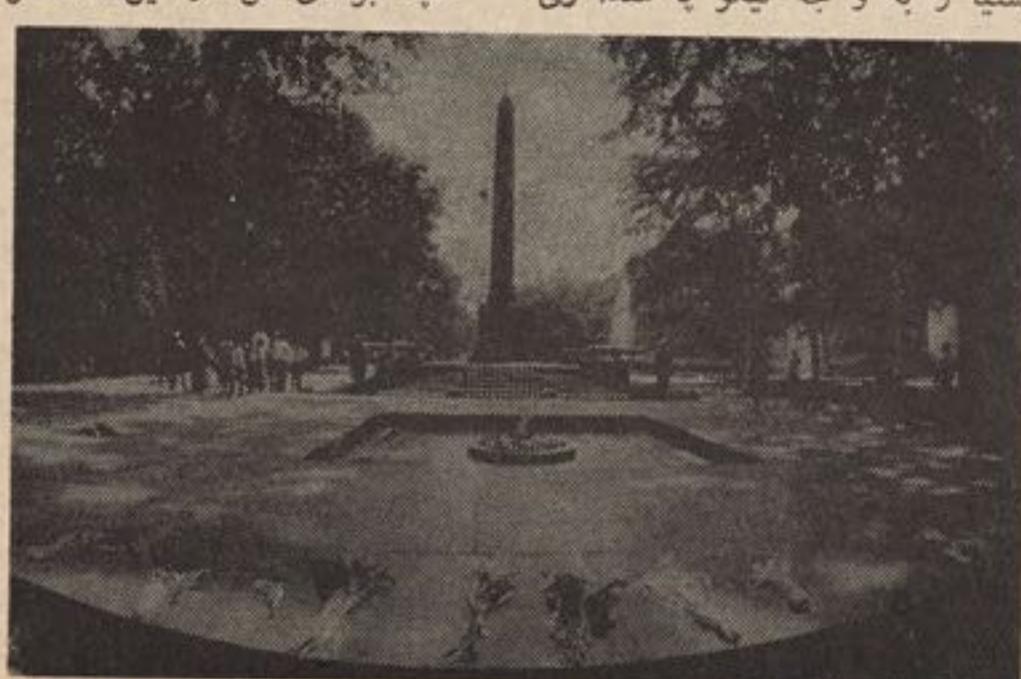
سفر با مراعجه به کتاب ((حدود  
العالم)) در یافتم که نام این  
شهر در این کتاب ذکر شده  
است.

چند روز اخیر سفر ما در شهر

تا شکنند گذشت و مجاز دست  
داد که با فراغت خاطر از موشه  
معروف لئین در این شهر دیدار  
کنیم که در آن آثار با ارزش حزب  
سوسیال دموکرات روسیه،  
آثار نحوه فعالیت پلشویک ها در  
سال های پیش از پیروزی انقلاب  
و آثار ارزنده دیگر در زمینه  
های مختلف نگهدازی میگردد.

در این شهر هم چنین ما از  
انستیتوت شرق شناسی جمهوری  
از بکستان شوروی دیدن کردیم  
که دست نویس های جالب  
و با ارزش و قدیم ترین نسخه  
خطی علی شیر نوای و همچنین  
نسخه تاریخی ((زیب تاریخ))  
که اثری ارزنده در معرفت تاریخ  
کشور ما میباشد نگهدازی میگردد.  
شاید برای شما جالب باشد  
که در انستیتوت شرق شناسی  
نمایشگاه آغاز شده است

ملقات های نیز در همین بخش  
سفر با جمیع از اعضای هیأت  
رئیسه نویسنده گان جمهوری قرغز -  
ستان داشتیم که جالب بود، اما  
متا سف شدیم که در این دیدار  
جمهوری از بکستان شوروی نه  
ها ((چنگیز آیما توف)) نویسنده



آتش جاویدانی که دریک پارک وسیع و سبز فرونزه به یاد شهیدان  
انقلاب روشن است

کی دلم از باد نو یا بد فرا غ؟  
 \* \* \*  
 قهقهه، رشک با ده است از دست و  
 دل، خراب از نر گس بد میست تو  
 «می» گر از دستت به نوشم، چون شود  
 ای دل و جانم، همه پا بست و  
 \* \* \* \* \*

بیتو از این شهر زیبا، چون روم?  
 بیتو با این قلب شیدا چون روم?  
 با منی، در هر کجا با همینهم  
 بیتو ای بهتر زلیلا، چون روم?  
 \* \* \* \* \*

ای فروزان مهر دنیای ((فروزن))!  
 آفتاب گرم دنیای ((فروزن))  
 ریختم با جلوه ناز تو من،  
 گو هر هستیم، در پای ((فروزن))

## زبان دلبران

باز هم، عالمتاها ن آمدند  
 بازهم، هرگمان سیاهان ن آمدند  
 یک دلو یک شهر خوبان، چون کنم؟  
 چون کنم؟ با دلربایان، چون کنم؟  
 گر من این دل را کنم صد پاره باز،  
 کنی رسد بر هرمه واستاره باز؟  
 گه استاره، گمهه و گه آفتاب  
 جلوه در چشم نماید بی حجاب  
 جلوه گاه ماه و پر و ینشد دلم  
 رنگ از بس دید، رنگین شد دلم  
 رنگ ها اینجا به رنگ دیگر است  
 رنگ نک این ((قرغز)) جا نپرور است  
 چنگ بر دل میزند هر رنگ آن  
 شیشه جان، در امان از سنگ آن  
 \* \* \* \* \*

من نمیدا نم زبان دلبران  
 چون شود از دل، زبانم ترجمان؟  
 رحم بر من، ای زبان دان کنید!  
 مشکل جانکاه من، آسان کنید  
 ای زبان دان! به فریادم رسید  
 ترجمانی کرده، بسردادم رسید  
 از دل من، آگه این را کنید  
 آگه از من، خیل خوبان را کنید  
 ورنه، چشم نکته دانی میکند  
 از دل من، ترجمانی میکند  
 آنچه دل خواهد، زبان میگوید آن  
 هر رهی دل رفت، چشم پوید آن  
 چون نگه شد بر نگاهی آشنا  
 ترجمان! نیست حاجت بر شما...  
 من، یکی خواهیم ازین خوبان که باز  
 بی نیازم سازد از این حرص و آز  
 یک گره از زلف گیرا، واکند  
 بسته با آن، این دل رسوا کند  
 قید زنجیر جنو نسازدم را  
 فارغ از این چند و چون سازد مر

جا لب تر می نمود موضوع حل زندگی مردم شوروی در ادوا ر  
 کامل معضله ملت ها در کشور تاریخی است برای ما جا لب  
 شوراها بود.

لما در هر جمهوری که از آن و دوستا نه گروه میباشد را ن  
 در شماره مطابقی است که در ذهن  
 هر یک از رفقا اثرا تی فرا موش  
 نشد نی از خود به جای مانده است  
 و از آن جمله من از رفیق العالی  
 بیک عضو کمیته مرکزی قرغستان  
 سر طان بیک عضو مشغول روابط  
 بین المللی وزارت خارجه و رفیق  
 علی که آگاهی فراوان داشت و به  
 ده زبان صحبت میتوانست یاد  
 میکنم.

به همین اساس هر یک از  
 عملی به حساب آید.

رفقا ای ما آرزو دارند روزی بتوانند  
 بازدید از موزیمها و نماشگاه  
 نند مهمندار این عزیزان و  
 شهای ملی که در آن افزار و آلات  
 دوره های مختلف تاریخ آسیای  
 میانه و کارهای دستی تکه داری  
 میگردد که در مجموع معرف طرز  
 سازند.

با قیدار



نمایی از شهر زیبای فروزن

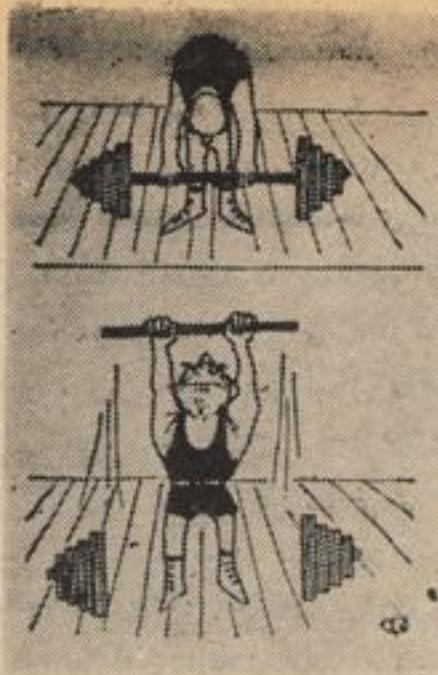
اینکه ذیلا دویسار چه شعری را می خوانید که ناصر طهوری در وصف  
 زیبای رویان فروزن گفته است:

## زیبای فروزن

نسل آدم با پری، آمیختند  
 قا که طرح چون تو زیبار بخندند  
 قرغز ستان از تو شد رشک بپشت  
 قا ترا در آن، چو حوران گیختند  
 \* \* \* \* \*

چون تو زیبا در جهان، کم دیده ام  
 کم چو تو در نسل آدم دیده ام  
 در وجود تو کمال و هم جمال:  
 هر دو را همکون و توام دیده ام  
 \* \* \* \* \*

قر غز ستان را تو بی چشم و چرا غ.  
 از تو قلب عالمی شد داغ داغ  
 هر کجا حالا روم ای بهترین!



بدون شرح

## پسر دلال

علم از شاگردی پسر سید :  
عن چهار مرد یارچه دارم که  
قیمت هر مرد آن دو صد افغانی  
است، تو برای خود آنها چقدر  
بمن یول مید هی ؟  
شاگرد گفت، هفت صد افغانی .  
علم گفت: برو بشیشین، نمره  
ات صفر است.  
شاگرد، که بدر ش دلال بود،  
هو قع رفتن آهسته در گوش شد  
رفقا یشش گفت:  
- عز کس یک افغانی زیاد تر  
بکو ید، از نزد من لت خواهند  
خورد.



## از یکصد نفر تنها تو هال جهشی

مردی بعلت ناراحتی زیاد بشهشا خانه رفت و پس از ساعتمان  
انتظار با لآخره تو بشیشین رسید و به اطاق داکتر و فنی و گفت:  
- آقای داکتر... خواهش میکنم بمن راست بکویید آیا معالجه میشوم  
یا نی؟

- شما مطمئناً معالجه میشوند... زیرا عرضی شما نشان میدهد از  
هر صد نفری که با بنده هم پیشی سر طان مبتلا می شوند  
یک نفر نجات بیدامیکند.

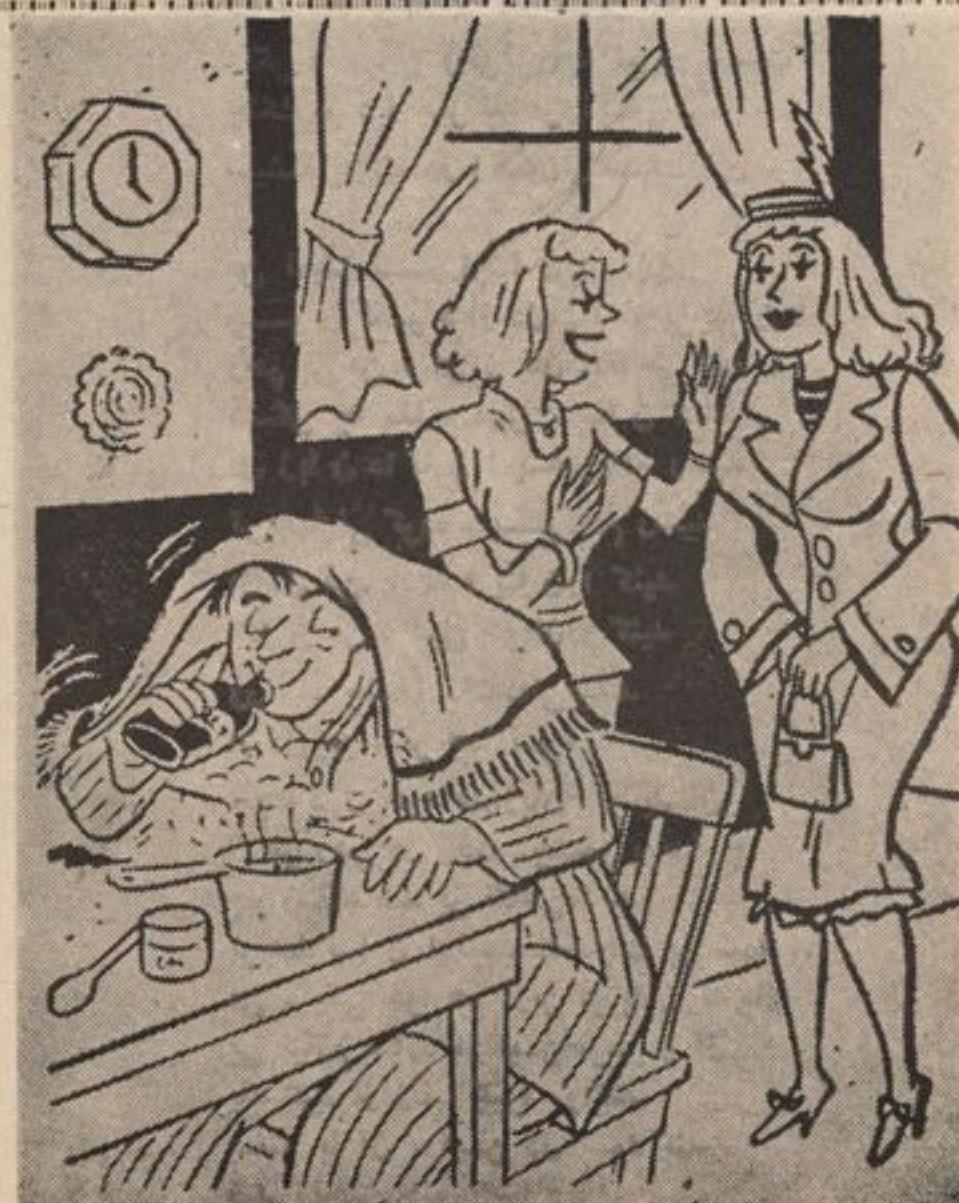
- سولی از کجا معلوم که آن یکنفر من باشم.  
مطمئناً شما هستید. زیرا تاکنون من ندوش نه نفر را تحت معالجه  
قرار دادم و همه از بین رفتهند و چون شما صد مین هم پیشی هستید  
قاعده تا باید معالجه شوید!



مرد عزیز... جانب راحت است یا نی؟

## معلوم دارد خانه پدر رهمی بودم

بین زن و شوهری درباره ازدواج دختر شان اختلاف بود... مرد با  
اصرار تمام می گفت:  
- به بین عزیزم... بنظر من دختر ما باید با مرد ایده ال خود  
ازدواج کند:  
زن با عصبا نیت حرف او را قطع کرد و گفت:  
- این حرف صحیح نیست.  
زن سری تکان داد و گفت:  
اگر من هم میخواستم با مید مرد ایده ال خود بشیشیم حالا معمومدار  
در خانه پدرم هی بودم...



## علم معلوم است

- راستی بنتظر تو چرا قیمت نخم  
مرغ گران شده؟  
- غلتیش گرانی قیمت مرغ است  
- خوب سبیس چرا مرغ گران  
شده؟  
- برای اینکه نخم مرغ گران



بدون شرح

ذن- بله خواهر جان داکتر درباره شوهرم دستور داده که شده!  
روز سه بار غذا صرف نماید!!



## پیشخدمت هوشیار

پیشخدمت جدید که تازه استفاده شده بود، با نارا حتی نزد خانم آمد و گفت:

خانم ... متناسبانه با یادبرای تان بگویم که من نمیتوانم در بین این خانم شما بمانم!

خانم با حیرت پرسید:  
چرا ... برای چه من تمام کلید ها را برایت داده ام!  
پیشخدمت جوابداد.

بدون شرح

بلی ... این راهیدا نم ... ولی نگفته کدام یکی از این کلید ها به صندوق خواهر تان میخورد!!

نفر موظف شفاخانه که می خواست از جواب شانه خالی کند گفت:

بلی ... البته گاهی از وقتها! خوب سپس برای چه او را آزاد گذشته اید?  
برای اینکه او در اختیار من نیس!  
چطور ... مگر آن در این شفاخانه زیر نظر شما نیست!  
این زنی که حالا از پیش او ردشدیم از من یضان، ناگهان رو به نفر نظر من نیس ... آخر آن همسر آیا آن بسیار خطر ناک است!

## در دیوازه خانه

خانم زیبا بی که برای بازدید شفاخانه رفته بود، در حین دلخوبی از من یضان، ناگهان رو به نفر موظف شفاخانه کرد و گفت:

او ه ... بسیار ترسیدم ... این زنی که حالا از پیش او ردشدیم چه نگاه و حشمتنا کی بمن میکرد ... آیا آن بسیار خطر ناک است!



چقدر ماهی واز کدام نوع آن میخواهید

## در قیاقو

او لین شبی بود که یک نمایشنامه را نمایش میدادند و از همان اول معلوم بود که چندان تعریفی ندارد چون تماشاگران، اول بنای (غیر) و اعتراض را گذشته بودند و بعد هم کار این اعتراض بجا بی رسانید که بطور دستجمعی از جا بلند شدند و راه در خروجی را پیش گرفتند.

در همین وقت بود که یکی از بازیگران روی صحنه ظاهر شد و بلند فرید: صبر کنید، صبر کنید.

وقتی تماشاگران بر گشتدند، او خطاب با آنها گفت:  
تو جه کنید، آهسته بروید بیرون شدن بد هید که زیر یا نشو ند.

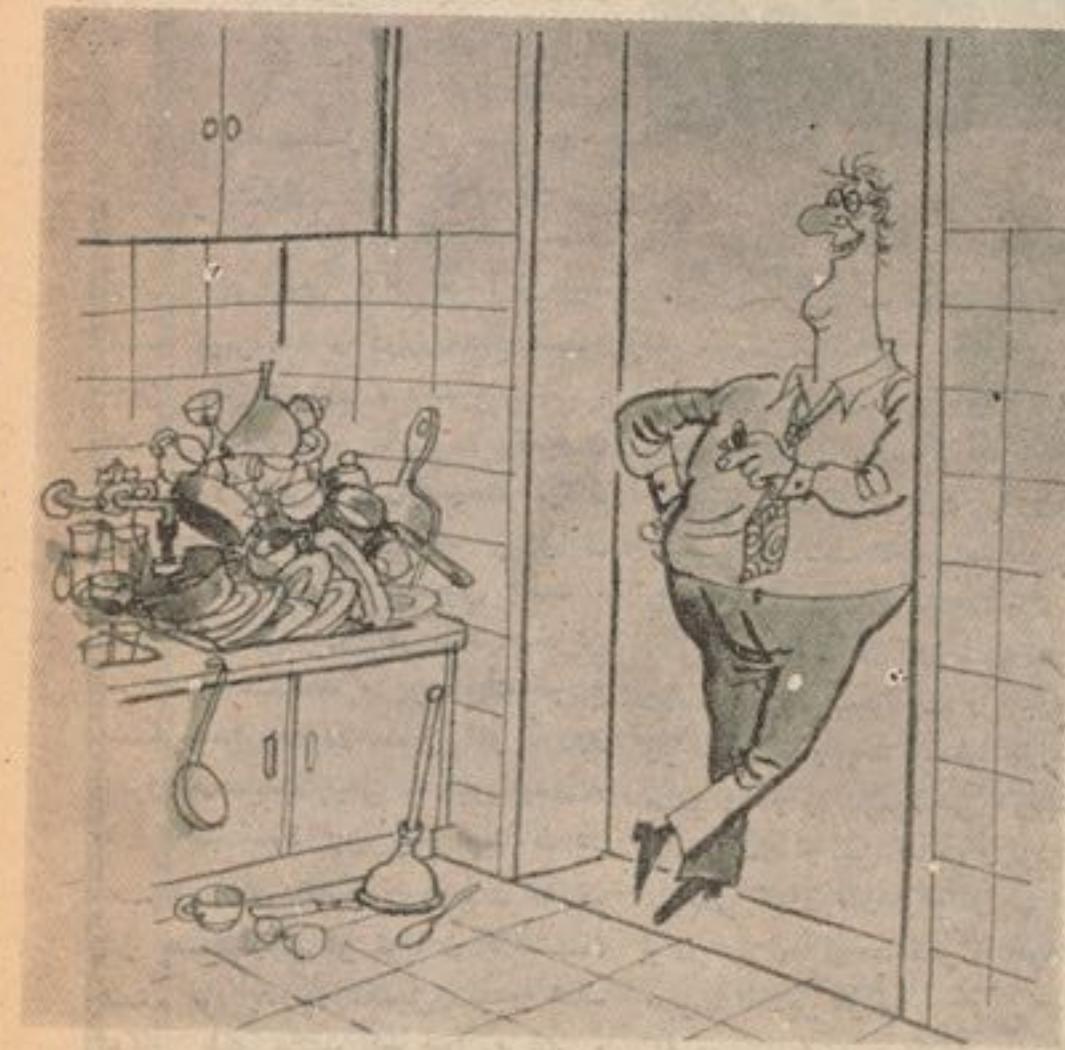
## بهن چه

از بهترین «بمن چه» ها بی که شده یکی آن هم مربوط به شخصی است که روز را تاشا م بسیار کار می کند و زحمت می کشد و ناچار شب که میشود در سمت مثل مرد ها در رختخواب میافتد و تا صبح، تکان هم نمیخورد ... یک شب که این آقا غرق خواب بود، زنش او را صدای زد و گفت:

من میتر سم ... مثل اینکه در اطاق یک موش است!

آن مرد که سخت نارا حت شده

وقتیکه زن سر شوهر خود بدگمان بود با لحن خواب آلود گفت:  
زن حسنا بی بمن چه؟ مگر خیال میکنی که من پشک ام؟



چقدر خوب است که زن سفر کند و انسان هیچ مسوولیتی نداشته باشد



هنر نما بی های بهزاد با قریب  
سرشار او که از آثار جهان قیمتمند  
پدیدار است عده از مستشرقین  
معروف را وادار نمود که گنجینه حیات  
خود را برای زندگانی کردند نام و  
مقام آن استاد بزرگ نثار نهادند  
چنانچه دکتور کنل آلمانی کتابی در  
بنام میناتور های ملل اسلامی در  
شرق تالیف نمود و زحمت بسیار  
کشید تا بهزاد و کارستا نهادی او  
را به هم وطنان خود معروف نماید  
هر دو (معلم دری در  
مدرسه‌الله‌شهرقی پاریس) کولکسیونی  
بنام بهزاد و آثار او ترتیب و تدوین  
نمود. بلو شه کتابخانه  
ملی پاریس در کتاب خود موسوم  
به (نقاشیها نسخه های خطی  
شهرقی) شرحت در وصف بهزاد  
نوشت. مستشرق معروف فلیپ و  
الترشولز آثار منتخبه بهزاد را  
بانگر شن محققانه ارزیابی کرد و  
پیرامون او و معاصر یافشان کتابی  
نگاشت.

مار تین فرائسوی کا مل ترین  
و مبسوط ترین کتابی کہ بہ بہزاد  
نژدیک ایسٹ و حاوی جمیع صور و

مظہر بداعیح صور است و مظہر نوادر  
هنر قلم اش ناسخ آثار مصوران عالم ...  
تصویرات هنر و ران ینی آدم  
بست. موی قلمش زاو استادی جان  
داده بصورت جمامی، و جنا ب  
استاد به یمن تر بیت و حسن رعایت  
امیر نظام الدین علیشیر باین مرتبه  
تر قی نمود و حضرت خاقان منصور  
را نیز با آنچنان اتفاقات و عنایت  
بسیار بود و حالا نیز آن نادرالعصر  
صافی اعتقاد منظور ر نظر مر حمت  
سلطانی نام است و مشمول عاطفت  
بی نهایت حکام اسلام بی شبهه  
همیشه آنچنین خواهد بود . سایر  
کتب مرقومه نیز به تعریف و توصیف  
قلم معجز رقم بهزاد و نگارخانه او  
که رشک ارزشک ما نی و نگارستان

چین است پرداخته اند و از تها م  
اینهمه استعارات انبوه و تشیبیها ت  
خو شر نک و چین و شکن ها ی  
الفاظ و عبارت رنگی اینقدر معلو م  
میشود که در سلطنت سلطان حسین  
باقدا (۹۱۱) واوایل سلطنت شاه

طہما سب اول وی  
در حیات بوده است و در عہد  
شah اسماعیل اول (۹۰۶-۹۳۰)

صنعت کار بزرگ مانند ستاره  
در خشان در آسمان هرات طلوع  
نموده و تا دور دست ترین نقاط  
شهر تشن طنین افگند .

در همان موقعی که در اور پا  
لیو نار داد و ینچیها ، رافا یلهابرای  
افتتاح دوره تجدد رصنایع مستظر فه  
سحر و جادو میکردند . بهزاد در  
هرات سکه تجدد را بنا م خود زده  
اسلوب نقاشی اروپا را با آسیا امتزاج  
داده ، این قن نقیس را بدرجه کمال  
رسانید . پس بی هنا سبیت نخواهد  
بود که یادی ازین استاد ارجمند  
نموده و این صنعت کار بزرگ را  
به هموطنان عزیز معرفی نماییم .

كمال الدين بهزاد:

بهرزاد از اها لی شهر هرات بوده  
و کمال الدین لقب داشته است . از  
قرار معلو م در سال ۱۴۴۰ میلادی  
تو لد یافته و بعد از مردنی پخد مت  
سلطان حسین با یقرا آمد و یگانه  
حامی و مشوق بهرزاد وزیر و شاعر  
معروف میر علی شیر نوا بی بود  
است . بهرزاد با شاعر بزرگ و عارف  
مشهور قرن نهم هجری حضرت

در تاریخ تمدن ممل غرب قرن چهاردهم تاشا نزد میلادی را دوره (رونسا نس) مینامند یعنی از یکطری صنایع قدیم و متروک شده از نوزنده گشته است و از سوی دیگر صنایع تو ظهو ر مستظر فه به منتها جمال و کمال خود رسیده، شهر فلورانس رو م را مهد صنعت و مرکز ارباب قلم و هنر قرار داده توابغی مانند لیو نار ددا و نجی و را فایل، البر دورد و میکل آنژ وغیره بروی کار آورد، در آن عهد و زمان هرات عزیز نیز از یین صنعت نفیس محروم نبوده و این مشعل فروزا نو چرا غ درخشان را بکف داشته تقاضا طبعیدی را بنور خود روشن نموده است یعنی در همان قرن وروز گاری که آفتاب صنایع مستظر فه در وسط آسمان اروپا رسیده بدر و دیوار غرب تابش می نمود در دور دستترین منطقه وطن عزیز یعنی (هرات نقاشی، خطاطی، معماری، دوره ترقی و شکوه خود را سیر می بخشید و شهر هرات راهمسر و رقیب یکانه فلورانس قرار داده بوستان پر نقشی و نگار آسیما معرفی میکرد. بطوریکه تا آن زمان هیچ شهری از شهرهای مشرق

از: هرویزه

وی رئیس کتابخانه پادشاه مذکور بوده است.

بهرزاد در عهد سلطان حسین در  
شهر هرات میز یست و پس از  
ظهور صفویه سر آمد آن هنر با ایران  
آمده و مظہر عنا یت شاه اسماعیل  
شده و شاه طبیما سب او ل هم پیش  
وی شاگردی کرده است و در هر  
صورت تاسنه ۱۵۱۴ میلادی در قید  
حیات بوده است . اما تاریخ روز گار  
اجوانی و بیری و مدت فعالیت  
بهرزاد را از موسیو یلو شه کتبیا بدار  
کتابخانه ملی پاریس در کتاب  
«نسخه های خطی شرق» چنین می  
نویسد :

که مدت فعالیت بیهود از سنه ۸۷ تا ۹۳۲ هجری بوده است.

مولانا جا می دوستی و زفا قست  
داشته است . بهزا د یک اکا د می  
نقاشی در شهر هرات بن روی کار  
آورد و یک سلسله از استادان نامور  
با او همراه بوده به منتها ی سعی  
و جدیت مشغول کار بودند در همان  
ایام ستاره سعادت و اقبال وی  
در خشنان و بعد ها شاه اسماعیل  
صفوی او را بهمرا همی خود پیتر یز  
برده است او لین کتاب و نزدیکترین  
تاریخی که در آن ذکر از بهزا درفته  
و در عین حال معاصر با خود اوست  
حبیب السیر مؤلف آخوند میراست  
که در جلد سوم کتاب ، صفحه  
۳۵۰ طبع بمیشی در حق بهزاد چنین  
مینو یسد «استاد کمال الدین بهزاد

ستاد بهزاد از روی تحقیقات خویش  
ییدا ند از آنجا نقل مینماییم :  
نخستین آثار بد یقه بهزاد صورت  
مای کتاب سفرنامه تیمور میباشد که  
خط شرف الدین یزدی بر شته تحریر  
کشیده شده است . این کتاب  
ملر یافدر تاریخ ۱۴۵۳ میلادی انجام  
بافته است . بعضی از مورخین را  
سقیده بر آنست که این کتاب برای  
هزار ابرا هیم سلطان نوشته شده  
ست و برخی از تاریخ نگاران را  
لن قوی بر آن است که این کتاب  
معان کتاب اکبر نامه میباشد که  
مال کتابخانه شاهی هما یونیورسیتی  
ابر شاه مغول بود و از طرف  
سلطان علی استنساخ شده و بهزاد  
میز نقش و تذهیب شده است .  
این کتاب در ۱۵۳۰ میلادی از طرف  
شکر گجرات به یغما رفته بعد از  
ملر سلطان اکبر گرفته شده و در  
۱۵۵۷ بوا سطه نادر شاه با پیران  
رفته و بدست سلاطین قاجار رسیده  
ست . در حاشیه کتاب مهرها  
شان مید هند که این کتاب از  
کتابخانه دولتی در آمده و مدت  
مددید در کتابخانه مغول هندی  
مانده و بالاخره بدست سلاطین  
جبار رسیده است . در خصوص  
نیست این آثر نادر متخصصین فرنگی  
بینویسد که با قیمت ترین کتابهای  
دانیابوده است .  
یک اثر دیگر بهزاد بنام باع بهشت  
هرات بسیار لایق تمجید است و  
خصوص سرستونها که با  
نر تیپ استلا کتیت کشیده و  
حاشیه ای که در دوره گنبد کشیده  
میز وار همه گونه تعریف و تحسین  
است چه بهزاد در معماری نیز  
سهارت داشته چنانکه قدرت خود  
را در این فن میناتور یکه با اسم  
مسجد سمر قند کشیده بخرج داده  
است . برای شناختن طریق معماری  
در زمان وی این آثر نمونه خوبی  
میتواند بود . دیگر بعضی نقشهای  
آجر و مرمر و کاشی تصویر یقه  
که یکان ، یگان سزاواره مده و  
تحسین است . یک جلد کتاب  
خمسه امیر خسرو دھلوی که در  
۱۹۴۶ نوشته شده دارای سی و سه  
میناتور میباشد که از کارهای بهزاد  
است و نیز در شهر نیو یورک در  
موزه مترو پول یک جلد بوستان  
سعده است که میناتورهای آن نیز از  
کارهای بهزاد میباشد . در موزه  
بر تشن لندن و در استانبول در  
سرای بلد زنیز از آثار بد یقه بهزاد

ملت بدر جه بوده که نظیر ش کمتر دیده شده است . تصویر یر های خطی بهزاد را در پهلوی تصویر یار های فوشه که در شنا تسلی است و تصویر های کریمان که در وینز و یا در پهلوی نسخه خطی مشهور رو نه دانزو که در کتاب بخانه امپراطوری وین است میتوان گذاشت . آثار استادان فرنگی ممکن است برای ماخوشتر و باقیمت تر باشند بدین جهت است که ادارک موضوع و مفهوم آنها برای دماغ ما آسان تر و طرز نقشه و نگارش آنها با احساسات قلمی ما موقوف و نزدیکتر است و گرنه از نقطه نظر صنعت کاری صرف و از نقطه نظر تزئین و امتزاج رنگ های بی نظیر است .

**آثار بهزاد :**

با آنکه استاد کمال الدین بهزاد دریک محل باروح آزاد و خاطر آرام مقیم نبوده و چندین بار از هرات به تبریز و از تبریز به اصفهان مسافرت نموده در انقلابات و شورشیهای داخلی گاهی ضمیمه لشکر کشیها و گاهی ملتزم رکاب سلطان بوده است رویهم هر گاهی که فرستی جسته از وقت استفاده نموده آثار گرانبهای از خود بیاند کار گذاشته است آرام ترین و در درخشندۀ ترین روزهای زندگانی این مصور زیر دست هرات همان ایا میست که در عهد سلطان حسین بایقراء با خاطر آرام در شهر هرات میز میست از یکطرف سر برستی ریاست کتاب بخانه سلطنتی را مینمود و از مسوی دیگر اداره اکا دمى صنایع ظریفه هرات را پر و فیسور هارتبین میگوید . جای بسیار تاسف است که بهزاد طرز و اسلوی را که در نقاشی های درو دیوار قصر سلطان هرات بکار برده بود بعد از تعقیب نکرد ورنه هیچکدام از استادان ایتا لیا بی در تزئین و نقاشی قصر و اتیکان روم حتی را فایل و به نوز و گوز ولی بقدر نقاشیها قصر سلطان هرات که از طرف استاد بهزاد بعمل آمد در فن دیگور یشن (تزئین) هنر نشان نداده اند .

پس آثار علمی و مینا تور های بهزاد که تمام موزیم های عالم و کتابخانه های سلطنتی شرق و غرب بدآنها غنی و توانگر است قسمت مهم آن مخصوص ل زندگانی حوزه زندگی بخش هرات است . زیرا مرتعات و

آثار بہزاد :

با آنکه استاد کمال الدین بهزاد دریک محل باروح آزاد و خاطرآرام مقیم نبود و چندین بار از هرات به تبریز و از تبریز به اصفهان مسافرت نموده در انقلابات و سورشیاهی داخلی گامهای ضمیمه لشکر کشیها و گاهی ملتزم رکاب سلطان بوده است رویهم هرگاهی که فرستی جسته از وقت استفاده نموده آثار گرانبهای از خود بیاد گذاشته است آرام ترین و در درخشندگانی ترین روزهای زندگانی این مصور زیر دست هرات همان ایا میست که در عهد سلطان حسین بازیقاً با خاطر آرام در شهر هرات میزیست از یکطری ف سر پرسنی ریاست کتابخانه سلطنتی را مینمود و از مسوی دیگر اداره اکا دمی صنایع ظریفه هرات را پر و فیضور هارتین میگوید . جای بسیار تاسف است که بهزاد طرز و اسلوی را که در نقاشی های درو دیوار قصر سلطان هرات بکار برده بود بعد از تعقیب نکرد و زنه هیچگدام از استادان ایتا لیا یی در تزئین و نقاشی قصر و اتیکان روم حقی را فایل و به نوز و گوز ولی بقدر نقا شیهای قصر سلطان هرات که از طرف استاد بهزاد بعمل آمد در فن دیگور یشن (تزئین) هنر نشان نداده اند . پس آثار قلمی و مینا تورهای بهزاد که تمام موزیم های عالم و کتابخانه های سلطنتی شرق و غرب بدآنها غنی و توانگر است قسمت مهم آن محصوّل زندگانی حوزه زندگی بخش هرات است . زیرا مرقدات و



# ଶ୍ରୀମଦ୍ଭଗବତ

۹- درد دا شتن - غوغا - کیفیت .  
 ۱۰- پنج ا نگشت د سست یا یا -  
 ۱۱- لاه جوا هر نشان پا د شاهان -  
 مها بیت .

۱۱ - دست - در آن آب جریان  
دارد - ضد یائین - در اصطلاح  
جغرا فیا آنرا قاره نیز می گویند.  
۱۲ - جای مخصوص درستادیوم -  
ناحیه - درد .

۱۳- از آن تقلید می کنند - گناه  
 کاری - معکو س آن پا یاختت یك  
 لشور عربی .  
 ۱۴- رو شنی - کنار چیزی -

۱۵- محبو س - معکو س آن خو -  
س بزبان خارجی - رودی در پنستو -  
ستا ن .

۱۶- بر ید ن گیاه ها با دا س -  
بلندی را ز نهفته - معکو س آن  
در یا ئی در شمال کشور ما

۱۷- جمع دا من در پشتو - یکی  
ز و لا یا ت کشور - میو ه ا یکه  
خشک آ نرا باچار مفرز نیز می  
خوریم - میوہ معروف قندهار .

اون ہد کست ؟



این شخصیت که در سال ۱۷۱۳ در  
ناحیه لانگر فرانسه قد م بعر صه  
ر جود نهاد و پس از تکمیل تحصیلات  
خود چنان شوق و علاقه ای به  
کسب علوم مختلف در خود یافت که  
برای بیشتر دانستن و بهتر آن  
یشیدن بهر وسیله دست زد واز  
هر خر منی خوشید تا اینکه  
غور هنگ لغات را برای او لین بار  
نوشت حالاشما اسم او را برای  
ما بینو بسمید.

۱۳- از افزار معمار - ۱ سمت  
ست که در راه خدا قربانی شد -  
بکی از رنگهای بیرق ما.

۱۴- آرامی - تعا یف - قسمت  
خا رجی سا ختما ن .

۱۵- نما یند ة انگلیس در زمان  
جنگ افغان - انگلیس - معکو س آن  
کیسه که در آن ۱ سبا ب خیا طی  
بیگدا رند - مختار ع بر ق

۱۶- بزرگ به پشتو - حا لا به  
پشتو - فرو بردن غذا به حلق -  
و لین پا د شاه آریا نی .

۱۷- از شیر درست می گند -  
شکل تر بوز ۱ ما تر بوز نیست -  
گنا م - ۱ کثر مسا جد دارد .

## جدول كلمات مقاطع

افقی :

۱- از سبز یجا تیکه در سر خود گل دارد - خوب - بدست آوردن خارجی ساختمان . مطلوب - ترسو .

۲- اسپ دارد - طرف بیرونی سقف خانه - بعد از اول سعایم .

۳- از آلات مخابره - رهبر کاتولیک ها - مجله محبوب کشور .

۴- بول کا غذی - از کشو رهای بلاک شرق - دارو .

۵- آتش پشتو - مرد بی زن روشنی به پشتو .

۶- شاداب - صدراعظم زن - ترس و بیم - از افزار قلبی .

۷- شاه کوتاه - هم نشین - مرکز یکی از ولایات شما لی او لین یاد شاه آریا نی .

۱- دنیا - غصب - تکری - معکوس  
 آن منسوب به فلم است .

۲- کسی که زبانش می گیرد -  
 از افزار نجاری - رفیق سو زن -  
 بیچاره نمی بینند .

۳- از جلسات کیتنه هر گزی  
 ح - دخ - ا - چپاول - دیو ا نه  
 ما .

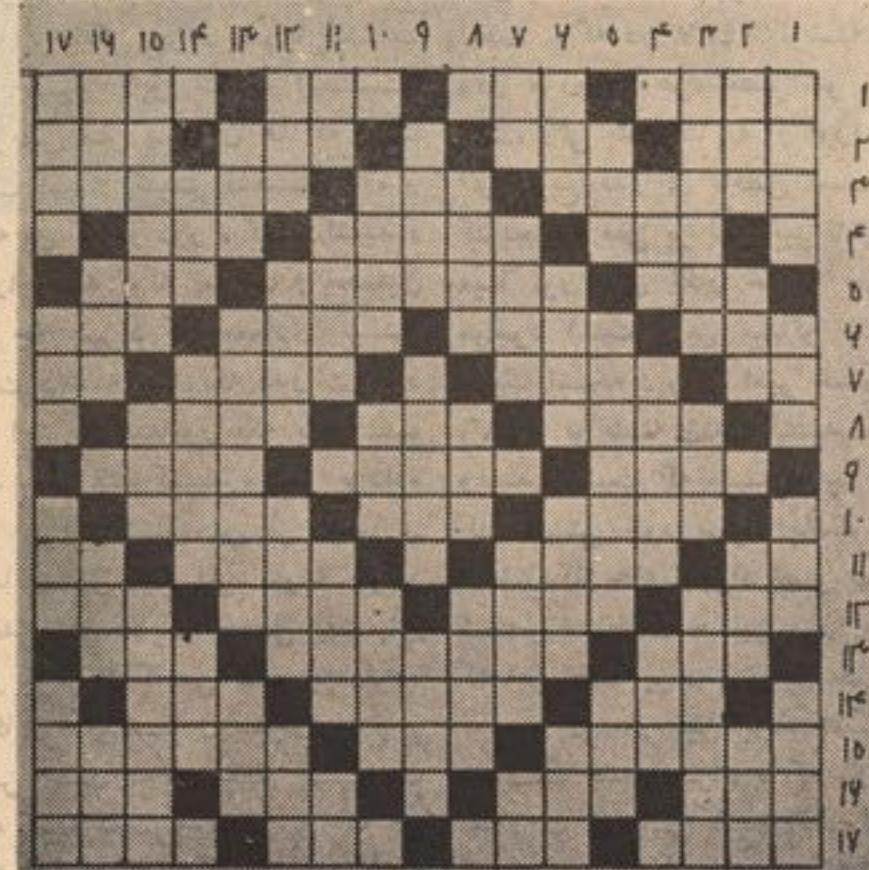
۴- چهار به زبان بیگانه - از  
 خلفای دو ره عباسی - مرغ افسا -  
 خوی -

۵- گفتش - قبل از تمدن غرب ب  
وجود داشت - معکو س آن رقص  
علی ما است

۶- هر روز می خودیم - برای هر  
ولاد عزیز است - یکی از فرایض  
در اسلام به املاک غلط - تیزی سر  
چیزی ،

۷- اندک - برق - از روزهای  
مفتنه - بند .

۸- خوشبو نی که زنان به  
صورت خود می ما لند - بخشش -  
در عید برای خورد سالان مید هند.



مر بو ط کدام داستان؟

به این تا بلو خوب متوجه شوید  
این تا بلو مر بو ط یکی از داستان  
های مشهور ترین تو یستند و غرب  
است امید است که تنها اسم  
تو یستند و اسم داستان را با  
کشوری که او در آن زندگی  
میکرد برای مابنوسید.



## جدول جدید؟

این دختر گیست؟  
او از چهره های سینمای فرانسه است که با شهر کت در سه فلم شهرت را حاصل نمود او با اینکه سنه نسبت به ستار - کان دیگر کم است اما از اینکه شهرت او تنها در استعداد شن که در هنر سینما واقع داشت به شهرت رسید. یکی از فلمهای او که بنام ((آدل - هو گو)) نام دارد و ((فرا نسو آترو فو)) کار گردان مشهور فرانسوی آنرا ساخته بود که او شیرت جهانی دارد مشهور شد این فلم شرح حال «آدل هو گو» دختر و یکتورو هو گو تو یستند و نامی سده نوزدهم فرانسه است بازی چشمگیر این دختر و مهارت ترو - فو در کار گردانی، ازین ما جرای واقعی عصر را مانند فلم سینمایی جالب ساخته است. فلم دو م که او در آن کار نموده است بنام ((بوستین و تا بستان زیبا)) بود و بعد از این شهرت زیادی حاصل نمود. خوب اگر فلم او را و یا با چهره اش آشنا بی دارید برای ما اسم او را و هم از فلمهای اویک و یا دوتای آن را نام بسزید.



ا	ذ	ر	گ	ش	س	س	ن	و	ش	ی	ر	و	ا	ن	
ب	ل	ط	ھ	ی	ر	ف	ا	ر	ی	ا	ب	ی	ر	ک	
و	د	ر	ت	د	ر	ی	ھ	ج	و	ا	ل	ق	ر	ن	
ذ	و	ا	ل	ق	ر	ن	ی	ن	م	د	ک	د	ز	م	
ر	د	م	ھ	ج	ی	د	خ	ش	ا	د	ع	ل	ع	ل	
غ	ی	و	ر	س	ح	س	ب	ت	ک	ی	ن	ل	ا	ن	
ف	ش	ک	ا	ی	ا	ط	۲	ت	۱	ع	ا	س	د	۱	
ا	ر	ح	ر	ھ	ع	۱	م	ن	ش	۱	م	ر	د	ا	
ا	ل	۲	ھ	ل	۱	ا	ل	س	۰	۱	ا	ب	ظ	ل	
ی	ا	۱	ب	و	ن	۵	ر	ف	۱	۰	۱	ا	ب	ع	ن
ی	ا	ن	۱	ا	ب	۱	ا	ط	۰	۱	ا	ص	۱	د	ن
ح	و	۰	۱	۱	د	۷	ع	۱	۰	۱	د	و	۰	ل	م
ا	ر	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
ف	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
ظ	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
ح	ع	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰

## مسئول گیست؟

- خوا نند گان نهایت گر ا می ما یک صحنه را که در ذیل است چا ب نمو دیم خوب میدانید که حیو ا نات مهم ترین عامل انتقال امراض میباشد در یعن عکس سگی را مشاهده میکنید که روحی طفلی را میلساند خوب مسؤول این چنین کار را برای ما بنویسید که با عکس شما یکجا چاپ مینمانیم.



- این بار یک جدول جدید را برای داده شده است با یک ستاره نشانی شده است آن کلمه در جدول تکرار شده است و درین جدول از اسمای تاریخی استفاده گردیده است و قبیله طبق شروا یط ذیل به حل آن موفق شدید کلماتی را که در بین جدول باقی ماند برای ما از سال دارید.
- ۶- شاید یک حرف در مسیر چندین کلمه قرار داشته باشد این هم لست که در جدول گنجانیده است .
- ۷- آلب ارسلان - آذرگشتب ((ا)) ابو نصر فارابی- ارزنگ - ابا صلت - ارد - اسفند یار - ابو ذر غفاری - ابو طالب - ابو هر یوه ((ب)) با مشاد ((ج)) جمشید ((ح)) حافظ - حاتم طایی ((خ)) خدیجه - خواجہ نظار - الملک - خسرو ((د)) دجال ((ذ)) ذو لقون - ((ر)) رو دا به - ردان «س» سیکتیگن - سکینه «ظ» ظهیر فاریابی ((ع)) عمر بن عبد العزیز ((ک)) کنایون ((ل)) لیلی ((م)) مازیار - مزدک ((ن)) نوشیروان ((و)) و امّه - ((ه)) هخا منش - هارون - ((ر)) رشید .
- ۸- کلمات جدول طوری در خود زدید متوجه میشوید که در اطراف و نواحی چندین حرف پرا گنده اضافه میماند حروف اضافه را برای ما از سال دارید.
- ۹- کلمات جدول گنجانیده شده است که میتوانند خود کلمه را از چپ برآورد و از راست بچپ از بالا به پائین واز پائین بطرف بالا و هم از یک راس بطرف دیگر راس جدول پیدا کنند.
- ۱۰- اگر کلمه ای در لست پائین

## پیشروان دور نما سازی ۰۰۰

# زنان در ۰۰۰

طوریکه قبلاً یاد آور شدیم زنان حق دارند کار کنند و معاش مطابق بکار خویش بدهست آرنند . و درین زمینه دو لغت اتحاد شبو روی هر نوع تعییض بر ضد زنان را غیرقانونی دانسته و در حصول معاشر تفاوتی بر اساس جنس قطعاً ممنوع است . واصل سوسیالیسم یعنی از هر کسی طبق استعدادش ، بهر کس به اندازه کارش ، بطور مساو یا نهشمشو لزنان و مردان میشود . زنان نه تنها در همه جهات زندگی اجتماعی با مردان حقوق مساوی دارند بلکه آنها از امتیازاتی نیز بر خوددارند مثل ، دولت زنان حامله را بکارهای سهلتری تبدیل میکنند که درین وقت با وجود یکه وی کار آسانتری را اشغال کرده است ، دولت همان معاش قبلى را بوى میدهد و همچنان زنانیکه ماشینهای زرا عتی را بکار می اندازد در معاش آنها با مردان تفاوتی دیده نمیشود .

در اتحاد شوروی حق مساوی زن و مرد در کار اجتماعی ناشی از مساوات آنها در فراغیری تعلیم و تربیت است . در این کشور دولت

نظر به ارزشیکه به علم و دانش قابل است . تعلیم و تربیت راجنبه عمومی داده و فراغیری آن برای همه رایگان است .

در اتحاد شوروی بر اساس قانون اساسی برای محافظت زنان در کار و همچنان حفظ صحبت آنها نورمها و مقررات بخصوص صنایع داده است و خلاف قانون خواهد بود که زنان رایه کارهای که به صحبت ایشان مضر و مافوق قدر است شان باشد استخدام نمود . زنان رایه و ظاییکه ساعات کار شن کم رخصتی اضافی و تقاضه بیشتر داشته باشد جذب میکنند . و این امتیاز زیاتر به کار گرانیکه صاحب طفل اند ، داده میشود .

داد . تابلوی (بکرود خانه ) که اکنون در موزه کوپنهایگن هنر دوستان سراسر جهان را بسوی خود جلب میکند ، بانقش رقيق و رنگ آمیزی ملایم ، همراه با شفافیت آسمان این دور نمارابه رویا بی دلفریب مبدل میسازد .

(کلودلورین) دور نما ساز فرانسوی به تجسم مناظر روستایی و صحرائی در دور نماهای خود علاقمند بود . حال آنکه دور نماهای آسلین سرا ایا در هیجان عیش و نوش و صحنه های پاده نوشی غرق شده است و مخصوصاً تابلو هایی که بالاندازه های کوچک دور نما سر گرم کنند را بر آویزان کرد نسالون ما تهیه کرده است .

(آسلین) در تابلوی (دور نما کوپنهایک) تصوراً شاعرانه را به کار برده است و ما درین تابلو کمترین اثری از کاخهای پرشکوه از بابا ن و منازل وابستگان آنها مشاهده نمیکنیم ، بلکه چار پایانی را در پیچ و خم کوچه های این شهر که در اطراف آنها گله بانان و چوبانان در حر کت دهد .

اند می بینیم که گویی شتاب می

تو وجود میاورد . سبک ها آر لرم در دور نما (باویرانه ) نشان می داد . زان آسلین در کلیه آثار خویش کوشش فراوان به کار برده است تا حد اکثر استفاده را از آفتاب گرم ایتالیا و تابش دلپذیر آن بر روی کیاهان و درختان وبالاخره تا بندگی درخشان و روشن آنرا در دور نما های خود ظاهر سازد .

به این ترتیب زان آسلین نیز به راه (زان باتس) رفت و سبک نورا در دور نما سازی های لیندی ترویج داد . پاره ای از متخصصین و صاحبان بصیرت در هنر دور نما سازی های لیند ، براین عقیده اند که شاھکار های زان آسلین از آثار (کلود لورین) الها م گرفته است و براین ادعا دلایلی نیز ارا نه میدهد و لیک امر مسلم در آثار (زان آسلین) وجود دارد که کمترین تشابه هنری را با (کلود لورین) نشان نمی دهد .

توجه عمیق هنر دوستا ن دردو قرن نزدهم و بیستم به آثار زان بات وزان آسلین با نظریه (هو بار کین) در آغاز قرن بیستم تطبیق میکند و آسلین را بیش رو دور نما سازان های لیند میدانند که منا ظر زند و درخشان ایتالیا را با روش ابتکاری خود در دور نماهای های لیندی جای

خواهند کن دیر زیان نیلی وی .

هم دوی نه نیکمراه کوی خکه چی نجلی چیره اوس ایلی کولی دگالوال به توگه به فلم وارخطاگری (دغه) رول دستراکتر او هنرمندو دده دملگری لمیت او لفسکی له خواتر سره بیه نومویی سری به زیانه یمانه پرده ترازدی رول لوپولی اودی به دغه ترازدی رول ترسره کولو سره دخلکو یوشمیر زیان هنری بیشنیاد و نه درگره چی ددی خفه بن هیله کویی و مچی به دادبول رول کی برخه وانه خلی

لارن دی بیاعم دغه رول ترسره گیر او خلکونه بی به خواب کی وویل : آیا دازما گناه دمچی داسی رول هی به غاره اخستی دی چی ستاسونه خوبیسری یعنی (ترازدیک) دی . داجی داده رول ترسره کولوته اقدام کری او بشایی دلتے چی حل او فصل بی کیم .

تاسود شوینگ اویاد بی منظری او بیش

یه ذه بوری او دخلکولیاره آموزنده بشد دعکاس به وخت که دوی فکر او احساس ولی . باید وویل شی کله چی کولی دی بیوی موضع د انفورسره هیته بیساکری ده نوباسو کوی .

زه نه بوهیزم چی خیشی خلک ولی دفلم به باور اولی چی هفته بوره برای تیوب سره تیبلوی لید لوسره خنثو هنرمندانه اه اویاد هفوی شی . کولی دله هر که دخلکو دزیاتو غوبنتونو طفل اند ، داده میشود .

به اساس کری ده .

وی در بازگشت از ایتالیا بکشور فرانسه رفت و در این سر زمین همسری برای خود برگزید و شمر لیون شاهد هاسم ازدواج وی بود . زمانی که در پاریس اقا مت داشت ، از او دعوت شد تاکار آرا یش و تزیینات کاخ (لامبرت) را بر عهده بگیرد . پس از خانمه تزیینات قصر لامبرت ، زان به هایلیند باز گشت و تا آخر عمر در میهن خود هاند ، دو اثر برجسته و بی نظر (زان آسلین) که در حال حاضر در موزه کوپنهاگن محفوظ است ، تناقض عجیبی رادر دگرگونی زمینه های تابلو های نقاشی آشکار میسازد و هر بیننده را به رموز هنر دور نما سازی و منا هنر و روش ایتالیایی نقاشان های لیندی آشنا میسازد . در این دو تابلوی بی نظر (زان آسلین) دو مرحله و دو گونه سبک را ارائه میدهد .

تابلوی (کشمکش سوار نظا م) (سال ۱۶۳۴) احساسات های لیندی ها و خصایص این قوم را در عرصه پرده منعکس کرده و تابلوی (دور نمایی باویرانه ها) مناظر گرم و بی شور ایتالیا را در دور نما سازی های لیندی متجسم می بخشد . در این دو اثر زان آسلین تحسین و اعجاب هنر دوستان را بر انگیخته و در عین حال به طور آشکار تعریف ذهنی را از مکتب ها آرلم و سبک کلامیک دور نما سازان های لیندی در نیمه دوم قرن هقد هم جلوه می دهد . (زان باتس) بیش رو دور نما سازان های لیندی پیرو سبک ایتالیا

یه و مناظر ایتالیا در دور نما های های لیند ناچار بود تاحدا مکان با احساسات و تمايلات قومی وايدیا . لیزم هنری (ها آرلم) روی موافق نشان دهد و ازین رو بود که در تابلو های زان باتس مناظر ایتا لیا را در دور نماهای های لیندی داشتندی باسیبک ها آرلم و احساسات قومی در هم آمیخته و نیروی ابداع را با کمال معنای آن ، در آثار اومشاهده می کنیم .... اما (زان آسلین) تفکیکی در اید یالیز هنری ها آرلم وریالیزم سبک نودر مناظر ایتالیا قابل میشود . او دور نماهارا به طور مجزا در زمینه پرده

## هزار و پانصد یکه از ۹۰۰

دفعتاً صدای خشن خشی از عقب درب کابین ما در گشتی بگوشم رسید و در لحظه دیگر دیدم مکتوبی از زیر پله در بداخل اطاق رانده شد. من نامه را برداشتیم و دیدم با خطوط درشت اسم ((کیلادا)) بروی آن نوشته شده است. بنابر آن نامه را به ((کیلادا)) دادم.

اوقیان از آنکه آن را بگیرد، سوال کرد:

— برای من؟ از کیست؟...  
اما در روی پاکت اسم فرستنده نوشته نشده بود. هنگامی که آن را باز کرد پاسخی حیرت آوری گفت:

((اوہ!...))  
در پاکت نامه ای وجود نداشت بلکه در میان آن یک بانکوت صد دلاری با یک ورقه کوچک سفید گذاشته شده بود، که در روی آن صرف یک جمله باخط طبیف زنا نه تحریر گردیده بود:  
((از صعیم قلب از شما متشرکم!))  
((کیلادا)) نگاهی جانب من آوردم، با تسم نگاهی جانبش انداختم او در حالیکه از جایش برمه خاست گفت:

— خواهش می کنم این را از پنجه به آب های بحر بیندازید.

بعد از آنکه خواهش او را بجا آوردم، با تسم نگاهی جانبش انداختم او در حالیکه از جایش برمه خاست گفت:

— هیچکس نمیخواهد در مقابل تمام مسافرین گشتی به حیث احمقی معرفی شود.  
من سوال کردم:

— آیا مروارید ها اصل بودند؟ او بدون آنکه مستقیماً به سوال من جواب ندهد، بعد از مکتکوتاهی گفت:

— اگر من چنین یک زن زیباداشته باشم، هیچ وقت اورا برای یک سال در شهری مانند نیویارک تنها تمی گذارم، در حالیکه خودم در (کو به) باشم.

در این اثنایک صمیمیت عجیب و غریبی در قلب خود راجع به ((کیلادا)) احساس کردم.

صد دلاری از آن بیرون کشید و بدون اظهار کلمه ای آنرا به «رامسای» داد.

«رامسای» در حالیکه با نکنوت صددولاری را در چیز خود می گذاشت بالبخند رضائیت آمیزی گفت:

— دوست من، شاید این درسی برای شما باشد، تا دیگر اینقدر از خود راضی نباشید و تخلی نکنید که راستی هر چیز را میدانید.

به این صورت ((کیلادا)) شرط شکست ((آقای همه چیز دان)) را باخته بود و این قصه در سرتاسر کشتی پر اگنده شد و هر کسی که با او مقابله می شد، یک حرف استهزا آمیزی راجع به این موضوع می زد و

مادام ((رامسای)) بعد از این واقعه با جملاتی که سرش درد می کند، عفو خواسته مجلس را ترک کردو شنید و سکوت می کرد.

می شود که درجه حرارت آب از ۲۰-۱۸ درجه درجه هوا از ۲۲ درجه درجه هوا از ۲۴ درجه کمتر نباشد یا قی ماندن آنها درین آب در ابتداء نباید از ۴-۵ درجه بیشتر طول بکشد. بعد هایین مدت تا ۱۵-۱۶ درجه نظر به عکس العمل طفل طول

میکشد. ادامه زمان غسل اطفالی مبتلا به اعراض ساعت تیری های خود از غسل افتاده باشند. آنکه بازی های مختلط داشته باشند در هنگام بارهای خود را در بستر داشته باشند به مشوره طبیب معالج تعیین و حود افتاده و متغیرانه سیگار می تثبیت می شود.

آپسردر باشد به عمان اندازه از آن کمتر استفاده بعمل آید.

شادر گرفتن در تابستان خیلی هاعفید است اگر شادر گرفتن در هوای آزاد به مدت ۱-۵ ساعت داریز بود تا ۲-۴ دقیقه به آن بیفزاید.

دقیقه صورت گیرد درجه حرارت تا ۳۳-۳۵ درجه پایین آورده شود خیلی ها مقاد دارد.

آب انداختن کمتر هنگام صبح و یا شام قبل از خواب انجام شود خیلی ها فایده دارد یوست بدن طفل ظاهر گردد. در زمان غسل آبیکه بالای پاها انداخته می شود نباید از یک لیتر کمتر باشد و نا بعلک پاها را باید احتوا

پنهان گردد. چونکه از داغ شدن سوختک و آفات زدگی طفل در امان ماند. شمعان دادن

بدن باید بالاتر، تغه پیشست، یک پیلو، سینه و بعداً پیلو دیگر، انجام شود. مغاز نیست

که غسل آفتابی را فوراً بعد از صرف غذا، پس از تمریض ورزشی وباره بیمامی خسته کننده اجراء گردد.

باید در هرورد صحت و سلامت طفل در طول تمام دوره های گرفتن غسل آفتابی مواظبت بعمل آید زیرا هر طفل غسل آفتابی را بمشکل کوارای آن یادبرفته نمی تواند. در بعضی ها ممکن است سبب سقوط اشتها شده و در برخی خواب را مختلف گرداند. یعنی راهی در دری مبتلا ساخته و در دیگری درجه حرارت وجودش را بالا برده سبب بروز تب و ناراحتی شود. اطفال مکتبی می توانند در هنگام بازی های مختلف ساعت تیری های خود از غسل آفتابی بجز ممکن گردند.

بیشتر است که غسل آفتابی را با غسل آبیازی داده و در برخی آبیازی، دوش گرفتن و یا آب ریختن بالای وجود خاتمه داد.

پنجمین صفحه ۳۳

## پروژه جهانی

در جلد طفل منظمه زیر شعاع آفتاب اسرار درحالیکه زمان بصورت تدریجی از دیگر میگیرد و به اصطلاح میسوزد بدون آنکه کوچکترین اثر سوختگی و ناراحتی های جلدی برس وی

یوست بدن طفل ظاهر گردد. در زمان غسل آفتابی روی طفل باید تو سطح چیزی از آفتاب لیتر انداختن بالای پاها را باشد و نا بعلک پاها را باید احتوا

گردد و تر نماید تا گردن پاها طفل باید گردد و تر نماید تا آب انداخته طفل چند شکل است که در شست آب انداخته طفل چند دقیقه ای پاها خود را در شست آب فرار داده

و بعداً پیلو دیگر، انجام شود. مغاز نیست که غسل آفتابی را فوراً بعد از صرف غذا، پس از تمریض ورزشی وباره بیمامی خسته کننده اجراء گردد.

باید در هرورد صحت و سلامت طفل در طول تمام دوره های گرفتن غسل آفتابی مواظبت بعمل آید زیرا هر طفل غسل آفتابی را بمشکل کوارای آن یادبرفته نمی تواند. در بعضی ها ممکن است سبب سقوط اشتها شده و در برخی

خواب را مختلف گرداند. یعنی راهی در دری مبتلا ساخته و در دیگری درجه حرارت وجودش را بالا برده سبب بروز تب و ناراحتی شود. اطفال مکتبی می توانند در هنگام بازی های مختلف ساعت تیری های خود از غسل آفتابی بجز ممکن گردند.

بیشتر است که غسل آفتابی را با غسل آبیازی، دوش گرفتن و یا آب ریختن بالای وجود خاتمه داد.

پنجمین صفحه ۴

## اصول رهبری

هر قدر هم رهبری و دستگار رهبری خرد مند باشد با دقت عمل کند بر اساس فاکت های جامع و موئیق و تحلیل های علمی و عمیق و خلاق و جمعی نتیجه گیری نماید، رهنمود

های عمل را بدستی تعیین کند باز هم خطر خطا موجود است زیرا بدینه های اجتماعی فرق العاده جامع الاطراف و بفرنج متوجه تغیر متتنوع و گو ناگون هستند. لذا باید در جریان یک عمل و رسیدن به هدف دایماً گوش به زنگ انتقاد های اندزه های پیشنهاد ها و ابتکار

توده های بود. ولی نکته مهم در ینجا اینست که ازین همه آنها باید نمر بخش ترین و هدف رس ترین شان را

انتخاب کرد که دولت مترقبی ماجنین میکند

آیا تذکرات عالما نه، انقلابی وصمیما نه فوق نتیجه تحلیل درست فاکت ها و استخراج شعار ها و رهنمود های عمل انقلابی نیست؟

آیا در مرحله کنونی عدمه ترین سوال برای سر کوبی ضد انقلاب و بولادین شدن حزب تامین و حدت عام و نام و عملی در حزب نیست؟ آیا درین مرحله حساس تاریخ حزب و کشور مهم ترین و عمده ترین هستله فشرده شدن، بهم پیوستن و یکدست و یک زبان بود ن همه نیست؟

چار میان اصل رهبری علمی جنبش، حزب و جامعه همانا آموختن از توده ها و درین آنها برای اطفال کلان تر درجه حرارت داشته باشد غوطه نموده و بعداً با آن طفل را سازد بدینه بادجه حرارت اطاق تنظیم نماید.

باید به خاطر داشت که به هر اندازه ایکه از اندزه توده ها گرفت. زیرا

اطفال بعضاً خونسی دارند که رنگ جلدشان زیر شعاع آفتاب «تصویری» شود و مدت های زیادی در آفتاب فرار میگیرند (۱۵-۲ ساعت)

این عمل بالای سیستم عصبی آنها و خلاصه آنکه بالای وجود شان بصورت عمومی اثر ناگواری از خود بجا میگذارد.

غسل آبی، چون مساوی دادن وجود با قطیقه نمودار، ریختن آب بالای وجود و گرفتن دوش تأثیر عمده در امور آبدیده گردن طفل دارد.

بیشتر است غسل آبی را در تابستان با احتیاط وبصورت تدریجی آغاز نمود. هرگاه به مقصد غسل آبی کار را آغاز می کند باشد یک پارچه نرم فلافل و با قطیقه ملائم را گرفته در ایکه ۳۲ درجه حرارت داشته باشد غوطه نموده و بعداً با آن طفل را سازد بدینه برای اطفال کلان تر درجه حرارت آنرا موافق باشد.

بِهِزَادَهْشَل

است برای تمام کردن یک چنین کتاب  
نفیس اغلب سالهای دراز لازم میشود  
این نسخه خطی که از آن سخن  
میگوییم در ۱۴۷۵ از طرف  
محمد ابن عطار استنساخ و بهزاد  
نیز با صورت های چینی پیرا یاهش  
بسته است قیمت و اهمیت این  
نسخه از این جهت است که صورت  
های او از شیکاری های استاد بهزاد  
است بعقیده مارتین در میان این  
صورت ها درو یشن های رقص  
کننده و مجلسی پذیرا بی خسرو از  
شیرین و ولادت مجنون  
و منظره بهار و تصویر  
مرد یکه طوطی سبز رنگ در دست  
دارد از جمله شیکار های بهزاد  
میباشد.

بهرزاد بطرز و تر تیپ صنعتکار  
های فر نگ کار میکرد و باندازه  
او در کارهای خود دقیق و سعی  
باخرج میداده است. یکی از بهترین  
و قشنگ ترین صورت های که هیچ  
نقاش چنین اثر بد یعنی بوجود  
نیا ورد و لوحه میباشد که منظره  
روح افزای بهار را نشان میدهد.  
این تصویر فصل بهار پرتو آفتاب  
ویک زندگانی خرم ویک روشنایی  
تندرا بما الهام میکند که این دور  
نما قشنگ و این منظره دلکش  
 فقط منحصر بر زمین آریانا است  
در واقع هیچ وقت چنین جلوه  
طبیعت در ممالک فرنگ و حتی در  
ایتالیا نیز مشاهده نمیشود لوحه  
که پذیرایی شیرین را نشان میدهد  
بی شبیه از یک پرده نقاشی دیواری  
ماخوذ و همیباشد زیر از مینه تصویر  
بسیار وسیع بوده نظر را بی رنگی  
شدید حیرت آور نیز خیلی بزرگ  
است با وجود این در جزئیات آن  
بعضی چیزهای حیرت بخشن دیده  
نمیشود مانند طارهای چوبی که  
با وجود آن نازک کاریها دور بینی  
نقشیهای آنها از همه یکر فرق دارد  
کار آخر بهرزاد در موزه لیننگر ادموجود  
است که درجه احساسات و افکار قویه  
مبتكره او را بخوبی نشان میدهد.  
در این میناتورها قصه لیلی و مجنون  
را تصویر کرده است و در واقع  
در نقش کردن این میناتورها و در  
در نشان دادن طبلایی مختلط  
حیوانات قوه جذبات عشق و ظهار  
خارقه نموده است که در یکی ازین

موارد حقوقی و نظامی نداشت باید از خود دفاع کند و یا در صور تیکه و کیل هم داشته باشد چون وکیل موقف حکومتی دارد توانایی دفاع را از متهم در برابر اتهامات خارنوال و قرارگرفتن در یک موقف اختیاری ضد حقوق دولتی را در سطحی که برای متهم مفید است نداشت و به همین دلایل امکان داشت حقوق متهم تاحدو دی تلف گردد و موردی که میتوانست به اقل مجازات تخفیف یابد به اشد حالت مجازاتی میرسد، نظر شما به عنوان افراد مسلکی در امور قضایی و حقوقی نظاری در این باره چیست؟

ابوی معاون خارنوالی قوای سلمج :

د راین مورد کهشما اشاره کردید  
که خارنوال از حقوق دولت دفاع  
میکند قبول دار مدرگذشته به  
عزمیز اساس بود که خارنوال ها  
میکو شیدند حد اکثر مجازات را  
برای متهم از محاکم مر بوط تقاضا  
آکنند\_اما آنون چنین نیست و  
خارجنوال از حقوق دولت نه بلکه از  
قانو نیت و عدالت دفاع  
میکند و با تو جه به اینکه یکی از  
وظایف خارنوال نیز نظارت بر  
قوانين است میکوشد از تطبیق درست  
قانو ن دفاع کند .

مدیر مسؤول : راحله راسخ خرمی  
 معاون : محمد زمان نیکرای  
 آمر چاپ : علی محمد عثمانزاده  
 آدرس : انصاری وات - جوار  
 ریاست مطابع دولتی  
 تیلفون مدیر مسؤول : ۳۶۸۴۹  
 تیلفون توزیع و شکایات : ۳۶۸۵۹

دلتی مطبوعہ

اکنون نحوه عمل خارنوایی  
قوای مسلح کاملاً دموکرایی است  
به این صورت که ما حق دفاع به  
متهم را با در نظر گیری تمام  
حالات به وی میدهیم و حتی در  
صورتی که متهم خود نتواند از خود  
دفاع کند مجبور شمی مسازیم که

٨ صفحه بقیه

برای خود و کیل بگیرد و اگر اقتصاد  
متهم ایجاد کند به وی اجازه داده  
میشود که مطابق میل خود برایش  
ز بیرون و کیل مدفع استخدام کند  
و در صور تیکه شرایط اقتصادی  
جازه این کار را برایش ندارد  
نیکی از سر بازان و یا صاحب  
منصب هایی که به موارد حقوقی و  
نقاط معلومات کافی داشته باشد  
به میل متهم میتواند دفاع از وی را  
غیره دار گردد - یعنی در هر  
شرط امکانات طوری به وجود می  
آید که حتیماً یک نفر دفاع از متهم را  
غیره دار گردد .

د راین مورد کهشما اشاره کردید  
که خارنوال از حقوق دولت دفاع  
میکند قبول دار مدرگذشته به  
همین اساس بود که خارنوال ها  
میکو شیدند حد اکثر مجازات را  
برای متهم از محاکم مر بوط تقاضا  
آکنند\_اما آنون چنین نیست و  
خارجنوال از حقوق دولت نه بلکه از  
قانو نیت و عدالت دفاع  
میکند و با تو جه به اینکه یکی از  
وظایف خارنوال نیز نظارت بر  
قوانين است میکوشد از تعیین درست  
قانو ن دفاع کند .

٨ صفحه بقیه

قانون جزای جرائم

نازید م و با زهم می نازم .  
در آن ساعت یادت !  
بلی ! یادت توان قلبم بو دای بتو !  
زاده این آب و خاک بتو ای یادی ازیاد گارهای امو  
وای گل شگفته آرما نهای من ! وهیر مند !!

## هزار هزار هزار هزار



ازره آورد های اتحاد شوروی:

خبرنامه محمد دین زواج

## بهزاده دان آنجاو اینجا !

هو تل انتر کانتی ننتال با کمال میل از فا میل های نهایت عزیز و  
گرا می دعوت به عمل می آورد تمامحا فل عرو سی اعضای فا میل  
خود را با مصر ف مبلغ دو صد و بیست افغانی فی نفر بسویه خیلی  
ها عالی و بین المللی در این هتل تجلیل و بر گزار نمایند.  
به خاطر رضایت مندی بیشتر خانواده های محترم هو تل انتر -  
کانتی ننتال علاوه بر تهیه غذا های لذیذ و متنوع انواع شیرینی ها و  
سر و یس عالی یک تعداد خدمات رازیگان و یک تعداد خدمات دیگر  
را پنجاه فیصد کمتر از قیمت اصلی آن به مشتری یا ن محترم عرضه  
میدارد .

جهت معلوم مات بیشتر لطفاً به تیلفون های نمبر ۳۱۸۵۱ -  
۳۱۸۵۵ ، و نمبر فرعی ۲۰۴ شعبه فروشات و ۲۰۴ شعبه محافل  
هو تل انتر کانتی ننتال تماس حاصل فرمایند .

در آنجا که جوان و دختران در خانه شوری ها .....!  
پشاش خند و کنان با نظرها بازی بیاد شما راد مردان وطنم  
میکردند .

در آن پارکها که همه از سرور نو سازی  
زندگی بهره داشتند . واي مردا نیکه شهید این آرمانها  
و آن ما وائیکه کدورت ها به شده اید .

نازید م و با زهم می نازم .  
بلی: در آن محل که باش مسکن می نازم به کوه های شا مخت

خوشبختان بود . می نازم به دره و دیا رت  
بیا د تو .....! همان بیا د می نازم به با غوراغت ، می

توای و طن ای جایگاه شیران - نازم و باز هم می نازم !  
نازید م و باز هم می نازم .....؟ در آن فابریکه هاییکه کارگران  
در آنجا که انس صلح بشری قهرمان عرقیزی ها داشت .

شوار روز بود . در آن کلخوزها که دهقا نان  
در آن ما و اکه آرامی و امن از ثمر بازوی پر توان خود افتخار

جهانیان در رگ و خون شان را نصیب خود داشتند .

تپید نهاداشت ... در آن مترو ها که گلبا زان  
در آن جا ، در آن آشیانه سیاه از بکسان سبد گلی را به رخ  
وسفید در جایگاه انسوان لفت و کشیده بود .



شنبه اول دوس ۱۴۰۹ - ۲۲ نوامبر

۱۹۸۰

سال ۳۲

شماره ۳۴ - ۳۵

قیمت یک شماره (۱۳) افغانی

کتابخانه  
جمهوری اسلامی افغانستان

**Get more e-books from [www.ketabton.com](http://www.ketabton.com)**  
**Ketabton.com: The Digital Library**